



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

کتابخانه ایرانی
Iranische Bibliothek in Hannover
1986

راه کارگر

دوره دوم سال هشتم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ ۸۰ ریال قیمت: شماره ۳۵ بهمن ماه ۱۳۶۵

قطبنامه های مصوب نشست دوره ای کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دی ماه ۱۳۶۵

درباره:

- ضرورت تشدید مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران
- جبهه واحد کارگری
- تاکتیک جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی

در صفحات ۱۵ تا ۱۹

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر):

برای دفاع از زندگی، علیه کشتار عام و علیه رژیم ولایت فقیه بپا خیزیم!

در صفحه ۲

انقلاب بهمن و قدرت دولتی

در صفحه ۴

”بند ۲۰۹“

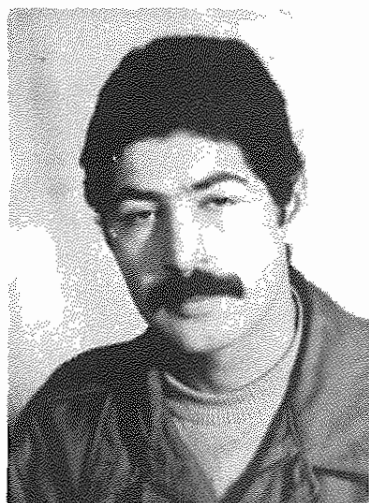
شکنجه گاه اندرونی اوین!

در صفحه ۲۱

برای رفع فلاکت و قحطی

باید مسبب آنرا از میان برداشت

در صفحه ۲۰



رفیق فیروز فخری یا سوری

ضرورت سازماندهی گسترده پست سرخ در شرایط کنونی

در صفحه ۶

ظمیمة

دوازده بلنوم همتیة فدائیان خلق

اعتراف به حقیقت

بعد از هشت سال

”مشارکت“ کارگران در امور سرمایه،

مانور تازه ولایت فقیه

در صفحه ۲۲

زیر کدام سقف؟

در صفحه ۹

«دیگر این مباد...!»

در صفحه ۲۵

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشانشان

جنگ ارتجاعی

خونین تر و ویرانتر از همیشه

اکنون، سرارکشد هفتاد سال ارتجاعی که سینه واربعای سن ایران و عراق، سینه ارتجاعی گریز ۴۵۴ سوی رزم جانگوار ولایت فقیه، برداشته و حذف آن سوار هرگزمان دیگری افزوده شده است. حکم در فاجعه محسوس، کشتنای بوسی نامهاست که نام آنها را بردار:

الف: اوچکری مبارک و افراشی فوق العاده تلفات در جبهه ها، سارگراری و محصن حمرکارها و ممانع نظامی حیوان، آمار تلفات در کربلای احد در جبهه ها حداقل به سن از ۵۵ هزار کشته و صد هزار زخمی رسیده است. در این میان میزان تلفات سربوهای ایران سبب سربوهای عراق، که سرکسل امواج سیاسی است، سراسر برآورد های عمومی، ۴۳۱ و در جوی سینه سربو برآورد ۳۳۱ است. رزم، شکنج و ولایت فقیه، جوانان را هزار هزار از مدارس و دانشگاهها، کارگران را از کارخانه ها و روساها را از کارخانه ها و کارمندان را از ادارات و موسسات خدماتی، سربو کننده و ممانع تعطیل گنایدن اس و احدها و موسسات، آنها را سینه کوبدم بود برای صدور ”انقلاب اسلامی“ و مداوم سطمه و ولایت فقیه، روانه ممانع سن و جبهه های مرک و سبسی، می کند. رزم اسلامی برای اتحاد و حفظ روحه سربوهای خود، و برای تضعیف روحه طرف مقابل، و برای آنگه سربو خود چنان را ممانع سربو سربو خود در جنگ بقیه در صفحه ۳

رفیق فیروز فخرپاسری

رفیق فیروز فخرپاسری، سال ۱۳۳۰ در قریه "دبارخان" از نواح ساکل در یک خانواده نیمه مرفه دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر لنکرود بپایان رسانیده، در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده شیمی دانشگاه اصفهان گردید. در همین دوره از طریق محافل جدا نشوئی با اندیشه‌های بخش مارکسم - لنینیسم آشنا گشت و تولدی دوباره بافت و زندگی نوینی را آغاز کرد. در بهمن ماه ۵۳ با خطر فعالیت‌های ضد دولتی اش توسط ساواک دستگیر شد و با سر بلندی دوران شکنجه و بازجویی رابست سرگذاشته سه یکسال حبس محکوم گردید. پس از پایان دوره محکومیت به سر سازی فرستاده شد و بعنوان عنصری خطرناک برای رژیم، از گرفتن اسلحه محروم شد. با اتمام دوره سر سازی به ادامه تحصیل پرداخته و در رشته شیمی فارغ التحصیل شد. با شروع اولین سرآمدهای توده‌ای در سال ۵۶-۵۷ سید رنگ به سازماندهی آنها پرداخت و خود پیشاپیش آنان چنانکه شایسته یک کمونیست است در مبارزات شرکت کرد. او که در زندان با مثنی جدا از توده‌ها مرز بندی نموده بود و قاضی "انقلاب" توده‌هاست "اعتقاد داشت اینک همه تورا انقلابی خود را با چهره‌ای آرام ولی مصمم در سازماندهی آنان بکار گرفت. در سال ۵۷ هفت ماهه سفره ای از یاران مبارز خویش تشکیل داد و بعد از اعلام موجودیت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در سال ۵۸ به متغیر راه کارگری پیوست. رفیق پاسری که بعنوان کمونیست طعم شیرین تحمل رنج عشق به توده‌ها را چشیده بود با قدرت بدگسار سازمانگری پرداخت و در سازماندهی فعالیت‌های دمکراتیک و تربیت نیروهای جوان نقش قابل توجهی را بر عهده گرفت. تا شیر شخصیت او در رفقای جوانی که در کنارش مبارزه میکردند، رابطه عاطفی بین آنان و سرخوردن‌های صحیح و سخته او با مسائل و مشکلات رفقای جوان و نیز کسب آموزش‌های سیاسی تشکیلاتی از وی، بزودی خود را در رشد تک آنان نشان داد. همین امر باعث گردید که بعنوان یک انقلابی حرفه‌ای در ارتباط با مسئولیت‌های سنگین تری قرار گیرد. در مرداد سال ۶۰، سالیکه کشتار روشنکننده بپیدا میکرد، در سربک قرار تشکیلاتی دستگیر شد و با مقاومت قهرمانانه‌اش در سخت‌ترین میدان مبارزه انقلابی و ستام بیک کمونیست راه کارگری در زندان اوین به عنوان سبیل مقاومت شناخته شد و نامش سرتاسرا وین را فرا گرفت. در اسفند همان سال با حفظ اسرار زمانی و زسرو حیثیت تریسین شکجه‌ها توسط جلادان خمینی به شهادت رسید. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از اعلام شهادت رفیق بدلیل وحشت از محبوبیت وی در میان مردم شمال خودداری کرد.

با شهادت رفیق فیروز فخرپاسری جنبش کمونیستی و کارگری ایران یکی از یاران وفادار خود و طبقه کارگران، یکی از مؤمن ترسین فرزندان خود را از دست داد. او همانند هزاران

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر):

برای دفاع از زندگی، علیه کشتار عام و علیه رژیم ولایت فقیه باخیریم! کارگران، زحمتکشان، سربازان و جوانان!



تداوم حکارتحای ایران و عراق در هفتمین سال آن، در روزهای اخیر اوج بی سابقه‌ای یافته است. نیروهای هردو کشور ایران و عراق سندا سماران و گلوله سماران و مومک سینه می‌سوزانند. سماران سبدهای ناختران، اراک، اصفهان، تبریز، قم، سر و حرود و جرم آباد... و گلوله سماران مداوم سحره و سرتاب مداوم مومک به سعادنا کسون موجب کسه شدن و زخمی شدن هزاران نفر از مردم دو کشور و خسارات عظیم و ویرانی تهرها گردیده است. رژیم جنایتکار ولایت فقیه با آغاز عملیات سیمکس موسوم به کربلای ۴، ۶۰ هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و جوانان ایران را در حربه‌های این جنگ جنیمی به کشتن داده است. آمار بی سابقه کشته شدن، زخمی ها و معلولین در این عملیات، رکورد جدیدی از کشتار عام است که جنایتکاران ولایت فقیه برای گرم نگهداشتن تنور جنگ و سر ای رسیدن به اهداف ارتحای عسی و ضد بشری خود در پیش گرفته اند. اکنون در این زمستان سرد و یخبندان، صدها هزار تن از زحمتکشان میهنمان بر اثر سیل هستی خود را از دست داده اند. فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان اسنا دو حشتناک پیدا کرده، حتی به گفته خود سردمداران جنایتکار رژیم، شبیه نان و سوخت برای زحمتکشان ناممکن گشته است. غالب کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به تعطیل کشانده شده اند. کارگران هزارها ریبیکار می شوند و بیانه در ماندگان می سوزند. جوانان هزارها ریه قتلگاه جنگ فرستاده می شوند تا بصورت "مواجهه انسانی" در عملیات کربلای ۴ در یکام میکی سپوده فروغلتند و دهها هزار نفر دیگر از مردم به خیل آوارگان جنگ پیوسته و هزاران خانواده متلاشی شده اند.

هدف رژیم جمهوری اسلامی از این همه مرگ و ویرانی، فلاکت، تحکیم سلطه نوم ولایت فقیه در مردم کشور، و کشورگشائی برای اتحاد و گسترش ولایت فقیه در منطقه است. بقای ننگین رژیم اسلامی، وابسته به جنگ است. تسدید جنگ در روزهای اخیر، به ویژه برای آن بوده است که رژیم خود را از سواستی ارتباطی با آمریکا و اسرائیل خلاص کند، تا نا اید بتواند سروزای های هر چند کوچک در حربه‌های جنگ، مردم را فرسود و برای گشودن بن بست که در جنگ و در مذاکراتش با آمریکا آن مواجه شده است، راه گشائی کند. سردمداران جنایتکار رژیم اگترین آشکارا کشورهای منطقه خلیج فارس را تهدید به جنگ می کنند و اهداف توسعه طلبانه خود را سوزمی دهند. علیرغم کشتار عظیم سربازان و جوانان کشورمان در عملیات کربلای ۴، جنایتکاران رژیم این عملیات را سرآغاز "حمله نهائی" قلمداد می کنند و این سندان معنی است که رژیم فقها برای رسیدن به اهداف بلبیده خود قصد کشتن دادن صدها هزار نفر دیگر از مردم کشورمان را دارد.

مردم ستمدیده ایران!

هفت سال جنگ و عملیات کربلای ۴ و هفت سال ننان داده است که در تداوم این جنگ خانمان سوز حبه در جنبه های جنگ و حد در شهرها و روستا های کشور جز مرگ، اسارت، فقر و فلاکت، بیکاری و بی خانمانی و نابودی تمامی ارزش ها و میراث فرهنگی، چیز دیگری در انتظار شما نیست. جنایتکاران رژیم سرب پیبیرد این جنگ هر چه بیشتر به ایجا دفعقان و استعدا در داخل کشور دست می زنند. گسترش سرکوب، دستگیری های وسیع و موج اعدام های جدید و جاسوسی در سراسر کشور از وی دیگری برای بقا رژیم است. نفرت شما از این جنگ، رژیم جنایتکار ولایت فقیه را بر آن داشته است که برای تداوم این جنگ ارتحای مستقیما به جنگ علیه شما سر دزد، اکنون تنها رژیم تنبکار جمهوری اسلامی، امیربالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و ژاندارم منطقه‌اش دولت صهیونیستی اسرائیل خواهان ادامه جنگ هستند و بسیاری تحقق اهداف بلبیدتان، زحمتکشان و جوانان دو کشور را به سراد رکتی و امی دارند. تنها با مقاومت علیه جنگ و تنها با مبارزه برای سرنگونی رژیم فقیه است که می توان به صلح و آزادی دست یافت. با مبارزه هر چه گسترده تر و کسار حه تر علیه کشتارهای وسعتر ساختار بلبید، تنها مقاومت سازمان یافته شما می تواند مانع جنگی رژیم اقلج ساز دوراه سرنگونی آن را هموار نماید. برای دفاع از زندگی، برای صلح و آزادی، و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باخیریم!

- مرگ سرک! زنده ما صلح! زنده ما انقلاب!
- سربکون با رژیم جمهوری اسلامی اسران!
- سرتار با جمهوری دمکراتیک سوده‌ای!

تنگ از تنجایی ...

دنباله از صفحه ۱

گناهی جبهه های جدید، مسدود می نماید. وقتی ریلای چپاربا عدم موفقیت و تلفات فسران نسانی رویرو مستود، بنا به گفته صریح خامنه ای رای نتان دادن قدرت و ایجا دروجه دربراسر بلیغات وسیع در مورد شکست کرلای ۴، دست به مله جدید (کرلای ۵) میزند و موازات آن برای ایجا دیواکنندگی درصوف حریف خود، هجوم کرلای را آغاز می کند. و درهما نحال وعده حمله سرنوشت ازدهه فجر امی دهد. و برای اینکار به سبج زرگ و وسیع نیرو تحت عنوان "سپاه مهدی" اقدام ی ورزد. و بدین ترتیب ناکامی دروصول به هدف ارتجاعی و باناسلامیستی خود، در هر مرحله را اگسل سسترنیرو با حملات و تلفات بزرگتر، عسی با کتاب بخسدن به گسترش دامنه حسک، اسخ میدهد. رژیم اسلامی که زرفسارنا، رضائستی ردم در سراسر حنک، گسترش فخر و فلاکت و سبکباری، رای فرست دادن مردم، سارها به حمله سرنوشت از در سال جاری، اناره کرده است، اکنون سبسی زهر موقع دیگر، برای تزییق روحه در سروهایی، برای عوام فرسی و کسودن سن بست جبهه ها، سد، خود را بنیازمند بیروزی ولو سپر قسمت واهر قدر تلفات انسانی، می بیند. وهر "سروزی" لوپیشرو سبایی خدمتتری را ساهر مفدا رتلفات نسانی، با آب و تاب تمام منسک می کند و در بیان انبوه لاف و گزافها و تعاریف مبهم نظیر نکه "هدف ما تسخیر بصره نبود، بلکه فلج ساختن نابودی سازمان ارتش عراق است" تلاش می کند. اتلفات و سن بست در جبهه ها را، پوشده نگه دارد.

ب: گسترش جنگ شهرها، کشتار افسران
برنظام می و انیدام تا سسات اقتصاد و فرهنگی
 ... هر قدر که بر قطعیست سن بست حگ در جبهه ها فزوده میشود بیمان میزان طرفین سنجو حشانه دیوانه واری، به اسعد بیورش و ناسودی افسراد برنظام می می افزایند، اکنون کشتار انسانی ی یگناه و بر خکشدن ارقام و آماران اقدام نون میز به کار روزمره طرفین تبدیل شده است. سد از اینکار دامن زدن به حنک روانی و ایجا دنگی در پشت جبهه است. حنین قساوتی، علی رغم هام موازین ابتدائی و مسلم بذیرفته شده زسوی مجامع بین المللی و علی رغم انزجار سبب از سوی افکار عمومی جهان و محکوم کردن آن، ورت روزمره بخود گرفته است... سراسر گسترش مباران شهرها، در واقع جبهه های جنگ سراسری ده و حنک بطور مستقیم روزمره جان مدها نفسر ادر شهرها در معرض خطر مرگ و نیستی قرار داده ست. روال عادی زندگی بهم ریخته و در بسیاری ز شهرها، مردم وسیعی مجبور به مهاجرت و کوچ ده اند. سراسر آوارگی و سی جانمانشی، بلیونیون نفر اضا فتنده است. اگر بر این سسر، سانشکی بیمارستانها و فقدان جاسرای محروم، قدان سربناه و بیناهگاه برای مومن مانسدن زسما رانهای هر روزه، گرانی، فقر و فلاکت و حظی را بیفزائیم، اسعد بحران همه جانبه و ناسستی نفرت عمومی و احتمال سرنسزدن سم عمومی را در هر لحظه، در اسن با آن نطفه

و سراسر این با آن موضوع سبشتر احساس خواهیم کرد. ح- رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی نه چاهام اخسرا انجام میدهد، که سس از هر موقع دنگ در سطح منطقه و جهان در انزوا فرار گرفته است. سورش های جدید رژیم، بدنبال رسوائی سائی از بر ملا شدن دسلماتی و مناسبات سری بین رژیم ایران و سراسر آمریکا و دولت اسرائیل صورت می گیرد. همچنین ایسن تهاجمات جدید بدسال بگ دور تلاش نا فرحسام دبیلما تنک رژیم اسلامی در منشا عدسا ختن قدرت های جهانی و تهدید کشورهای منطقه برای حذف دولت عراق و قطع کمک به آن انجام میگردد. عسرم تمام تلاش ها و تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم برای ممانعت از تسکیل کنفرانس کشورها اسلامی در کشور کویت، و علی رغم ساییکوت و انتخاب زمان سورش کرلای ۴ در آسانانه تشکیل ایسن کنفرانس در جهت تحت الشعاع قرار دادن آن، و علی رغم تلاش حکومت ایران برای شرکت نکردن دولت های دوست خود یعنی دولت سوریه و لیبی، کنفرانس مذکور با سشتر س کشور شرکت کننده و از جمله دول سوریه و لیبی تشکیل شده و در قطعنا مه خود گسترش جنگ از سوی ایران را محکوم ساخت.

در سطح جهانی سس رژیم ایران سلحاظ جنگ ظلمی و نقض حقوق سسر و مخالفت سبشنیادات ناظر بر سطح و آتش بس بین دو کشور. سبش از هر موقع دنگ در انزوا قرار گرفته است. مردم ایران! اکنون رژیم جناسنگار برای تحقق اهداف الحاق طلبانه و باناسلمیستی خود، برای دست آوردن بیروزیهای هر چند کوچک، سبر قسمت و ساهر مفدا رتلفات انسانی به تلاش جنون آمیزی برای گسترش جنگ دست زده است. هم اکنون این رژیم خصمنی است که علی رغم آماجگی طرف دیگر برای اسجاد آتش سی، به تمامه جنگ و الحاق خاک عراق به ایران و گسترش امپراطوری اسلامی از نوع ولایت فقیه دست زده و شعارادامه جنگ تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفر یعنی ناسودی حتی تمام مردم ایران را سسر داده است! اس جنگ ارتجاعی و اهرمینی تاکنون مصائب بی شمارمادی و انسانی را برای مردم هردو کشور سبار آورده است. بنا سار قام تحمیبسن زده شده لفا با ساسی آن ناکون سسار ۷۰۰/۰۰۰ سسرکسه و سس از یک سلسون محجروج و مطول بوده است! همچن سسار ۴۰۰/۰۰۰ سلسار د دلار سبچارب وارده سساران حنین زده شده است. موسوی نحب و سس رژیم حناسکار رفعیها، گفته است که تمام قدر بولندی سسور در سال جدید مصروف سنازهای حگ و حجه خواهد سسند، سسار بس حکومت حگ امروز، سسار برای سنا، کشتار، آوارگی و فلاکت سشتری تدارک دسده است، و میگوید که ساسا دنوم بیروزی نزدیک شمارا بفرسند. سادامکه سس حکومت احتناق و حنک افروز سافی است، سسانی برای حگ وجود ندارد. سنا راه رهایی از این همه رنج و مصیبت، اراده و اقدام بکسار حه سنا در سرتگونی رژیم ولایت فقیه و اسقرار صلح و دمکراسی است.

هواداران، واحدها و کمیته های سازمان! حربه رژیم در دامن زدن به نفرت حنک و سبج

نرو، لفا، روحه وطن سرتی و ایجا دتوه سم بیروزی نزدیک بر رژیم عراق است. سبب سنا تلیفات گسترده علیه این شوونیسم سبب سرازه سراسر است. و حق تعیین سرنوشت حلقها و صلح سدون الحاق طلبی و غرامت را در مقابل این شوینیسم الحاق طلبانه قرار داد. سبب سنا سرتگونی سس بیقرار سخواهند سسنا، سببان کارگر سسران و زحمتکشان سرد. در شرایطی که بدلیل تراکم نارضائتیها ممکن است از هر جرقه حریق بر خیزد، سبب سنا تمام سبجائی ها و تحمعات توده سنا حضور یافت. سبب سنا تمام سببینه های خرد و سسز و عسنی بیروز حركات و درگیریهای مردم سس رژیم، توجه کافی کرد. و همواره هراسناک و درخواست ولو کوچک را به محمل مادی سازمان دادن اعترافات مبدل ساخت. در حنین سراطی هرا عتراف، سسادم و تحم از قبیل بیگزاری مراسم سدفین و تر حیم، جلوسگری از خروج اسبها، درخواست سنا هگا، فقدان ما یحتاج اولیه و سبب سبب اجباری... ممکن است سبب اعتراف گسترده توده های تبدیل شود. سبب سنا در سسرای حنین سراطی خط سسری آماده ساخت!

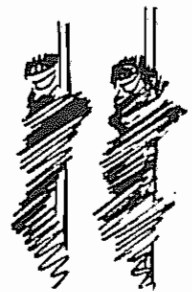
دنباله از صفحه ۲

رفیق فیروز...

کمونست گمنام همه توان خود را در سرتا سرتگنی سراسر برای یآوری کارگران در راه رها سس خویس بکار گرفت. سناست و استحکام او در انتقاد از نارسائی ها و اشکالات و حوله اش در گوش فرا دادن به حرفهای رفقا و بسبجای صحیح سس سئوالات آنها، همراه با معرفی کتب و اشتغال تجربی سس، روشی در سبج خط و مواضع سازمان با توضیح واقعات روزمره زندگی و ضرورت مبارزه برای تحقق سسالیسم، از سسکی های او بود. همگاری نزدیک با فیروز، خود باعث ارتقاء روحیه انقلابی همسنگار سس شد.

سعدا زه خردا ده ۶، رفیق فیروز سس همگاریان نزدیکش گفته بود: در شرایطی که داشتین نام کمونیست برای اعلام آدمی کفایت می کند، چقدر این کمونیست هائی را که از مبارزه برای رهایی انسانها دست سرنمی دارند، دوست میدارم!

سراسر سس از کمونیستی چون فیروز، رفقای او چه میتوانند بگویند، جز آنکه این گفته او را در ساره خودش تکرار کنند؟



مرک بر جنک! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

انقلاب بهمن و قدرت دولتی

هست سال از انقلاب بهمن می گذرد. انقلابی که سارکت ملسونپان ار مردم سوحد آمدوسه نظام دوهرارو با صداله سلطنت بان داد؛ کسره نرس آرادسپای ساسی راکسه ساگون نارسخ ساسی ابران هرگز سوحدسد ه است، فراهم آورد، ارتقا؛ آگاهی ساسی وسسترس بوده هارا موجب شد، و سادرگرسوحد ملسونپان در ساحتان روسنای سبای نویسن، مقدمات نظم سوس شورائی رایبی رخت، این انقلاب، بگا انقلاب حقیقتا خلقی بود، یعنی انقلابی که خودنوده هانرا ساعارهابان و کوتسپانسان باختندونه سوسله تکرار برنامه جمهوری بورژواشی کهن (برنامه انقلاب مشروطه

مطبوعات، اجتماعات و تشکل) سرکوبند، خلق صلاح عموم اهالی آغا زگردید، نورها احتیاط یافتند و آنچه باقی ماند اصطلاح "انقلاب اسلامی" بود و تسلط دسته های باندها حزب اللهی و دستگاه قرون وسطائی ستمگری مذهبی و سیاسی ولایت فقیه همراه با حوبه های دار، شکنجه و تازبانه . جمهوری اسلامی نه نتیجه یک کودتا بلکه محصول قیام سرورمندتوده های بود و همین امر اس برسن رارای همگان مطرح می ساید که حه عاملی سب شد تا طرعم تمامی بلاهای مردم، رژیمیی به قدرت ارتقا؛ ساید که علاوه سرکله اسکال ستمگری بیس، اسناد مدهی والعی آرادسپای مدسی راسر ساه نالانگرسپا

بمثابه راس انحصار دولتی سرعایه داری است ساید فراموش کرد که اسزارهای نظم ارتحا عد پلیسی و سوروکراتیک در کشورها تحت نظام سلطنت سدید آمد و ما به شکرانه سلطنت پنجاه وهفت ساله خاندان پهلوی از ارتش ثابت، سوروکرات، متمرکز و دستگا ه های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوس قوی برخوردار شده ایم. این دستگاه تحت رژیم جمهوری اسلامی سبزرشدغول آسائی کرده، ستم منقذهای حاصه رایبوانده، وهم اکنون برک حسابات اقتصادی و سیاسی کشور اعمال اقتدار می که دستگاه متمرکز سرکوبگر دولتی با برانگیختن شووسیم ملت فارس - که مبین منافع بورژواز فارس است - همواره کوشیده است تا استبداد



سارنامه قیام ۳۰ تمبر ۳۱) یعنی سارنامه ای که ارنی، پلیس و سوروکراسی ممتاز ه را حط می کند و تنپان بدان جمهوری پارلمانی را اضافه می کند و سواخواهان آن می نود که "ناه سلطنت کند، به حکومت". انقلاب بهمن، به کله اسازهای قدیمی ستمگری و سرکوب سعرض نمود، عموم مردم را مسلح کرد و موقنا قدرت را در خاسابیه، کارخانه ها، ادارات و سادگانپا ه نهادسای نویسن، نوع شورائی سسر د که انقلاب آنرا سوحد آورده و نمونه آن فقط هنگامی در تارسخ دیده شده که انقلاب به سپات اعلا خود رسیده است، مثلاً در سال ۱۷۹۲ در فرانسه، در سال ۱۸۷۱ در همانجا و در سال ۱۹۰۵ در روسیه و ایضا درهما نجاد سال ۱۹۱۷.

سپا فراید؟ احراب و ساسندگان ادبی و ساسی طبقات اجتماعی منخام در سارخ ساین برسن، نظریات سعاوت و سعاد ای رائه می دهد. مدافعین نظام سلطنت اعم از سلطنت مطلقه با سروطه که رنگونی سان آماج اصلی سیکارهای ملسوسی مردم بود، ارا س ساله حسن نتیجه می کرسد که بطور کلی اکثریت حمصت کشور ما به آن درجه از بلوغ سیاسی و مادی فکری و مرهنگی دست سافته اند که سوا نند سبرای نظامی دیکراتک و جمهوری باشد؛ و از اسرو نظام سلطنتی بگا ه تشکل مناسب برای "اداره" آنان است. در اس نحوه "اسدلال" حقیقتی سفته است. استرار سلطنت در قرن سستم بازتاب وصصت ساسی است که در آن مردم در سدرگی، ذلت، اسفساد، سآگاهی و عدم تشکل سرمی برنود و توحش و برسرت قائمه زندگی است. این سوه زندگی سیاسی سرازنده تکامل سربا به داری ارنجاعی و سوروکراتیک می باشد که در آن عالترس اقتدارات سیاسی و اقتصادی در دست دربار و دمان سلطنتی

حقوق سیر ملل ساکن ابران را سلطتموده و پایا ه خود را تحکیم کند. این دستگاه هرگونه آزادیها سیاسی را برای اکثریت اهالی الفاء نموده، سلب هرگونه حق تشکل و تجمع از طبقه کارگر توده های زحمتکش آنان را مجسوره حمل شدیدتیر اسکال بهره کتی سربا به داری و فروش ارزان سبر کار خود می سماند. این دیکتاتوری عربان و عناب کسحه، توده وسیع مردم را در نا آگاهی و اقیسا نکا هداسنه و بار عظیم هزینه های خود را سبردوش کارگران و زحمتگان سپاده است. ماهست این دستگاه سرکوبگر دولتی - که در سرکوب کارگران و زحمتگان و در تعرض به حقوق آنان ارهوسل ممکن حی از غیوه ها و قوانن قرون وسطائ سبزا سفاده می کند - سوزو شای است، سباب حال هورسادات سیاسی مستقیم وهمه حان س طبقه بورژوازی در دولت بطور کامل تحققی نیافند است. و از همین جا سب که نارضا یی لسیرالها درخواستان سبنی سبر برقراری یک حقیق سوز

سبذا این جوانه های اولیه قدرت نویسن خدان ساشند و با تسلط رهبری و حاسبت، سژمرده سداوز میان سراسست و همراه با آن انقلاب خلقی در موضع تدافعی فرا گرفت، کله آزادیهای دیکراتک (و از جمله آزادی نامحدود سبسان،

یروژواشی معمولی ناتمی می شود.

لیبرالها که خواهان حفظ ارتش ثابت ، پس ، و سوروکراسی ممتاز می باشند ، از سک پیوری پارلمانی حاشداری می کنند تا اعمال راده کل طبقه یورژوا را در دولت ممکن نمایند ، لیبرالها که دروزدرهشت کابینه موقعتت زرگان با نظام ولایت فقهه ائتلاف نمودند و مروزه پس از لگدمال شدن توسط روحانست حاکم ختا مدافع خط استحاله و تحول ندرسی رژیم پیوری اسلامی به یک رژیم "معقول" سرمایه - ارانه شده اند ؛ در اسخ به یرس مذکور ، زتندروپها ، ساهت ها و حنون تهیدستان و آتش - نروزی کمونستیا دربرانگختن انقلاب توده ای ادمی کنند . آنا چنین وانمودی کنند که رژیم پیوری اسلامی نظیر کلیه نظامات خودکام و متبده محصول جنون وساهت تهیدستان و افعین شرکمونست آنا است و نتیجتا دلیل نکه تلاشهای مردم به استناد دقتا هتی انجامید ، با است که مردم و سالاخی کارگران و سبجزان یرروستا به شیوه ای "مقلاتی" عمل ننمودند و ست به افراط کاری و انقلاب زدند ، دمکراسی رگران و تهیدستان برای لیبرالها کسسه مده اند تا با ارتجاع علیه هرگونه انقلاب قی حسیه واحد تکمیل دهند ، با استبداد و حقیل ترادف می باشد . دفاع ریاکارانه آناست از دمکراسی ناب " در مقابل انقلاب تنها بدین خاطر ست که بر حمایت فعالان از نظم ارتحایی ، سیی و سوروکراتک برده ساتر سفکشدن و لاکدام ردریعی می سواد دمکراسی حسیف سودکسه یران سالیای ۵۷الی ۵۹ از سرتک اسفلات حلیی وانست در مره آزاد سرس ملل حیان صرار کرد ایسکه رژیم جمهوری اسلامی تنها سز سرتکوب مسخ دست آوردهای این اسفلات با همکاری لسرالیا سوسال حاشیئ ، سرتکوب و سرتکومونستینها دمکرانیا ایسفلایی که ار همان فردای استنزار ژم جمهوری اسلامی ضرورت سرتکیی رژیم را کردم ، تو است آن نظم را بر مرار نماید امروزه ریکان سز حاضره سدرش واقعست اربخی آن شده است ، آری ، با سح لیبرالها به رس مذکور عارست از تخطئه سواره طبقائی ، نکا ضرورت هرگونه انقلاب توده ای و سرتکوب مکرسی کارگران و تهیدستان ، لسرالیا تا آن دودی که حشش توده ای ستواند برای سرتک نان در قدرت سرتسگاه متمرکز دولتی اعمال نار نماید ، خواهان انکاء به توده ها هستند ، ما سحض آنکه این حشش به یک انقلاب خلقی مدبل شود ، اما مده اند تا برای سرتکوب آن با ارتجاع نخدگردد . لیبرالها ، در دفاع ارحمیوری و خالفت س سلطنت سراین با ورنده سرمایه داران کنون به یک حمپیوری ساردارند ، زرا آنها به ربق سگری نمی توانند مردم را "اداره کنند" . لیبرالها به یک حمپیوری "پارلمانی" سناز مندند ، عنی حمپیوریی که در آن دمکراسی به اسخا سات مکرانتک وجق فرستادن افرادی به مجلس حدود می شود که بنا به گفته هوشمندانه سارکن ، افرادی که مردم را سنا پندگی می کنند مردم را سرتکوب می کنند .

و اما مدافعین نظام جمهوری دمکراتیک

اسلامی یعنی رهبری محاهدین و سروان غسیر محاهدین رهبری در شورای ملی مقامت به پرسش مذکور چگونه پاسخ می دهند؟ آنا که توده ها را بی شعور ، آلت منفعل و گلرس بی شکل قلمسداد می کنند که فرا راست تنیا سوسله پیشوا سنان و شعور سا مریکونه آنها سکل بکسند و خداست شوند ، جسین می پندارند که با حاکرسی رجوی به حای خمسی تناقض انقلاب سیم حل می ند ، سغسی اگر رجوی می توانست زودترا زخمینی سحسد و حما بت حمپی کراسی ("حقوق سرت" حمپی کراش) را از یکسوی و سنا سدیگي توهما ت مذهبی و ما فسل سرمایه داری رایج در سنا ن تهیدستان سپیوری و دفاع از مدرنسم و سنا سولاسم لانه های ماسی حد سشیری را ارسوی دیکر سغیده بکسرد ، مسند رهبری در احشنا را سنا فرامی گرفت ، ارا سروسن تعلیم رجوی ارسوه های سنا پارتسسی به قدر رسدن خمسی در حال حاصروسنا را علی آناست مسی بر "سرت سرتخمینی ، درود سرجوی" ، در واقع سرتحمپیوری دمکراتیک اسلامی به معنای حفظ ارتش ثابت ، بلس ، سوروکراسی مماناره و سرتکرات است و سنا شعوش روحانست حاکم ساکا در رهبری محاهدین ، شعوش ساه و کسسه ها با سلسلای مجاهدین ؛ و شعوش دوا شرایب سولوسرتک ففاهتی در ارتش با دوا شرایب سولوسرتک سوجیدی و سنا سولاسم لیبستی سرتس ارسنی محاهدرا در دستور کار خود دارد . اس سفسرد سولاسی سبایی به منطقی سنا ساهی یک سنا پارتسم ارتحایی مدرن سرت از رژیم حمپیوری اسلامی است که می خواهی حد سوزوا شدائی از شناختن دستگاه حمپیوری اسلامی را سنا سرتس سرمایه داری حدقت کند ، و سمن خلع سدسای از سوزوازی و سرتکرت آن در دست رهبری محاهدین ، نظم سرمایه را از تعرض کارگران و تهیدستان سشوروستا مضمون دارد و در عین حال حما بت مخصص و اقتا رسائی حد سشیری را سرت به نام مدرنسم و سنا سولاسم به نفع ایسین قدرت جلب نماید .

طرفداران احبای سلطنت ، حمپیورخواهان لیبرال ، مدافعین حکومت رجوی با حاشیئان حمپیوری دمکراتیک اسلامی علیرغم اختلافات متعدد فیما سبن خود سرامون اشکال ستمگری و تحکیم مانشی تضییقات سعی دولت علیه کارگران و زحمتگان در یک نکته توافق دارند ؛ سستت نظم ارتحایی ، سوروکراتیک و نظامی یورژواشی و ضدیت با دولت نوع شورائی سبی حمپیوری دمکراتیکی که سرمایه اعمال استگار و واراده سرتقم کارگران و زحمتگان سشوروستا ساس کردد . اس نوع حمپیوری که در سحک ارسوره های سوزوازی پارلمانی عادی وجود ساه و اصلا نمی سواد در کسار حکومتی سوزوازی وجود ساه ساد ، آن نوع حد سود دمکراتیک سرتولست اس که سنا در سحجه سک اسفلات حسیفنا خلقی می سواد وجود آندوما کمونستیا ارا حمپیوری دمکراتیک خلق ساه مده ام . حمپیوری دمکراتیک کارگران ، زحمتگان و دهقانان ، آن سوع حمپیوری است که در آن بلس ، ارتش ثابت ، ساه و کلیه قوای ملح حرفه ای خدا از مردم محل شده و سوسله سلح همکاسی مردم و سلس خلقی شعوش می کرده ، سنا می مقامات نظامی ، فصاشی واداری به سنا اسخایی حواهد سولگسه همحش در هرمان سنا ساره اگرسوت اسخا

کسندگان فاسل فرا حواسدن و عرل شدن می ساند ، سنا می مقامات بدون استسنا ؛ سسردی به سسرت ارسک کارگرو ما هر در سافت حواهد کردد ؛ و سنا ده های سنا سدی پارلمانی تدریحا سناورا های سنا سدی خلق شعوش حواهد سده حوی که سورا ها هم قانکدا روهم محری فانون حواهد سود . اسفلات حلیی سیم سنا سس سورا ها سطف اس جسین قدرتی را بوجود آورد ، از این سورا ای ما کمونستیا و سرتکلیه دمکرانیا ای اسفلایی ، سرتس مذکور ارا سنی سطفه نظرا سنا ساهت است که حرا سیم قدرت سوسی ستوانست سنا سکید ، رسدن سنا بدونه یک دولت نوع سون سمدل کرده ؟

در نگاه اول حشش به نظمی آبدکه توهما ت ما قتل سرمایه داری و مدهشی خرده سوزواشی رایج در سنا و سسرتس اهالی که موحبات اعتماد توده های قسام کسده راه رهبری روحانسی فرامسود ، سطفه صفای اسفلای سیم سود ، در واقع سرتسردمی که در سرتکوسی رژیم سلطنت محم بودم ، سسوروسی ارتظام آنی کد ساد حاکرسی رژیم ساه ساد سناست ، عرسره اسفلای آنها برای سسیر سظم سایی و احشنا می موحسود ، در سنا رهای سیم و کسک و رحمت به عدالت سدر اسلام اسفکاس می باست ، ارا سروس از سرتکوسی رژیم ساه ، اراده و عمل سستل آنها سواسطه استنزار سنا ارحکومت اسلامی سنا ساه سرتک اسفلات سسوروستا سرتس و مطمع می ند . کسیری و توهما ت خرده سوزواشی سوزده در سنا و سسرتسین افتا س سسرتس سیری ، راغه سسنا و سنا کس طلسی - آسدها ، راه سنا با رفلاکت سرمایه داری را جسک اندا حشش به دامن رهبری روحانی و سنا سرتک سبه عدالت اسلامی ممری می کرد ، اس توده سرتکده ، تحت ستم ، تحسرتده و سسرتس احشنا سسه رهبری سک سطفه معین دانست ؛ سطفه ای که سرتس سرمایه داری ، افراش با عته ، حصومت سطقا سس سوزوازی سسوسی سرتس و آسیده اش سنا در گرو فراتر رفتن سرتس سرمایه داری و استنزار سوسا لیزم سود ، اس سطفه سبی سطفه کارگر که با سستصا ت عومی ، سس سست نظا هرات خناسی را کسود و کسمر رژیم ساه رانکست ، در مکتب سواره سسرای دمکراسی سرتسب می ند ، سسکلات و آگامی سسود را کسرتش می داد تا برای یک اسفلات افتادی آماده گردد ، و سنا سطفه ای سود که ساطرح مطالب سسرت در سورا با ساطرح "انقلاب" و علیی سسدن ابن "سورا" حصور خود را به عنوان یک سسروی سطقا تی سستقل در سنا فرما ده ای وحدت طلبانه حشش مددی کتا توری اعلام کرد .

طبقه کارگر که سنا سرتکوسی رژیم ساه در امرتاسس سورا ها و سرتسرای کسرتل کارگری نقش سسگام را سغیده دانست ، به دلیل فسقسان حرت سایی اسفلایی ، و به دلیل فسقان آگامی لازم سرتسلا ساطلی و سظم سوسی که سنا در اتحاد سنا سرتسکسنا سسوروستایی سسری می ند ، سنا سست سسنا و سرتس عوم توده های زحمتکن سمدل کرده ؛ و اسطفه های قدرت سوسی شورائی در مقابل سرتس ولایت فقهه و توهما ت ارتحایی و واس کراسه خرده سوزواشی سنا داری سنا سنا . سسود سسکلات و آگامی سطقا تی ارتقا دشتنی سنا سرتسولتا سنا سسوزوازی

دلیل عدم سازماندهی گسترده تبلیغات مونیستی و مفهومی واقعی آن، بسیاری زنیروهای که آماده پیوستن به صفوف مبارزه انقلابی شده اند خارج از حوزه تبلیغات و سازماندهی مونیستی باقی مانده اند. درحالیکه اگر تجربه و بقول لنین "تخصص مبارزه انقلابی" را اختیار آنها قرار داده شود، که این نیز از وظایف مهم سازماندهی تبلیغات مونیستی است، آیه سازماندهی و فعالیت مونیستی بمراتب زآنچه که اکنون موجود است گسترش بیشتری خواهد یافت. هرگاه سازماندهی تبلیغات مونیستی بتواند بوسیله ارائه خط و برنامه روش نمودن نحوه فعالیت سازماندهی برای نیروهای منفرد، گروهها و محافل پراکنده اما متحد کارگری و روشنفکران انقلابی و مونیست به دلیل همین پراکندگی و عدم ارتباط قادر به گسترش فعالیت خود و سازماندهی با یداروقوی در میان خود نبستند، زمینه لازم را برای بستن منظم و عمومی عده هرچه وسعتتری فراهم بیاورد، آنگاه علاوه برآنکه دامنه عمق سازماندهی مونیستی در اسفندوسعی گسترش می یابد همچنان باعث می شود تا حتی مسنه لازم برای سرهم خوردن توازن منفی بین رایشط سرکوب و سازماندهی مونیستی نیز ایجاد شود. چراکه تا ایجاد و پرورش سازماندهی قوی با یدار از جنین نیروها و محافل که اکسون دلیل عدم تحریر و اطلاعات و ارتباط و همسطور 'تخصص مبارزه انقلابی' سعی 'همسازیه' با لیس سیاسی و مبارزه محفی و گسترش سازماندهی در شرایط سرکوب، نحوه ارتباط سازماندهی مونیستی و دریافت آخرین اطلاعات و تحولات با درسه ارتقاء، مبارزه خودبستند. سازماندهی مبارزه مؤثر مونیستی از دایره محدود ارتباطات سازمانی سازمانهای مونیست خارج شده و معنای واقعی کلمه جنبه عمومی خواهد داشت. این امر با تضعیف نیروی سرکوب سیاسی برای تعقیب گردهزاران نفر که بطور دائمی و منظم شکیه سازماندهی و مبارزه مونیستی را در میان نبوده. با گسترش داده و اخبار مبارزه جنبش انقلابی همچنین برنامه مونیستی را برای تغییر وضعیت موجود و راههای آنرا بدست کارگران زحمتکشان مبرسانند، فضای مناسبی را برای انقلابیون و متخصصین مبارزه انقلابی سازمانهای مونیست و از جمله رفقای کشته ها و واحدهای سازمان فراهم مسازد تا بدینوسیله قادر شوند قای رشد یافته خود را تا مین نموده و برای غنای بخش هرچه وسیعتری از نیروها و محافل گروههای کارگری و روشنفکران انقلابی ز تجربیات مبارزه انقلابی امکانات ضروری اتدارک ببینند. و در همان حال دامنه فعالیت سازمان نگارانه خود را هرچه بیشتر گسترش دهند.

عقب ماندگی مونیستها از سازماندهی وسیع تبلیغات مونیستی باعث شده است تا بسیاری از محافل و گروههای کارگری و روشنفکران انقلابی که سواطه رشد جنبش انقلابی در حال گسترش نیز هستند، بدون آنکه قادر شوند در جریان جرسات مبارزه انقلابی قرار بگیرند با درمرا حل

اولیه فعالیت خود در معرض ضربات رژیم اسلامی واقع شوند و با نیروی آنها دلیل خارج ماندن از حوزه سازماندهی نیروهای مونیستی و از جمله کمیته ها و واحدهای سازمان، در خرده کاری های بی حسابیه هرز رود. درحالیکه نیروی عظیم آنها میتواند پیشتر از آنقدر تمندی در جهت گسترش سازماندهی مونیستی و همینطور تحدید سازمان تشکیلاتی محسوب شود.

از این جنبه سازماندهی تبلیغات مونیستی منوادمه لارم برای تحدید سازمان تشکیلاتی کشته ها و واحدهای سازمانی در سطر گرفته شود. آنها میتوانند با گسترش و بیخ دانشی و منظم خط و برنامه و با ارائه نحوه و نحوه فعالیت برای فعالیت سازمان نگارانه محافل کارگری و مونیستی و تشویق به استقرار و مرکز سرهاتان روی مناطق مشخصی و با برنامه معنی، بدون آنکه ضرورت ارتباط مستقیم با آنها وجود داشته باشد، مدد و آماده نیروها و فعالیت سازمان نگارانه را گسترش دهند و با زبولندمانده سازمان صورت واقعت ببخشند.

"جنبه عمومی دادن به مسئله سازمان" از طریق سازماندهی تبلیغات وسیع مونیستی و با تبلیغ ایده های سازمان نگارانه می باید به هدف فوق به عنوان تنها هدف سازمان نگارانه تبلیغ مونیستی محدود شود. همانطور که مبارزه توده ای در جهت تا مین خواستهای گوناگون نباشد سازماندهی و سازمان در سطوح و اشکال مختلف میباشد. سازماندهی تبلیغات مونیستی می باید با تبلیغ ایده های سازمان نگارانه مختلف در جهت سازماندهی توده ها متناسب با آگاهی و تشکیلاتی دارای برنامه بوده و راه مبارزه مؤثر در راه تحقیق این خواستها را به آنها نشان دهد و آنها را در ارائه شعارهای روزمره و رهنمودهای عملی یاری بیاورد. در حقیقت سازماندهی تبلیغات مونیستی در این راستا می باید تا می بخشها را مخاطب خود قرار داده و برای پیوستن توده ها به مبارزه در سطوح مختلف دارای برنامه باشد. این مسئله می باید با توجه به اهداف سازمان نگارانه در سطوح مختلف مدنظر قرار گیرد تا بخشهای مختلف بر حسب آگاهی و آمادگی شان توانا حرای رهنمودهای ارائه شده را داشته باشند. از این نظر گسترش ایده های سازمان نگارانه در سطوح مختلف و از برنامه ها تا پیچیده (از گوش دادن به برنامه های رادیویی سازمان، انتقال اخبار، تکثیر و پخش اعلامیه ها و نشریات - تا سازماندهی گروههای هواداری - و غیره و غیره) امکان مدهد که کارها ساده تر شده و در حجاب آن و در همان حال برای هدف واحدی توده های بیشتری را که قادر به انجام این وظایف هستند سازماندهی کرده و وارد مبارزه ای مؤثر در جنبش انقلابی نماید.

در عین حال سازماندهی تبلیغات مونیستی تبلیغ ایده های سازمان نگارانه مسوا و داده ها سازماندهی و فعالیت کشته ها و واحدهای سازمان را در حوزه های وسیعتری نظیر (خا سواده زندانسان سیاسی و شهدا، جوانان - ارشد و غیره ...) که بدلیل گوناگون از جمله امیسی و با محدودیت نیروها در فعالیت در میان آنها بستند گسترش دهد. و طبعه، از این نظر است که بهر کسی که دارای آمادگی برای مبارزه است و معمولاً ارتباط با آنها و حتی شناسایی شان

سازماندهی مونیستی است، یاری کنیم تا مبارزه شان را سازمان داده و ارتقاء دهند.

اگر سازماندهی تبلیغات مونیستی بتواند با تهیه و انتخاب درست رهنمودها، برنامه ها و مقالات نشریه و غیره برای مخاطبین وسیع خود زمینه سازماندهی و فعالیت را برای کمیته ها و واحدهای سازمان گسترش دهد، بهمن ترتیب میتواند این زمینه را برای رفقای که بدلائل مختلف از جمله امنیتی فادرسه استقرار در محیط شخصی (کارخانه و غیره) و شرکت مستقیم در فعالیت سازمان نگارانه نشده اند ولی دارای آمادگی بسیاری برای انجام وظایف تشکیلاتی هستند، برای شرکت در فعالیت سازمان نگارانه از طریق سازماندهی تبلیغات مونیستی ایجاد نماید. یکی از نتایج قرارداد امر تبلیغ در برابر سازمان نگارانه این بوده است که با تکیه یک جانبه بر سازماندهی باعث شده است تا با مشروط کردن فعالیت به نفوذ و استقرار در کارخانجات بخشی از نیروهای فعال که بدلائل مختلف (امنیتی - فراری بودن و غیره ...) قادر به استخدام نبوده اند، خارج از دایره سازماندهی قرار داده شوند. درحالیکه این نیروها که از سطر آمادگی برای فعالیت انقلابی و انجام وظایف تشکیلاتی معمولاً فوق العاده نایاب هستند، میتوانند از طریق سازماندهی تبلیغات انقلابی به نحوی مؤثر در خدمت تحدید سازمان تشکیلاتی و با زبولندمان فرار داده شوند. حتی آنها میتوانند باشند، با تهیه فعال و همه جانبه گروهها و محافل کارگری و روشنفکری که معمولاً مشکلات کمتری از نظر استخدام در کارخانجات و شرکت مستقیم در سازماندهی مبارزات کارگری و بوده ای رو بر و بوده و مشکل اصلی آنها عدم دسترسی به سطر و برنامه مونیستی و تحریکات و اطلاعات - بدلیل عدم ارتباط با سازمانهای مونیستی - است. در ارتباط با حسی محافل خود کشته ها و واحدهای مستقلی تبدیل شود.

در مقابل، برای مشکل کردن حسی کارگری، برای نفوذ گروهها و محافل کارگری و روشنفکران انقلابی - از لحاظ ارائه برنامه و کمک به سازماندهی و ارتقاء مبارزات - برای متحد کردن آنها در جهت سازماندهی وسیع حزبی، انتقال اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان، تبلیغ برنامه مونیستی و غیره و غیره... زمینه وسیعی برای گسترش مبارزه انقلابی قرار دارد. برای سازماندهی وسیع تبلیغات مونیستی در میان کارگران و زحمتکشان و ارائه رهنمودها و شعارها و تبلیغات برداشته می باید نشریه سازمان خود را به ارگان سازماندهی جمعی تبدیل کنیم. در شرایط کنونی، تحقق این امر با سازماندهی گسترده بستن امکان پذیر خواهد بود.

سازماندهی پست سرخ محور اصلی سازماندهی سازماندهی پست سرخ که بعنوان محور اصلی سازماندهی تبلیغات در میان شیوه های مختلف تبلیغی دیگر مشخص شده است در راستای هدف سازماندهی تبلیغات وسیع مونیستی، اساساً هدف پخش وسیع نشریه در میان کارگران و زحمتکشان را تعقیب میکند. اما با مشکلاتی که

در رساندن نشریه به محافل کارگری و انقلابیون کمونیست و حتی اعضاء و هواداران سازمان وجود دارد، سازماندهی بست سرخ و ارسال عملی و وسیع نشریات و اعلامیه های سازمان که از طریق آنها شعارها و برنامه ها در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار میگیرد می باید با یک تبیین و هدف رانسانا نه کرد. باین معنا که از یکطرف می باید مشکل رساندن سریات دست نیروهای بشروکارگری و روشنفکران انقلابی را بعنوان هدف خاص حل کند و از طرف دیگر هدف رساندن نشریه دست عده هرحه و وسیعتری از کارگران و زحمتکشان را متحقق نموده و در ارتباط متقابل ایستوستا یکدیگر به ضرورت سازماندهی تبلیغات وسیع کمونیستی و حضور سیاسی سازمان در میان آنان با اهداف دگرگنده پاسخ دهد.

سازمان تریب سازماندهی بست سرخ منواید با استفاده از امکانات نموده ای برای رساندن نشریه به انقلابیون کمونیست و کارگران بشرو و محافل کارگری و روشنفکری را تا من نموده و در کنار بخش وسیع نشریه و اعلامیه ها و رهنمودهای سازمان در میان توده ها با رفتارگانی و منستی کمیته ها و واحدهای سازمان را در سازماندهی تبلیغات وسیع گاهش دهد. قرار دادن شیوه بست سرخ بعنوان محور اصلی از میان شیوه های دیگر تبلیغی استفاده از امکانات عملی بست موجود در خدمت سازماندهی تبلیغات انقلابی و در انطباق با شرایط مبارزه مخفی و سرکوب کنونی است. اگر شیوه بست سرخ بدقت سازماندهی شود در مقایسه با شیوه های دیگر تبلیغی - بخش اعلامیه بطریق بخش خانه به خانه، شعار نویسی و سخن خباباسی اکبیبی و غیره - میتواند در اندام سازماندهی تبلیغ را بمیزان فوق العاده افزایش داده و در عین حال تکل منظم و دانشی و هدفمندی به سازماندهی بختی نشریه در میان کارگران و زحمتکشان بدهد. سازماندهی بست سرخ علاوه بر آنکه از نظر امنستی در انطباق با شرایط مبارزه مخفی قرار دارد، همچنین وسیله ای ممکن و بسا نردمؤثر در خدمت سازماندهی بخش وسیع نشریه و اعلامیه و همچنین تبلیغات وسیع در شرایط سرکوب فاشیستی حاکم است. در عین حال از آنجا که سازماندهی این شیوه تبلیغی در کنار گاهش خطرات امنیتی ساده تر و وسیل الوصول تربستن شیوه در سازماندهی تبلیغ است میتوانست وسیع ترین نیروها را از عناصر منفرد و هسته های کوچک و بزرگ تبلیغی گرفته تا کسانی را که حتی ارتباط منظمی با سازمان نداشتند و حتی دریافت کنندگان نشریه را در خدمت سازماندهی وسیع تبلیغات کمونیستی قرار دهد. از اینرو مزیت این شیوه تبلیغی در رابطه با شیوه های دیگر از یکطرف در کاربرد و استفاده و امکان سازماندهی وسیع آن و از طرف دیگر در گستردگی و جهت دار بودن آن قرار دارد.

شیوه بخش وسیع سریه و اعلامیه های سازمان از طریق سازماندهی بست سرخ می باشد همانند سایر جنبه های فعالیت با استفاده از این شیوه ای در جهت گسترش و نامن امنستی آن باشد، بسی از منطبق تکل بانفک سا جمعی سرروی نماید. ساس معنی که در رساندن نشریه به

نیروهای مورد نظر آنها را در یوتی نموده ای فرار داده و احنمال روز مسائل امنستی برای آنها را گاهش دهد. مترنستی که حندی نطه را در مناطق و محلات مختلف و بطور منسب و دورهای مورد هدف قرار دهد. با توجه به این مسئله و علیرغم آنکه سازمان بر سازماندهی بست سرخ این شیوه در سال گذشته تنها ۴۰٪ از حجم تبلیغات کمیته ها و واحدهای سازمان را در رابطه با سایر شیوه های تبلیغی اشغال نموده است. خدا از تاسر اتری که روشن نبودن اهمیت سازماندهی تبلیغات کمونیستی در رابطه با وظیفه سازمان نگری و قرار دادن تبلیغ در سازماندهی بست سرخ در سال گذشته و با عاید شده است، در صدا جزئی از فعالیت کمیته ها و واحدها در اختیار تبلیغات بطور کلی قرار داده شود، یکی از دلایل عدم گسترش سازماندهی بست سرخ در سال عملی نشریه و اعلامیه های سازمان، قرار دادن اهمیت آن در برابر احتمال روز مسائل امنیتی برای دریافت کنندگان خاص نشریات و اعلامیه ها و در نظر گرفتن اشترات منفی احتمالی آن سرروی برخی از آنها و همچنین مردم عادی بوده است. در این رابطه باید تا کند نمود، همانطور که منطق سازماندهی بست سرخ سرروی این مسئله استوار شده، تنها راه مبارزه برای تامین امنیتی در این رابطه و فعلا لبت بطور کلی در شرایط اختناق و سرکوب پلیسی تلاش در جهت توده ای کردن مبارزه است. چرا که تنها وسیله برای بی اش کردن ابزار سرکوب پلیسی نیز شکست سر نیروی وسیع توده ها است. از اینرو در کنار تلاش برای سازماندهی هرحه و وسیع تر بست سرخ و با توجه به اهمیت سازماندهی تبلیغات وسیع در جهت ارتقاء هرحه بست سرخ مبارزات توده ای و انعکاس اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان، با استفاده از این شیوه نمی باید مشروط به موارد جزئی و احتمالی مسائل امنستی و اثرات منفی آن بود.

سازماندهی بست سرخ در جهت سازماندهی وسیع تبلیغات کمونیستی علاوه بر اهدافی که در این رابطه اشاره شد می باید سرروی و بره ای را که رژیم سفاک اسلامی سا هراس از منستی مبارزات رشد یافته کارگران و زحمتکشان میهنان برای جلوگیری از انعکاس این مبارزات در کنار گسترش فضای سرکوب و خفقان خود متمرکز نموده و بخش اعظم این سرور از سر جهت مناعت از تبلیغات انقلابی و رسیدن نشریات و اعلامیه ها بدست کارگران و زحمتکشان اختصاص داده است، حتی نماید. نشریات و اعلامیه های که از یکطرف با انعکاس مبارزات توده ای توطئه برقراری سکوت مرگبار رژیم را در هم می نکتند و از طرف دیگر تبلیغ و سروجه شعارها و برنامه های انقلابی و با ارائه رهنمودهایی در جهت سازماندهی و ارتقاء این مبارزات راه آنان را برای تعمیق و گسترش مبارزاتشان می گشاید.

علاوه بر آن سازماندهی تبلیغات و بخش وسیع نشریات و اعلامیه های انقلابی می باید کارگران و زحمتکشان را برای مقابله با تشدید تبلیغات خدا انقلابی دشمنان رنگارنگان از سلطنت طلبان گرفته تا لیبرالها آماده و تجهیز نماید، آنها با توجه به سزاکنندگی نیروهای کمونیست و انقلابی و با استفاده از نفرت وسیع

توده ای نسبت به رژیم اسلامی و امکاناتی که از جانب قدرتیهای امپریالیستی و ارتجاعی در اختیارشان قرار گرفته است، زمین را بر سر بپاشند و با ستیا و اهداف شوم خود بیهانه سسرا کشتادن مبارزات حق طلبانه توده ها مناسبتیصی داده اند. از اینجهت ضروری است که داده سازماندهی تبلیغات انقلابی و کمونیستی هرحه سشتر گسترش یا بدت از اینطریق بتواند توده های هرحه و وسیعتری از کارگران و زحمتکشان را سرستی خود قرار داده و مانع گسترش و نفوذ برنامه و سیاستهای ارتجاعی و خدا انقلابی رژیم اسلامی و تبلیغات خدا انقلابی نیروهای فرصت طلب شود. این امر با حضور سیاسی هرحه سشتر نیروها انقلابی و کمونیست در میان توده ها امکان پذیر خواهد بود.

راهمیت این مسئله با زهم افزوده می شود اگر سراسر این موضوع توجه شود که نفرت فرایند توده ای نسبت به رژیم اسلامی و حتی آگاه سروروت سرنگوسی آن هوز با آگاهی بر سرور و تحسرف قدرت سیاسی از جانب کارگران و زحمتکشان و آمادگی در اس جهت برای آنکه اوضاع برای مافع آنان دگرگون شود، حا بگرس نکشته است. روشن است که اگر این سروروت به آگاهی بخش هرحه و وسیعتری از کارگران و زحمتکشان تبدیل نشد سروروتی فطعی و سبانی آنان نیز در انقلابی که به کام بسوی آن به سس سروروتدیجگاه جنبه عملی و فطعی نخواهد یافت.

از آنجا که طبقه کارگران در اینجا رسالت تاریخی خود دورانی خود و تمامی زحمتکشان و ستمدیدگان از زنگت رژیم اسلامی و جنگ و کشتار و شک و نظام سر با بداری و مقابله با خطر قدرت یاب حکومتها بی نظرحکومت اسلامی، بحر کمونیستیس نماینده دگری ندارد تا مبارزه آنان را برای با دادن به تاریخ ظلم و ستم و استتسا رد می بینما هدایت کند، تمرکز کمونیستی سرروی این مسد سموان رهبران بیگبترین و عمیق ترین مبارزه علیه رژیم خویشوار اسلامی و نظام سیاه سرما به دار و تنها سرحدار مافع واقعی کارگران و زحمتکشان اهمیت فوق العاده ای یافته است.

از اینجهت مسخن سرر سشتر دیگ و وظیفه مهم سررم است که تمامی سنگینی آن بر دوش کمونیست و از جمله اعضاء و هواداران سازمان، یعنی نمایندگان واقعی سبگترین انقلاب برای آنکه طوفان خشم انقلابی توده ها در جهار جوب زندا دیگری از حاکمیت سرما به گرفتار نشود تپا ده شد است. با توجه به شرایط خاص کنونی سسرا کمونیستی لحظه ای وجود ندارد که بتواند در آن سازماندهی تبلیغات وسیع کمونیستی و رهسسر تبلیغی انقلاب برای تحقق مافع کارگران و زحمتکشان سازماندهی. برای پیشر در فاعلیسه تبلیغی وسیع و عمیق و مستتسا تنگ سازمان به می باید کلیه اعضاء و هواداران سازمان با تم قدرت سسج شوند.

با توجه به مسائل فوق همانطور که متذکر شدیم سازمان ما به تناسب سروروتی که در خدمت سازماندهی کارگران و زحمتکشان فرار داد و علیرغم ارائه خط و برنامه روشنی در جهت حضور و نفوذ سیاسی خود را در میان آنها به پیش برده است. سنا سراس علاوه بر همه

ندارد. باز هم پرسیدنی است: فرض کنیم فعالیت‌ها کارگرموقوف شده بود، شما چرا این رانقطه ضعف راه‌کارگر بحساب می‌آوردید؟ شما که معتقد بودید فعالیت راه‌کارگر در خط آمریکا و بخشی از توطئه‌های امپریالیسم است، باید توقف چنین فعالیت‌ها را تمجید کنید! وانگهی از توقف فعالیت راه‌کارگر در سال‌های بعد از ضربات ۶۰، چه افتخاری نصیب شما می‌شود که فعالیت خود را در حمایت از رژیم ولایت فقیه مدجندن کردید و ضربات بعد از سال ۶۰ را "قاطعیات انقلابی نیروهای مدافع انقلاب" ("کار" - شماره ۱۲۰ - ۷ مرداد ۱۳۶۵) نامیدید و خود بعنوان یکی از همان "نیروهای مدافع انقلاب"، به توجیه و تایید و تشویق آن ضربات برخاستید؟

نشریه "کار" ۳۳ سرانجام می‌نویسد: "راه‌کارگر در دوره جدید فعالیتش که از سال ۶۳ رسماً شروع شد اعلام نمود که در گذشته جدا از توده‌ها حرکت کرده است و راه‌کارگر نیز در واقع نه یک سازمان مارکسیستی، بلکه سازمانی انقلابی و دمکراتیک بوده است که به دور زدن سازماندهی هژمونی پرولتاریا خواسته است توده‌ها را سازمان دهد. معلوم نیست چنین جریانی که به قول خودش جدا از توده و نیروی دمکرات انقلابی بوده، چگونه در طی سه سال فعالیتش در پاریس به یکباره به تنها جریانی مارکسیست - لنینیست ایران تبدیل شده است."

کسانی که قرار است با خواندن این مطالب راه‌کارگر را یک سازمان دمکرات انقلابی دانسته، در مارکسیست - لنینیست بودن آن شک نکنند و از تکیه بر مواضع آن در نقد ریشه‌ای برنامه و خط مشی "اکثریت" در حمایت از رژیم ولایت فقیه صرف نظر کنند، از نویسندگان این مطالب خواهند پرسید: وقتی که راه‌کارگر دمکرات انقلابی بود، شما چه کاره بودید؟ شما فدا انقلابی و ضد دمکرات بودید، شما در سنگر فدا انقلاب فدا هفتی، برای سرکوب همین دمکرات‌های انقلابی کف می‌زدید و هورا می‌کشیدید. اگر راه‌کارگر بیست و دو سال زدن سازماندهی هژمونی پرولتاریا شده‌ها را سازمان می‌داد، شما توده‌ها را به پیروی از هژمونی خمینی قرا می‌خواندید، خیلی‌ها تا کنون از اتفاق از خود کمونیستی راه‌کارگر سوء استفاده کرده‌اند، اما شما با آن سابقه ننگینتان حتی حق سوء استفاده ندارید. شما که ابراز حیرت می‌کنید چگونه راه‌کارگر که سازماندهی هژمونی پرولتاریا را دور می‌زد و دمکرات انقلابی بوده، طی سه سال به یکباره به تنها جریانی مارکسیست - لنینیست ایران تبدیل شده، اول بگوئید حزب توده و "اکثریت" که تا دیروز هژمونی خمینی را سازمان می‌دادند و "پیروان راستین خط امام" بودند، بدون شستن دستان آلوده خود، به یکباره وطنی یک روز چگونه به "گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران" تبدیل شدند؟! وانگهی این شما شایده که با بدوشن کنید! مثال راه‌کارگر که شما درباره آن می‌گفتید: "روند تحول و تعمیق انقلاب ما این گروه‌ها را از حالت بیسینا بینی به سوی استقرار در مواضع فدا انقلابی رانده است." و پیش بینی می‌کردید که: "این گروه‌ها در روند های آتی با ازسین می‌روند و با سوی اتحاد عمل

تحلیل انقلاب ایران، با همت رژیم جمهوری اسلامی و خط مشی کمونیست‌ها در برابر آن؛ افشای ماهیت ارتجاعی مبارزه روحانیت حاکم - امپریالیسم و بخشی از بورژوازی؛ ضرورت گسترش دمکراسی و مبارزه ضد سرمایه‌داری برای مبارزه فدا میپریالیستی، و دهها زمینه دیگر، و بویژه مبارزه ایدئولوژیک پیگیرا راه‌کارگر علیه خط خیانت به انقلاب و دمکراسی و علیه "نشوری‌های ورشکسته و رسوائی‌چون" تغییر ماهیت خرده بورژوازی در دوره "معاصر"، راه‌رشد غیر سرمایه‌داری و "سمت‌گیری سوسیالیستی با رهبری خرده بورژوازی" که شما با



انکاء به آنها راه‌رشد ولایت فقیه را هموار می - کردید و "سراتیک انقلابی توده‌ها را" به "رهبری اما خمینی" ببیند می‌دید، بموقع‌ترین، ضروری‌ترین و انقلابی‌ترین "سراتیک" ممکن بود، بقول لنین، "بعضی وقت‌ها حرف زدن، خودبزرگترین عمل است. وانگهی، آنچه امروز شما راه محاصره بحران انداخته و ناگزیر ساخته است راه‌کارگر را بخاطر کارگرموقوف شما نت کنبودن و نفی خود را از کارگرموقوف راه‌کارگر آشکارا زید، همانا ثابت شدن صحت نشوری‌های مارکسیست - لنینیستی راه‌کارگر در تجربه، و صحت داری‌های آن درباره سرنشوست گریزنا پذیر و فاجعه‌ها نشوری‌های "چنانی" شماست. سترات است شما حای بی بیجا کردن سراتیک و مذمت کارگرموقوف راه‌کارگر، به حاسرسی و سازخواست ما از سراتیک و نشوری‌های خودتان که محصولش را در دم باسخدهید! سدا ز قما چه‌ها کردید؛ سدان کرده‌ها ستان را ارائه‌دهد! نشوری‌ها بتان راهم که پشتوانه براتیکتان بود بیا و برید وسط! "کار" ۱۰۰ داد می‌دهد: "سدا ضربات سال ۶۰، فعالیت راه‌کارگر کلامتوقف شد." نه تنها کسانی که خود در زیر ضربات سال ۶۰ قرار داشته‌اند می‌فهمند، بلکه حتی خود کسانی هم که در پناه رژیم ولایت فقیه برای این ضربات کف می‌زدند می‌توانند درک کنند که توفیق راه‌کارگر در حفظ تشکیلات در مقابل آن ضربات مرکبار؛ تا مبن است حکام امنیتی سازمان؛ بازمینی خط‌ها و انتقاد ریشه‌ای از سقای گرایشات بویولستی، مبارزه با انفعال طلسمی و طردباران نیمه راه، دفاع از خلوص ایدئولوژیک سازمان و تصفیقه عوامل نفوذی حزب توده و "اکثریت" از صوف سازمان، و بویژه توفیق بی نظیر در استقرار نیروهای تشکیلاتی در محیط کار روزندگی کارگران و زحمتکشان - آنچه در زیر ضربات سی وقفه‌ساز دشمن - محتاج جهان‌ها به کاری مصمانه، چه فعالیت سی وقفه و خستگی‌ناپذیر، وجه تلاش پیگیروسی با کانه وفداکارانه‌ای بوده است و با "توقف فعالیت سدا ضربات سال ۶۰" خوانائی

"اکثریت" نیز همچون حزب توده از زمانی که علیرغم وفاداری تا به آخر به "خط امام" ژرهری اما خمینی "به ضرب تنبای رژیم زجرگه حای میان ولایت فقیه به سیرون برتسا ب تده، با دو معضل لاینحل دست نه گریبان بوده است: یکی بحران ریشه‌دار درونی، و دیگری عدم پذیرش از جانب بورژسین انقلابی و دمکراتیک، رهبری "اکثریت" در راستای تفلاسرائی حل ایس و معضل، سیاست دوگانه‌ای را نیز در قبال سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) اتخاذ کرده است. از یک سو تلاش برای سدا و کردن نفوذ یثنو لوژیک و اعتبار سیاسی راه‌کارگر در رابطه با بحران درونی؛ و از سوی دیگر تلاش برای قرار گرفتن با راه‌کارگر در زیر یک سقف، در رابطه با نزوای سیاسی.

در رابطه با سیاست اول، می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد: نشریه "کار" شماره ۳۲ - آبان ۶۵، ارگان مرکزی "اکثریت" می‌نویسد: "راه‌کارگر در سال‌های بعد از قیام در محسنه سیاسی ایران و افت و خیزهای آن حضور فعال داشت و بدون تلاش برای پیوند با سراتیک انقلابی توده‌ها، به کارگرموقوف مشغول بود."

کسانی که قرار است با خواندن این مطلب سنت به اعتبار سیاسی راه‌کارگر به تردید دست نزنند، به رهبران خودخواهند گفت: شما آن زمان راه‌کارگر را فقط بخاطر مشغله نشوریگش "فدا انقلابی" و "آمریکائی" می‌نامیدید و سرکوب مثال راه‌کارگر را برای "خنثی شدن توطئه‌های میپریالیستی" ضروری می‌شمردید، با بخاطر آنکه راه‌کارگر در محسنه سیاسی ایران حضور فعال داشت و برای پیوند با سراتیک انقلابی توده‌ها، فراندوم جمهوری اسلامی را تحریم کرد؛ قاسون ساسی را تحریم کرد؛ در انتخابات دوره اول مجلس دوره اول ریاست جمهوری سمنظور افشای ماهیت دمکراتیک رژیم به نحوی چشمگرمترکت کرد؛ در نگرهای مقاومت مسلحانه خلق کرد از حق تعیین رنوشت خلقها و از خود مختاری خلق کرده فدا ع کرد؛ دفاع از سکا را، در شورا‌های کارگری بویژه در راه‌های کنترل فعالیتی چشمگیر کرد؛ در سازماندهی مقاومت دمکراتیک زنان، دانشجویان، استی آموزان و معلمس، گسترده ترین فعالیت داشت؛ در سرکوب حوسن داسگاه‌ها نا آخرسن قس یا ساری کرد؛ و سفا طرهمس فعالیت‌های ملی و ساسی انقلابی بود که ترور، دستگیری سکنه راه‌کارگری‌ها ار همان نخستین سال‌های سدا ز قما آغاز شد و سی وقع تا به امروز ادامه امب. آنان به رهبران خودخواهند گفت: فرض ستم راه کارگر سدا ز قما بحای پیوند با سراتیک انقلابی توده‌ها، فقط مشغول کارگرموقوف‌های افروآ ماده‌ای را که حزب توده برایتان ترجمه بگردید، سراتیک انقلابی توده‌ها "ه کردید؟ (ابن همان سئوالی است که محسور حران "اکثریت" را تشکیل می‌دهد و رهبران زبا سخوئی سدان فرار می‌کنند). آنان همچنین رهبران خودخواهند گفت: حتی اگر راه‌کارگر قط نه کارگرموقوف مشغول بوده‌اند، "سراتیک" ساهما سرتنه نخواهد شد. کارگرموقوف راه‌کارگر رزمینه‌های نشوری مارکسیستی دولت و طبقات،

همه خانه با نیروهای طسقات ارتجاعی و پاندهای سرسپرده امیرالایم، به سوی اجرای تپیکاری‌هایی که راه پیشرفت نقشه‌های جدید ترا میربا لیم را هموار می کند، به سوی تبدیل شدن به بلندگوهای سی حیره مواحب و نا جیره مواحب امیربا لیم سوق می یابد. ("کار" ۱۲۵-۷ مرداد ۶۰) چگونه ناگهان در سلنوم و سوسه بیکاره " بیروان سوسالیم علمی" و "سایر زمانهای مارکسیست - لنینیست ایران" لقب گرفتند؟!

تبدیل شدن دمکرات انقلابی به مارکسیست - لنینیست طی سه سال، حیرت انگیز تر است تا تبدیل شدن فدا نقلایی جیره خوار امیربا لیم به بیروسوسالیم علمی و زمان مارکسیست - لنینیست، آنهم طی یک روز؟! اما طرف دیگر این سیاست، تلاش برای نزدیکی به همین راه کارگرچنین و چنانی است، تا مگر "اکثریت" مشروعیتی یا بدو از انزوای سیاسی خلاص گردد.

از وقتی که حزب خود هو "اکثریت" از "سازره در راه شکوفائی جمهوری اسلامی"، توسط رژیم حاکم منع و محروم گشته اند و روی آوری به مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی بر آنان تحمیل شده است، حالت رازنا خارا نده و از اینجا مانده را داشته اند، زیرا ابوزیسیون رژیم از پذیرش آنان به صوف خود و از اتحاد عمل و همکاری با آنها امتناع کرده است. هر یک از احزاب و سازمانهای این ابوزیسیون، برای امتناع خود دلایلی داشته اند که الزاماً در همه موارد مشترک نبوده است. فدیت با شوروی، انگیزه بعضی از آنهاست. برخی نیز بر این نظرند که چون اینان بکدور با رژیم فدا نقلایی همکاری کرده اند، پس تا ابد با آنها بی اتحاد انقلابی تلقی کرد. برخی دیگر اینان را ما هیتاً فدا نقلایی می دانند و بعضی نیز احتمالاً آنان را رفرمیست می دانند و لی ائتلاف و اتحاد عمل با رفرمیست ها را اصولاً غیر مجاز می شمارند و بنا به نظرات دیگری هم وجود داشته باشد. نظراً زمان ما این سوده و هست که اینان به لحاظ برنا مسه و استراتژی خود، احزاب رفرمیست اند که در نتیجه خط متی ابورتونبستی و سازشکارانه خود به حمایت، همکاری و همدستی با رژیم فدا نقلایی ولایت فقیه کشیده شدند و در سنگر فدا نقلی قرار گرفتند. اگر فدا نقلی شدن آنان به سبب حمایت همکاری و همدستی آنان با فدا نقلی حاکم بود، اینک که به هر دلیل از سنگر فدا نقلی حاکم بیرون رفته و خواهان سرکوسی رژیم جمهوری اسلامی شده اند، دیگر کسی برای فدا نقلایی دانستن آنان وجود ندارد و آنان را با دیگرانی برنا مه ای که دارند، حرمانی رفرمیست ارزیابی کرد. ائتلاف، اتحاد عمل و همکاری های موردی با رفرمیست ها سر برای کمونیست ها به لحاظ اصولی غیر مجاز نیست و به ارزیابی صحیح نیاز دارد. در ارزیابی صحیح، ما ائتلافی و اتحاد عمل و همکاری با رفرمیست ها را که در گذشته حامی و همدست رژیم ضد دمکراتیک و فدا نقلی ولایت فقیه بوده اند، مشروط کرده ام به اینکه صرفاً اعتراف کنند که رژیم جمهوری اسلامی و همه جناحهای آن، خط امام و تخریبی

خمنی از سخنین روز حکومت، خدا نقلایی و ارتجاعی بوده اند، با توسل به اینکه گویا رژیم یا جناحی از آن نامدتی مردمی و مترقی بوده و حجاب تا آن کاردرستی بوده است ولی بعدها دچار "استحاله" شده است، خسانت های فاجعه ما را خود را توجیه و گذشته خود را نظیر نکشند، به استناد جدی از خود سردار رند و در بیستگاه مردم از خسانت های خود سدا مت و ترساری نشان دهند. چون حزب خود و "اکثریت" چنین شرطی را اجابت نمی کنند، ما نیز از قرا رگرفتن با آنان در زیر پرک سف خودداری می کنیم. "اکثریت" داد و قال می کند که شما "سکتاریست" هستید، این داد و قال نه برای آن است که ما واقعاً سکتاریست هستیم، بلکه فقط مسین انزوای "اکثریت" است. "اکثریت" ضرورت اتحاد عمل در برابر رژیم را به ما یاد آور می شود و چنین وانمود می کند که گویا قصد ما در این است که "اکثریت" همانند از سازره آنها با رژیم جمهوری اسلامی است! اینها عوام فریبی است و ما را با این شگردها نمی توان خلع سلاح کرد. ما معتقدیم همکاری و ائتلاف با کسانی که هنوز که هنوز است خسانت خود را به دمکراسی و انقلاب انکار می کنند و حتی از آن بعنوان افتخارات خود بسا د می کنند، همکاری و اتحاد عمل با کسانی که از همدستی با ولایت فقیه در سرکوب دمکراسی و انقلاب بشیمان و سرافکنده هستند و هیچ نسانه ای ارتوبه در خبانیت به دمکراسی و انقلاب از خود نشان نمی دهند، تنها اردوی دمکراسی و انقلاب را تضعیف خواهد کرد، و اگر سر روی خیانت بیگی آب نظیر تریز و دیو به خائنان مشروعیت نبخشد، دست کم به اعتماد و اعتبار ابوزیسیون دمکراتیک و انقلابی و سوزده به خسانت انقلابی کمونیست ها در بر دهنه کارگرونده های مردم لطمه خواهد زد. "اکثریت" که همچون حزب بنوده، مطرود مانده و در انزوای افتشاده است، در بیگانه و فغان از "کنار سوسالیم" سار "اتحاد" سرمی دهد و می گوید: "اتحاد صرفاً سحاطر جمع کردن نیروی سرحو لیک کار با سدمکراتیک نیست. شعار اتحاد سحاطر سحاطر فعالیت دمکراتیک است." ("اکثریت" سوسالیم) خا رچا رگسور - ۱۲ آبان ۶۵) بیسی چه؟ یعنی اسک که تعهد به دمکراسی اصل نیست، اتحاد اصل است! با من منحدوسه و از من نخواهد از خیانت خود به دمکراسی ندامت و انقاد دکنم! "اکثریت" در همانجا ادامه می دهد: "سروش که به هر دلیل شعار اتحاد را از سازره خود سزا د، سنی از آن لازم است اصول دمکری را زیر پا بگذارد، از آن جمله است اصل ضرورت گسترش سازره دمکراتیک". همدستان "ضرات بعد از سالیهای ۶۰" و گاشخان امروزی "اصل ضرورت گسترش سازره دمکراتیک" در سرتضاح رسی سفندانه و بزرگواران خود، به کسانی که سالیات سلاب حوتشان در سلائ برای گسترش سازره دمکراتیک جاری است موعظه می کنند که برای آنکه "شاخ" اتحاد با "اکثریت" زیر پا گذاشته نشود، "هر دلسلی" را در رد اتحاد با مثال "اکثریت" از سازره خود سزا داید، چرا که "اکثریت" در انزوای "اتحاد" نا آن، "شاخ اساسی فعالیت دمکراتیک است!" اصولاً مارکسیست - لنینیست ها در این است که برای اتحاد با امتناع از اتحاد با هر سروشی،

دلسلی دارند. آنها طرفدار اتحادند، اما اتحاد را مطلقاً نمی کنند. اتحاد برای آنها امری است مشروط. مارکسیست - لنینیست ها هرگز نمی گویند خودداری از اتحاد با فلان طبقه با فدا حزب "به هر دلیل" که با شدن دست و زبر پگذاری شدن اصول است. این تفکر، همانا متعلق به حزب بنوده و "اکثریت" است و با همین تفکر هم که به اتحادی ضد مشروط با رژیم جمهوری اسلام پرداختند، "اصل ضرورت گسترش سازره فدا میرب لستی" را زیر پا گذاشته باشند! ما چون اصل ضرورت گسترش سازره دمکراتیک معتقد برای اتحاد عمل با دیگران در این زمینه شرط فائلیم و آن نابیندی به دمکراسی است؛ و اعلا کرده ام که همان دبروزی رژیم ولایت فقیه توحه کنندگان سرکوب دمکراسی در کشور، ماد که حاضرنا شدن از خیانت خود به دمکراسی ابرا ندامت و بیسمانی کنند حاضر نیستیم با آنان؛ یک سقف قرار بگیریم.

"اکثریتی" ها و توده ای ها در خا رچا زکش مدت ها گوشیدند جل و سالی خود را ما کنی کسی نیروهای ابوزیسیون رژیم سرتضاح خود را عود می کنند و در کنار هم به فعالیت می پردازند و بیبند، ولی با مخالفت همگانی مواجه شدند؛ تصد گرفتند به زور و با ایجا در گیری فیزیکی خود راه چنن جمعی تحصیل کنند. طرفداران جریا توکل، سبانه و فرصتی برای هنرناشی (یا حماناشی) بافتند و به در گیری بدنی با آنها پرداختند. سازمان ما افراد خود را از اقدام ابیکوه و اکس ها و بسفقدمی در زد و خورد مند کرد. رهبران "اکثریت" تصور کردند که خود داری ما از بسفقدمی در در گیری فزیک و همراهی نکردن سحاطر داران، راهی جز پذیر، حضور "اکثریتی" ها در کنار خود سراسان با سماننده و اگر آنها به زور و اراد ما کن مذکور شوند ما که مخالف در گیری هستیم، ناگزیر حضور آنها را تحمل خواهیم کرد و بدین منظور هر چه سست سب اعتقادی خود را به دمکراسی عربان کرده سب توحه به مخالفت همگانی عموم نیروها که در این اما کن ساط تسلیمی دارند، دشو زور و تحمیل متوسل شدننا سبدر اکارگر سبدره سزاد در گیری، ناگزیر از پذیرش آنان گرد ولی ما که واقعا مقصد به دمکراسی سوسم، بهر جماق کسی رای دادیم، به اسرط خود در ساسا سروه ای حائن به دمکراسی گویا آدم سوسرا آنکه مطمئمان ساسم که توسل آنها سوزو وساحا در گیری سرتکی، ما را واداره سحکوب سحد سبطری نخواهد کرد، در سبزه راه کارگر شماره ۳۵ (نپرسور ۶۵) سوسیم: "اتحاد که به ما در سبدمکراسی می دهد، آسان را بد حروف و دمکراتیک ما به رسمت می ساسدک ساسا آسروا سبها سرتیک سف ساسم؛ و آن سحاصل عوام سراسه خود را سب سادامن ردن در گیری های سرتکی حروف اصول دمکراسی می دانند؟ آسان، سبآر ابد علیه خمن سفعالست و سلیغ کنند، ولی ما سب سزاد سب ساسما در یک صف قرار بگیریم."

وقتی رهبران "اکثریت" دیدند محاسباتشان غلط از آب در آمده و حتی اگر ناکنی باقیه د، صفحه ۱۷

پاسخ به نامه ها

در باره موضوع گیری مادر سال بلوم همسنه مرکزی سازمان فدا نشان خلق در شماره ۳۱ سر به سوالی شده و اظهار نظرهای صورت گرفته که در رساله نکات اصلی آنها پاسخ می دهیم :

الف

عده ای مطرح کرده اند که زمانهای طبف نوده ای و ار حمله کتگر بها ، روهائی هسندا ماهت صدا انقلابی کتگر بها و همکاری نا آنها بهج و حو نحت بهج انطبی در سبب .

پاسخ - سازمان ما احسن نظری مخالف است . هر چند زمانهای طبف نوده ای از او احترام و احترامات را به همکاران حیانتکارانه خود بازیم . بیت فضا موفقی صدا انقلابی اتحاد کرده اند ، لیکن هیتا سبروهای صدا انقلابی ننسند . در ارز ساسی حزب و حریان ساسی ، ماهبت طبقاتی آن معیار ملی کمونیستهاست . سازمانهای طبف نوده ای حط و برنامه سوسال ررمستی شان اناسا براب و حریانهای خرده سوزوئی هسند که در کار پرولتاریا و سوزوئی موانعی سناسسی نذ می کسند و در مبارزه علیه استبداد ساسی برای دموکراسی غالباً موانع نایبگرومترئیزی رید . همسن نایبگیری و ترئیزل سود که در دوره انقلاب این سازمانها را در مقابل مانو و رهسای اپارتیستی "فدا میرالبستی" و شه سوسالستی بم جمهوری اسلامی سزا خود را آورد و آنها را به کاری بازیم کساند ، سازمان ماسی آنکه کاری حیانتکارانه این سازمانها را بازیم بیت فقیه هرگز فراموش کند ؛ وی آنکه احتمال ضغ کسریهای مشابه را از طرف آنها در آنسده ه حقی و نامک نداد ، معتقد است که در مبارزه به استبداد ساسی (و در حال حاضر علیه رژیم ست فقه) و علیه امپریالیسم و همسن سازمانها برای سازماندهی مبارزات جاری رگران ، می توان با اس سازمانها به اتحاد لها و اختلافهای مشروط اقدام کرد . و در عین ل سازمان ما مبارزه علیه ادعاهای دروغ عین سبالیستی آنها را که طبقه کارگر را از دست ساسی باهای انقلابی باز می دارد و همسن مبارزه نایبگیری و ترئیزل آنها را در مبارزه دموکراتیک معه داشمی و ثبات خود می داند ، اما در هر حال زمان ما آنها را ماهیا سبروهای صدا انقلابی بی داند . نردندی بسا که موضع کسریهای سس احزاسی ممکن است گاهی حملت کا ملا صدا انقلابی نذ کند ، هها سطور که در دوره ناده شده موضع گیری زمانهای طبف نوده ای حسن حملی داسب ، بر آنها به سجدان تمام عبار صدا انقلابی سبب شده بود ، لیکن احزاب و حریانهای ساسی صرمانی توان با موضع گیریهای معطسی آنها ردار ساسی فرار داد .

ب

عده ای من اینک قبول دارند اس زمانها ما هت صدا انقلابی بسند ، اما می گویند توجه به حاسنی که آنها در همکاری با جمهوری لاسی داشته اند و دستشان بخون شهزای حاسنی ونستی و شهزای راه آزادی آلوده است ، فانا انتقاد نمی توان حاسن آنها را ناده ه بب و ما آنها به اختلاف و همکاری بر پرداخت ، از اس

متئیزل بلوکی با سوزوئی فدا میرالبستی حاسنی می نگریم و سها طردست یا فتن به وحدت عمل ممکن در اقدام منتقم توده ها و افشای سادرتی ساسی تمام مواضع انترناسیونالیهای دو ، و دوویسم است که ما اس نشت موافق می کسم ، درست هها نگونه کد ایبها (معنی انترناسیونالیهای دو ، و دوویسم) سها طردست یا فتن به وحدت عمل در اقدام منتقم توده ها و برای افشای سادرتی ساسی مواضع ماس که موافقت کرده اند که در اس سبب ما حاضر شویم " (لسن ، ج ۴۲ ، ص ۳۹۴) . ما توجه به آنکه گفته شد ، ماسن آنکه اتحاد عمل و اختلاف با سازمانهای طبف نوده ای را در مبارزه برای دموکراسی و تقویت سازماندهی مبارزات جاری کارگران به لحاظ اصولی سادرتی می داسم ، اما در سراط محص ، برای تضعیف هر چه سشنر حط اسورنویسی حاکم بر اس سازمانها و سوسب مواضع حریانها و عوامی که در درون اس سازمانها علیه حط حاکم مبارزه می کسند . هر عو اختلاف و اتحاد عمل با اس سازمانها را به اسفا در صرح و علسی آنها ارحط منی حاسنکارانه شان در همکاری گذشته بازیم ولایت معبه موط می داسم ، ما فکر می کسم که با اختلاف مصوعی اس سازمانها نتوان حط اپورنویسنی حاکم بر آنها را از اسن سرد . تبها راه اصولی و مؤثر برای تضعیف اس حط اسورنویسی ، مبارزه ایدئولوژیک مداوم با اسب ، ضویه های غیر اصولی و غیر دموکراتیک در مبارزه با اپورنویسم به تبها آرا تضعیف می کند بلکه موجب حاسن حسی آرمی گردد ، کسانکه می خواهد این سازمانها را منحل کند ، ما به احصا عسی آنها را فراموش می کسند و گمان می کسند که با اختلاف آنها حط و سربا مه آنها سربا را نخواهد رید . در حالیکه حط و سربا به اس که سازمان را سوجود می آورد و به سرعت عکی ، و حط و سربا به راهم فقط در عرصه حک اندئولوژیک می توان در هم بکس . گسشر حط همسن حزب توده در اس مورد ، سوسه سسار آموزنده ای است ، وقتی رهبران این حزب در روهای انقلاب اسرا نازگسند ، واقعا سازمان در حورتوجهی نداشتند ، اما ما با تبلیغ و ترویج حط و سربا مه سان توانستیم سزرگسری سازمان جداببران را سزا خود را در سوس خود ملحق سارند ، و از همه ایبها گذشته ، با اختلاف اس سازمانها در دست ما سست و تا زمانیکه اعما ، و هواداران آنها به حط و سربا مه این سازمانها اعتقاد دارند ، حق دارد حرت و سازمان خود را نگهدارد و محروم کردن آنها از آزادی عشده و سان و سنگل شان اقدامی است ضد دموکراتیک . و سنا زمانی هم که این سازمانها وجود دارند ما سبب سربسای ماهبت طبقاتی شان و حاسن هسان در سیکارهای طبقاتی ، آنها را مورد ارزیابی فراردهم و رابطه مان را با آنها تنظیم کسم .

ج

عده ای ارزیابی ما را از بلوم هتسم فدا نشان خلق خوشبانه ، و تصمیم ما را در باره لغو نایبکوت ساسی اس سازمان زودرس و سنا سزده می داسد و معتقدند که بلوم ار همکاری حیانتکارانه این سازمان بازیم ولایت فقه ، هها کوه استعدادی کرده است .

مان باره ای معتقدند که تنها راه موجود برای اس سازمانها انحلال آنهاست و باره ای دیگر معتقدند که ما اسها سنا سطرطی می توان اختلاف کرد که رهبری خود را طرد کند یا آن اشعاب کند . پاسخ - ما معتقدیم که کمونیستها می توانسد راه سطرطی خودشان را با احزاب و حریانهای ساسی برپا به ای اخلاقی تنظیم کنند ، اس سطرطی هها سطور که در لاکفته شد ما بسا توجه به ماهبت طبقاتی احزاب و حریانهای ساسی و رابطه طبقات با همدیگر تنظیم گردد ، ضرورت اختلافها و اتحاد عملها مان احزاب و حریانهای ساسی مختلف ، از ضرورت مبارزه در مقابل دشمن مشترک و برای مافع مشترک سرمی حزد ، کمونیستها در اختلافها و اتحاد عملهای موقت و مشروط با احزاب رفرمست و سایر پرولتری قبل از هر چیز از اینها حرکت می کسند که آیا اس اختلاف در مقابل دشمن مشترک و برای سشر در مبارزه پرولتاریسای انقلابی ضروری و معیده هست یا نه . نردندی نیست که این ارزیابی می توان در سربسای ملاحظات اخلاقی و حاسنی صورت بگیرد ، بلکه همه ملاحظات ساسی تابع مافع انقلابی طبقه کارگر باشند . در تارح حسن کمونیسی با رها اتفاق افتاده است که کمونیستها برای سسر در مبارزه انقلابی پرولتاریا با احزاب و حریانهای رفرمست و سایر پرولتری که ملامواضع حاسنکارانه ای هسند دانسته اند ، اختلاف کرده اند . مثلا سربا سوسال کمونیست آرا سها که برای دست فتن به سسکارگی یا رگی سوده های کارگران در مقابل سوزوئی ، اختلافی را با سوسال دموکراتهای مرند و حاش ضروری می دند ، علی رغم مواضع حاسنکارانه اس احزاب در حک امپریالیستی و علی رغم شرکت آنها در قتل کمونیستها و سرکوب انقلاب کارگری ، حاضر بود که در نتکشل حسه منسند کارگری با آنها همکاری کند . بعلاوه کمونیستها با اختلاف و اتحاد عمل با احزاب رفرمست ، نه حاسنهای گذشته آنها را از مادمی سسر دوه حط حیانتکارانه اس احزاب را ناده می کسند . بر ا اگر مافع پرولتاریا گاهی اختلاف با اس احزاب را ایجاب می کند ، توجه هها مافع همسن احزاب می کند که ماهبت اسورنویسنی اس احزاب داشما افتاد گردد . سسبب دلیل است که مثلا در آستانه مذاکرات برای اتحاد حسه و احکا رگری میان انترناسیونال کمونیست و انترناسیونال های دو ، و دوویسم ، لس در رهمودی به سوا سربس و سربس ، من آنکه توصیه می کند سطرطی مافع حسه و احد فقط ساشلی در مذاکرات گسنا سده شوند که مستقیما به اقدام مشترک عملی از طرف توده های کارگر ارتباط دارند ، اما در عین حال با آوری می کسند که : " ما با سدر مستی سسبب آوریم و سطور رسمی اعلام کسم که انترناسیونالها دو ، و دوویسم را فقط همون شرکتای نایبگرو

پاسخ - برخلاف تصور این عده، آریزیا بسی ما از یلنوم هفتم سازمان فدائیان خلق و همچنین از جهت گیری عمومی این سازمان بهیچ وجه خوشبینانه نیست. ما معتقدیم که این سازمان، بعلمت ریسه داری اپورتونیستی در آن و بعلمت بینش پراگماتیستی حاکم بر رهبری آن، بشیوه ای دیگر انحرافات خود را تجدید سازمان می دهد. اینها که با هم پراگماتیستی خود در یافتن آندکده با زارد موکراسی طلبی اکنون در صحنه سیاست ایران رونقی دارد و حتی مرتجعین سلطنت طلب هم ناگزیر شده اند خود را طرفدار پروپا قرصی دموکراسی جا بزنند، این با تصمیم گرفته اند رفرمیس و اپورتونیسم خود را زیر پوشش دموکراسی با زری پیش ببرند. و بهمین دلیل هم هست که تحت عنوان مبارزه با خط مشی انحرافی حزب تسوده، مدام از زمین پرستی و منافع ملی کارگسران ایران دم می زنند و بشیوه ای دیگری کوشند در قفل بلوک پرولتری، بلوک ملی را تبلیغ کنند، بنظر ما پلاتفرم سیاسی بی که یلنوم هفتم تبلیغ می کند عملاً پلاتفرم "ملتی - دموکراتیک" حزب تسوده تفاوت جدی ندارد. و همچنین با اعتقاد ما انتقاد از خود یلنوم درباره همکاری گذشته با رژیم جمهوری اسلامی کاملاً فرصت طلبانه و مصلحت جویانه است. اما با وجود همه اینها، اعتراف یلنوم با این حقیقت که رژیم جمهوری اسلامی از همان فردای انقلاب رژیمی ضد انقلابی بسوده است، از نظر ما کاملاً بی به جلوت. آنها با اعتراف با این حقیقت ترسابقشان را درباره "استحاله" رژیم کنا رگذاشته اند و با این ترتیب زمینیه اساسی یک انتقاد از خود صریح از گذشته شان را فراهم آورده اند. زیرا اگر رژیم ولایت فقیه از فردای انقلاب حکومتی ضد انقلابی بوده است؛ و اگر اینها با این رژیم ضد انقلابی همکاری کرده اند و از آن حمایت نموده اند؛ هیچ تردیدی نمی مانده که اینها در این همکاری موضعی ضد انقلابی اتخاذ کرده اند. و همچنین یلنوم با طرد دواصل از مبانی تفکری یولیسم ضد امیرالیستی که در انحراف سراسر سازمانهای پوپولیست مانع تعیین کننده ای داشته اند کاملاً مثبتی برداشته است. تردیدی نیست که این حرکات زیر فشار و در نتیجه تلاش عناصر صادق درون این سازمان صورت گرفته است. عناصری که می کوشند از خط ویرنا مه اپورتونیستی و رفرمیستی فاصله بگیرند. ما معتقدیم که با موضع گیری ما در قبال تصمیمات یلنوم هفتم این سازمان، موضع این عناصر صادق را در مبارزه با اپورتونیسم تقویت کرده ایم و به به عناصر صادق طیف تسوده ای که برای گسست از رفرمیس و اپورتونیسم تلاش می کنند، نشان داده ایم که ما از تلاشهای آنها حمایت می کنیم، که آنها می توانند و باید تلاشهایشان را با قاطعیت و پیگیری بیشتر در دنبال کنند. همچنین ما با این موضع گیری به به نیروهای فریب خورده و نا آگاه طیف تسوده ای نشان داده ایم، که برخلاف تبلیغات دروغی و مسموم رهبری اپورتونیست این سازمانها، مبارزه با یولیسم ما با خط ویرنا مه این سازمانها، از حساسی، دکانداری و منافع حقیر گروهی نشأت نمی گیرد، بلکه در راستای منافع

جنبش انقلابی طبقه کارگر و جنبش دموکراتیک و انقلابی صورت می گیرد. با این دلیل معتقدیم که موضع گیری ما در قبال تصمیمات یلنوم هفتم فدائیان خلق نه تنها اصولی است بلکه بموقع و سنجیده هم هست.



عده ای سوال کرده اند که آیا موضع گیری اخیر ما موجب تقویت اپورتونیسم حاکم بر سازمان فدائیان خلق و از آن طریق، تقویت خط ویرنا مه اپورتونیستی طیف تسوده ای نخواهد شد؟

پاسخ - ما موضع اخیر ما را بعنوان گامی اصولی و موثر در مبارزه با اپورتونیسم حاکم بر طیف تسوده ای و سازمان فدائیان خلق اتخاذ کرده ایم. ما از این طریق نه تنها قصد پایان دادن به مبارزه با یولیسم و علنی و اصولی با خط ویرنا مه این سازمان و سایر سازمانهای طیف تسوده ای را نداریم، بلکه مصمم تر از قبل می خواهیم اپورتونیسم آنها را زیر انتقاد قرار دهیم. الفای بایکوت سیاسی سازمان فدائیان خلق و اولاً معنای الفای بایکوت سیاسی اکثریت و حزب تسوده از طرف ما نیست، زیرا آنها هنوز هم از همکاری گذشته شان با رژیم جمهوری اسلامی مدام می کسند و برای توجیه همکاری حیانتکارانه شان، عملکردهای این رژیم را تا سال ۶۲ تطهیر می کنند. تا این کار معنای کنا را مدن ما با اپورتونیسم حاکم بر این سازمان نیست. ما نه برای ائتلاف با سازمان فدائیان خلق و نه در ائتلاف با هیچ سازمان دیگر، هرگز بای روی مواضع یولیسم نخواهیم گذاشت. ما تحت هیچ شرایطی بخاطر ائتلاف و اتحاد اصول فروشی نخواهیم کرد. و طبعاً با سازمان یاد شده نیز در صورتی می توانیم در حوزه ها یی به اتحاد عمل و ائتلاف دست بزنیم که آنها دست کم در آن حوزه، مواضع اصولی را قبول داشته باشند. ما پلاتفرم اتحاد عمل و ائتلافهای خودمان در زمینه مبارزه برای دموکراسی و سازماندهی جبهه واحد کارگری را در همین شماره ۳۵ منتشر می کنیم. سازمان در راستای جنبش پلاتفرمی و با رعایت رئوس اساسی این پلاتفرم هست که حاضر به اتحاد عمل و ائتلاف با دیگران است. بنابراین از طریق اتحاد عمل، امکان تقویت اپورتونیسم از طرف ما وجود ندارد. بعلاوه همانطور که گفته شد اگر موضع گیری اخیر ما نتواند مواضع عناصر صادق را در درون این سازمان تقویت نماید، آیا ما گامی جدی در تضعیف اپورتونیسم این سازمان - و نه تقویت آن - برداشته ایم؟ بازه ای گمان می کنند ما با این تصمیم به اینها کمک کرده ایم که گذشته شان را بپوشانند. این تصورنا درستی است. اعمال خیانتکارانه گذشته، نه فراموش شدنی است، نه ما می توانیم و می خواهیم به فراموش شدن آنها کمک کنیم، و نه فراموش شدن آنها به نفع جنبش انقلابی طبقه کارگر است. ما در مبارزات آینده ما با خط مشی اپورتونیستی طیف تسوده ای و همچنین خط مشی اپورتونیستی سازمان فدائیان خلق دائماً گذشته را به میمان خواهیم کشید و از آن در جهت تضعیف اپورتونیسم استفاده خواهیم کرد، اما در عین حال تحت هیچ شرایطی برای راندن افراد و جریانها به انفعال

غیر سیاسی و بستن راه اصلاح انحرافات بروی و یا متلاشی کردن سازمانها و منافع حقیر گروه از گذشته چماقی نخواهیم ساخت. ما با خط مشی سیاسی و نظام مگری اپورتونیستی دشمنی داریم و علیه آن مبارزه می کنیم. به علیه سازمانها، افراد، بنابراین اگر سازمان فدائیان خلق و هر سازمان و جریان دیگری همین امروز مواضع انقلابی کمونیستی اتخاذ نکند و انحرافات اپورتونیستی خود را طرد نکند، ما بدون هیچ گونه بهانه گیری و با صراحت انقلابی با آغوش باز از استقبال خواهیم کرد. زیرا اصولاً ما برای همه هست که مبارزه می کنیم. سازمانی که انحرافات خود را طرد نکند، اپورتونیسم را در درون خود کشته است و دلیلی ندارد بخاطر چیزی که به آن اعتقاد ندارد، چیزی که دیگر به او تعلق ندارد، فشار قرار بکشد.



عده ای سوال کرده اند که آیا ما تصمیم اخیر ما را به روانشناسی جنبش روانشناسی تسوده ها که سازمانهای طیف تسوده ای خائن می دانند و همکاری گذشته اینها را با رژیم جمهوری اسلامی فراموش نکرده اند، بی اعتنا نکرده ایم و آیا از این طریق ائتلاف و همراهی عملی ما را با سازمانها و جریانهای چپ انقلاب نگسته ایم؟

پاسخ - اولاً باید بگوئیم که روانشناس جنبش چپ و روانشناسی تسوده ها کاملاً ملامح است که گذشته خیانتکارانه این سازمانها را بفراموش نمی سازد و آنها را نمی بخشد. ما این داوری را بی فعالین چپ و تسوده های مردم را عمیقاً راج می گذاریم و آنرا تکیه گاه گرانقدر خود می دانیم. این داوری تاریخ است درباره گذشته این سازمانها، که هرگز نباید بفراموشی سپرده شد. تا ما معتقدیم که روانشناسی تسوده ها و همچنان فعالین چپ تا آنجا محق است که در راستای منافع مبارزه انقلابی طبقه کارگر با تسوده گت این سازمانها کمک کنند و اگر خطرات وجود دارد خودیها ما نمی در برابر گسترش این سازمانها ای ران شود. بعبارت دیگر ما روانشناسی تسوده ای را معیار رازیابی خودمان درباره حوادث سیاسی تبدیل نمی کنیم بلکه معتقدیم که روانشناسی تسوده ای را باید در جهت منافع مبارزه انقلابی پرولتاریا شکل داد. مواردی پیش می آید که منافع در میان تسوده های مردم و حتی فعالین چپ کاملاً همراه کننده و بنا در است. مثلاً هنگامیکه ما علناً اعلام کردیم که این رژیم ضد انقلابی و ضد است، روانشناسی تسوده ها نظر ما را تا حدی که بلکه تا حدی جدی سار تردید آن می بگیرد فراموش نکرده ایم که اکثریت فعالین جنبش در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمد دیگر چپ هنوز حرأت نداشته اند مخالفت علنی با رژیم ولایت فقیه را میزیند. تردیدی نیست که روانشناسی تسوده ای و روانشناسی فعالین حیدر آن هنگام کاملاً خطا می رفت. شعار ما در اول سالگرد انقلاب بهمن که "انقلاب مرد، زنده ماندن انقلاب" مقدر از نظر روانشناسی عمومی چپ تا حدی شد؟! در حاضرت جنبش چپ ما علی رغم طرد سیاسی انحرافات و پیش داوریهای گذشته، همه را

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشانشان

کوله و پیروفیل دنیای فلز

آزمایش

لیلاند موتور

در این کارخانه بعلت دزدیهای فراوانی صورت گرفته بود و در پی آن کارگران مدیریت اخراج کرده بودند، مدیرعاملی که فساد را راجع به تلفات خود، مسئول کارخانه را بده گرفت، هم اکنون اس کارخانه بعلت نبود مواد اولیه، بحالت ۵ روز کاررور و رطلی درآمده است.

بدلیل کمبود مواد اولیه و نپسیده های مدیریت منی بر اخراج کارگران، تاکنون حدود ۲۰۰ نفر از کارگران بازخرید شده اند. همچنین تعدادی از کارگران انجمنی و سخی کارخانه داوطلب رفتن به حبسه بودند که مدیریت بدلیل نداشتن کارگران، با رفتن آنها به حبسه ها مخالفت کرد.

بدینال فندان قطعات یدکی و همچنین قطع رورانه ۸ الی ۹ ساعت برق، مدیریت کارخانه قصد ارداعات کار را بصورت ۲ هفته کند. کارگران از این ساعت خوشحالند و می گویند چون کار نیست، شبها در کارخانه می خوابند و روزها نرسد سال کار دیگری می روم، فعلا سال نرسد که در حد حرف باقی مانده است.

رکود تولید و بیکاری کارگران

مرکز تبریز

شرکت نیلو

تراکتور سازی تبریز

مدیر است که واردات کاهن بافته است. کارکنان کارگران و کارمندان بیکار می باشند. سرعامل مرکز سزغوس شده است. هر سه ماه بیکار، خدای کارگران راه احار به حبسه های گ می فرستد. اعلام کردند که اگر کارگری رفس به حبسه ها برسانند، با سسی هفت هزار مان بعنوان باج به رژیم سردار ارد. کارگران این ساله مخالفت کردند و دست به اعتراض زد. در سحه انجمن اسلامی و مدیریت عملی نبودند.

این شرکت تولیدکننده انواع کیک شربتی می باشد و در منطقه فلسفه حسن خان واقع است و قبلا تعداد ۴۴ کارگر در آن شاغل بودند. این شرکت نیز بعلت فندان مواد اولیه، دوازده نفر از کارگران خود را در هفته سوم آبان ماه اخراج نمود.

ارکا رگران حواسنه شده است که خود را با زبرد کنند. این ساله موجب اعتراض کارگران گردیده است و فعلا این ساله مسکوت مانده است.

ایران خودرو

ایران ناسیونال

در سه ماه گذشته، شرکت به ۱۰۰۰ نفر از کارکنان خود را در ایران خودرو که سابقا کارکنان ازبک الی چهار سال بود، بدون گرمسین منعی، اخراج کرد. در حال حاضر کارکنان کارگران بیکار می باشند و اسباب کار را در اختیار می نماند.

کارخانه ارج

حدود صد نفر از کارگران این کارخانه بعلت کمبود مواد اولیه از جانب مدیریت سسه تسلحات ارتش فرستاده شدند و حدود ۱۴ نفر دیگر که در رفس امتناع کرده بودند، اواسط آذر ماه اخراج کردند. شایع است که حدود ۲۰۰ نفر از کارگران اس کارخانه اخراج خواهند شد.

شرکت بیگانها ساز

شرکت گاه با تولیدکننده ماشینهای رسیدگی و با سدی و با سدی و با سدی و با سدی می باشد. در مهرماه سال گذشته ۵۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج نمود اس شرکت دارای ۵۰۰ کارگر بود.

تولیدات اس کارخانه معلاوری ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ عدد بیکان سواری می باشد که برای ادارات و شرکت های دولتی و صادرات صورت می گیرد. در بهار و تابستان اسال حدود هفت هزار نفر از کارگران اخراج شده اند. در رور سنج، سبزه سبزی و سبزی صانع سگس سرای سحرانی به کارخانه آمده بود. وی در سحرانی خود اعلام کرد که همه آبهای که اخراج شده اند معلا برای عمل می نماند و همچنین بیکار می نماند و فقط دوست سبزی از آنها برای کار به کارخانه رجوع کرده اند. این سحران با استیازه کارگران رور و گردید. کارگران سوشته ای مسی بر کمبود حقوق و افزایش فشار رسیدگی و کمبود امکانات رفاهی به سوی دادند. سوی سرحا بلوایه کف به سوشته ای که امضاء شده است با رسیدگی نمی کم و کارگران باید این سوشته را امضا کنند. کارگران پاسخ دادند که امضای خواهد. وقتی سوشته ای را به امضاء ام، حاوی حواسنه های کارگران است. ولی سوی اعلام کرد که نباید امضاء بود تا رسیدگی کنیم. کارگران چون می دانستند امضا کنندگان تحت تعمت مزدوران رژیم قرار خواهد گرفتند از امضای آن خودداری کردند. در خانه سبزی گفت، ما خودمان می دانیم که وضع حقوق خوب است اما وضع اینطور است و هر کسی این وضع را قبول ندارد. سرکا رساند. در تاریخ ۱۱/۱۰/۶۷ از طرف وزارت صنایع سگین اطلاعیه ای در تالو اعلامات نصت گردید مسی سربیکه بعلت فندان مواد اولیه، کارخانه تعطیل خواهد شد. فیسب تراکاری برای سحران سوشته ای ۳ متری و سایر ادوات حکمی کار خواهد کرد.

فشن جم

مدتها بود که با داس ماهانه کارگران لسل کمبود مواد اولیه قطع شده بود، ولی در پایان اسماه، مدیریت کارخانه به تعدادی از اطرافیان دستور محضانه منعی بول بعنوان ساداسی داخ نمود. اگر چه اگر کارگران از اس موضوع بلع شده بودند، ولی بعلت خوشبختی اخراج، س العملی از خود ستان داده اند. شایع است که عبدالمال، اس کارخانه بعلت نداشتن مواد لسه می خواهد تعداد زیادی از کارگران را اخراج لاید. کارگران از این ساعت سحران را اخرج تند. علاوه بر اس، مدیریت حق سسه کسرتده حقوق کارگران را به سسه های اجتماع مسی داختمی نمایند و در نتیجه سوشته های سسه رگران عملیات استغاده مانده است. کارگران این موضوع شدند تا ناراحت هستند و می گویند بورا ما بول سسه کسرتی خود ولی به سحران مس اجتماعی داده نمی شود.

شرکت مینو

در این کارخانه، هر دو ماه یکبار یکی از قسمتهای کارخانه بعلت نداشتن مواد اولیه تعطیل می شود در حال حاضر قسمت آدامس شیک تعطیل می باشد. سهمیه بیکار این کارخانه از ۴۰ تن در ماه به ۲۰ تن رسیده است و این ساله مانع گردیده است تا میزان تکر محصولات این کارخانه به نصف خود برسد. همچنین قرار است که سود سهام خریداری شده توسط کارگران، در آینده نزدیک پرداخت گردد. کارگران اس شرکت زکا ر کرد تا و نی مصرف ناراضی می باشند. تعاونی و سایر لوکس راه قیمت آزاد و نیمه آزاد را اختیار کارگران قرار می دهد. در هفته سوم آبان ماه، تعاونی مزبور دستمال کاغذی چهار تومانی را به قیمت بیست تومان به کارگران فروخت و علت این ساله را بدین ترتیب توضیح داد که اتحادیه امکان این کار را به ما مان فروخته است.

قطعنامه های مصوب نشست دوره ای کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دی ماه ۱۳۴۵

درباره :

- ضرورت تشدید مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران
- جبهه واحد کارگری
- تاکتیک جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی

توضیحاتی از جانب هیئت تحریریه

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با توجه برابط عمومی سیاسی کنونی که عاصرتک حریب انقلابی بودن درحالیست و منظوربدارک برای مداخله هرچه فعال بر دی جوادای کمیته است و درآمرس نشسته دوره ای خود (دردی ماه ۶۵) قطعنامه هایی تصویب نموده است. درآن صورت دربره های که که جبهه واحد دمکراتیک - مبرالسیسی، جبهه واحد کارگری، و حریب طبقه کارگر تصویب کرد. اساساً این اقدامات مسلم نکند که...

مطالبات را درنگال اجتماعی و اقتصادی سروهای محرکه اصلی انقلاب است. یعنی کارگران و بنیادسازان نیروورسا و سرواسکی نظام اقتصادی برهه با زارحیاسی سرمایه داری است می کنند که انقلاب ایران اما با یک لایب اجتماعی است یعنی این مطالبات نباید درمراثربرس ازجبارحویب با به داری فاسد نسحق اند. ازسوی دیگرانقلاب ایران با اسوعی مطالبات رفه دمکراتیک همراه است. این مطالبات که درمضمون سورزوا - دمکراتیک رسد، اگرهم درموازبه معنی ازسروبرطیفات بهره کش ها کم و دولتی رزوائی تحصیل شوند، قابل دوام نخواهند بود و منحص و نسبت آنها تنها کرفواثربرفتن انقلاب ازجاریوب سرمایه داری خواهد بود. اما اگر سرووری مطنسی سی با زکنت نابدیری (انقلاب دمکراتیک درگنورما منوط به فرا روئی وقفه آن به انقلاب اجتماعی است) انقلاب اجتماعی سر برای سینه و رشد ن زمینگرگرفتن انقلاب دمکراتیک است. انقلاب ۵۷ نشان داد که و منسی بر سرمایه داری دارند به سرعت به مان می آید. اما انقلاب ۵۷ درعین حال آن داده مطالبات فند سرمایه داری دربرمطالبات عمومی دمکراتیک رزوا دمکراتیک راه خود را با زمی کند. مطالبات عمومی دمکراتیک مطالبات صدرمابه داری درانقلاب ایران همان به هم گره خورده اند که سبب درخواست های موری طبقه کارگری می توان به مطالبات عمومی سورزوا کراتیک اکتفا کرد و درخواست های انقلابی را ازقلم اسداح، کما اینکه ی توان بر اهمیت مطالبات معوقه سورروا دمکراتیک جسم بوسند از سرو البات موری ما شامل مطالبات عمومی سورروا دمکراتیک (سرمه حداقل) مطالبات فرا ترا ز جاریوب سورزوائی (سرمه انتقالی) است. اما ما باید امون کرد که سرمایه برای سرمایه انتقالی عبا با همان سرکب طبقه کاری روحانی صورت نخواهد گرفت که در مطالبات سورزوا دمکراتیک ذی شعاع است. اثر رفتن انقلاب از جاریوب سورزوائی، موروثاً اجتماعی های طبقه کاری معوقه حسی دمکراتیک راست خواهد شد و بنیادوم انقلاب اما با سرو محور اتحاد فدا کارگرو بنیادسازان (سرمه سورولنا را) می کند خواهد گردید. اگر در است حسی انقلابی در ایران در گام نخست با مطالبات عمومی دمکراتیک که لغتاً مضمون سورروائی و هنگامی دارند) آغاز خواهد شد، پس باید در است خواهد دید که در نخستین بار انقلاب، حسی هنگامی دمکراتیک را با لایبرمی محاضرت ارد هم که متضمن درخواست های انقلابی است. ما درعین حال که با به خود را برای انقلاب ایران (که شامل سرمایه حداقل و سرمایه انتقالی است) که عارضه و تبلیغ می کند و از حامیان آن دفاع می کنیم، در پیش گام انقلاب که خطی همگانی داشته و اولن هدفش سرگویی رزومه پوری اعلامی است، بسیار مطالبات حداقل از سرمایه خود را که هیچ عنصر سیاسی در آن وجود ندارد و سرمایه مادراجاریوب سورروا دمکراتیک است توان بلایبرم یک جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی سپهاده می کنیم. ان امرار بر یکب طبقه کاری و وظایف ان جبهه سیاسی می خود و به خود خواهد رساند تا اینکه ما خواهیم به آزادی های سیاسی اکتفا کنیم و در دمکراتیک

سورروائی درحالیست. از آنجا که ما برای سوسالیم ما رزومه می کنیم و آنجا که محک و نند دمکراتیک سورروائی و حداقل سیاسی و معتمدین قطع و اسکی نظام اقتصادی کورزوا به امپریالیسم بدون فرا سرورس از جاریوب سرمایه داری ناممکن می دانیم، خواهان انقلاب سرگویی و کسب استی و نفع از انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسالیسی می باشد. سرمایه داری در مطالبات موری ما با طرر همس دوره گذار است. ما طرح و نند مطالبات انتقالی خود را منوط به هج شرط زمانی و سیاسی، و می کول است آمده می کنیم، اما درعین حال معتمدین که مقید کردن پلانفرم دمکراتیک به مطالبات انتقالی معاشی حریب و لغات کادرسوسالیسی است. حسن سورزوا دمکراتیک دادن و نسخه عملی آن سر سروای طفی کما رگرو با سیاسی آن در سبج و رهبری حسی دمکراتیک خواهد بود. مطالبات انتقالی که ماهها کسب سز به سبج آنها می سرداریم، زمانی تا در دینور یک بلایبرم انقلابی فرا رگرتیک به سبج انقلاب، اوج گیری ما رهم سبج سرمایه طبقه کاری در سبج حسی دمکراتیک و ما رزومه طبقی سور در خارج از ان سبج گیری کردن انقلاب، مکمل گیری شوک سورولنا را و بنیادسازان را معیون بلوک محری سرمایه انتقالی سوسالیسی و حول مطالبات انتقالی، به مساله مقدم رورندشل کرده است. اما امروز ما به مقدم سرگویی رزومه جمهوری اعلامی است که حسی مانع تحقق آزادی های سیاسی، و سبج راه گیری و معنی ما رزومه طبقه کاری سورولنا را است.

علاوه بر جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی، سازمان ما سر سورروا حسی بکل گیری یک جبهه واحد کارگری سرنا کند و سزهای دارد. جبهه کارگری به مترادف جبهه حسی است. به جاکس حریب طبقه کارگر. عری از جبهه واحد کارگری یکا رجه کردن کارگران سرمایه فرو سبج ان سروری کار یکب حسی وحدت کارگران سرمایه یک طبقه، سبج دادن مبارزات سبج کرده، کارگران به ما رزومه اتحاد و همبستگی علیه اسد ا دو اسما را است. عری اسد کسب کارگران ما رزومه یکا رجه و همبستگی علیه اسد ا دو اسما را است. عری اسد کسب مترک را حسی السعاع اختلاف عقاید، تفاوت های مذهبی و اسد سوریک و سا و اسکی های حریب و سا رما می خود فرار دهند، با وجود سزگوسه اختلاف نظر، حسی و حدکا رزوا در سا رجه و حد سرمایه و ارتجاع، حفظ کنند و به دنبال اختلاف نظرها، سبج خود را در مقابل سبج سبج اسد ا دو اسما را یکب نگه و معوقه در سبج کار را اسد کرده می کند. در جبهه کارگری، به سبج کارگرها مطرح است، به قطع کارگران کمونسس، مضمون جبهه کارگری، وحدت عمل و یکا رجه حسی همه کارگران است سرمایه یک طبقه، در سا رطیفات بهره کش و دولت اسد ساز بهره کشی، و موضوع جبهه واحد کارگری فقط کارگران، و همه کارگران است، بر سر طرار حسی و مدعت و اسد ثوروری، ما میزان آگاهی و اسکی حریب آنان (سبجی است که کارگری که هنوز از رزومه حسی می کنند و سبج اسد ا دو اسما را حسی به حسی برای رزومه و سبج طبقه کاری می بردارند، در حسی حسیه ای راه ندارند). سبج جبهه واحد کارگری یک جبهه حسی مسکله اسد ا دو اسما را سبجی ما رگسب هم است. اما همه ما رما سبجی سیاسی که در میان کارگران فعالیت می کند - ما رگسب اسد ا دو اسما را یکب - می سبج اسد ا دو اسما را سبج سبج در جبهه ها هگ و کما رجه حسی ما رزوا حسی و سیاسی کارگران و سبجس دانسته اسد ا دو اسما را سبج کارگران در سا رزوا حسی حسی ما رزوا سبج سبج سبج سبج گیری حسیه و حدکا رگری در سبج سبج گیری سبج و سبج اسد ا دو اسما را سبج آن را آن سوسبج سبج سبج.

همه طبقات، همه سروهای سیاسی از انقلابی برس با ارتجاعی برس آنها، به سبج طبقه کارگر ایران در کمترین کردن رزومه طبقی در اسبج سبج سبج معتمدین و سرمایه حسی و اسد است که سبج سبج طبقه کارگر رهبر سبج

وهریک به شیوه و شگردی در پی تضعف حشش کارگری، ایجاد شکافها و تقابلات مصنوعی در آن و پراکنده کردن کارگران سرآمده اند. تجربه معاصر در حلهای و از جمله در ایران نشان داده است که سرنوشت انقلاب به نقشی که طبقه کارگر در آن ایفا کند وابسته است. حسب و احد کارگری امکان می دهد که تفرقه اندازی های دشمنان طبقاتی در صفوف کارگران خستی شود و کارگران ستمنا به عظیم ترین نیروی اجتماعی متشکل و سازمان یافته، با اراده ای واحد و مدخله در حوادث و ستم دادن به آنها نیردازند و سهر خود را بر انقلاب بکوسند. حسب و احد کارگری نه تنها با جنبه دموکراتیک - فدا میریالیستی منافاتسی ندارد، بلکه امکان می دهد که طبقه کارگر در درون جنبه خلق بکجا رجه تهر، هماهنگ تر، منسجم تر و قوی تر عمل کند و نقش تعیین کننده خود را در درون این جنبه ایفا نماید. خوشبختانه استقبال از ایده حسب و احد کارگری و گرایش به همکاری در این مورد، زمینه های مساعدی یافته است. در چنین فضائی لازم بود که سازمان مایلاتنرم عملی دقیق نری راسر ای حسب و احد کارگری سشهاد کند. این پلاتنرم راسر مطالبات پایه ای طبقه کارگران در شرائسط موجود سارزه طبقاتی تنظیم شده است، یعنی راسر مطالباتنی که هم اکنون سارزه سرائ آنها چه بطور سراسری و چه بطور پراکنده توسط خود کارگران سه پیش برده می شود و حسب و احد کارگری ساهمانگی و اتحاد عمل کارگران در همین سارزات موجود می تواند شکل بگیرد. قید مطالبات انتقالی نظیر شوراهای کنترل کارگری در پلاتنرم این حسب و احد می باشد که و جگسری سارزه طبقاتنی کارگران حسن مطالباتنی را در دستور مطالباتنی واسطه کارگران قرار دهد.

و سرنجام آنچه به لحاظ اصولی برای ما در اولویت مطلق است، تشکیل حزب پیشاهنگ طبقه کارگران ایران، حزب مارکسیست - لنینیست است. ما کمونیستیم و سرائ رهائی طبقه کارگران سارزات سرمایه و سرائ محوبیره - کئی وسطام طبقاتی سارزه می کنیم. خود رهائی طبقه کارگر نه در قالب حسب و احد، نه در چارحوب حسب و احد کارگری، بلکه تنها از طریق رهبری کل حشش کارگری توسط پیشاهنگان طبقه کارگر که کمونیسم را بعنوان مسلم

رهائی پرولتاریا راهنمای خویش قرار داده و در حزب سیاسی انقلابی واحد متشکل شده اند، میراست. طبقه کارگر ایران از پراکندگی سازمانهای سیاسی کارگری - اعم از مارکسیست - لنینیست و یا منصوب به آن - و از تخیل ه و انحرافات گوناگون در این سازمانها، لطعات زیادی خورده و دچار تشتت گشته است. تلاش برای ایجاد حزب واحد طبقه کارگر و تلاش در جهت تامین خلو ایدئولوژیک آن، باید از روزیکی از اساسی ترین و میرم ترین تکالیف سارزب راه رهائی پرولتاریا تلقی گردد. این وظیفه را نه ساجشم یوئی سرائخلاف، اصولی و سائعار "وحدت برتر از هر چیز" می توان انجام داد، و نه با اعلام خبر بعنوان تنها سازمان صالح برای تشکیل حزب طبقه کارگر و جسیدن ساحتلافات غیر اساسی، بخاطر دفاع از منافع گروهی. وحدت حزبی اساسا ب پریایه وحدت برنامهای (برنامه حزب) صورت گیرد و این خود مستلزم روش شدن چارحوب های وحدت حزبی از دید سارزمان است، تا نه به دلائل اخلاق یا تعصبات فرقه ای، بلکه سراسر خطوط برنامهای برای خود مشخص سازد که با کدامیک از سارنرنامه های موجود در اصول و خطوط اساسی هم جهت و با کدام غیه هم جهت است، با کدام سازمان ها می تواند در وحدت حزبی قرار گیرد و با کدام نمی تواند. سدیپی است که در هر حال، سارزه ایدئولوژیک بر سربرنامه و مرز بندی های روشن برنامهای شرط مقدم و ضرور وحدت های اصولی است و نیز روشن است که نهایت این روند، نه به یگانگی تشکیلاتی همه سازمانها؛ سیاسی در گبر در این سارزه، بلکه به حدائی کامل و قطعی چندجریان و طبقه و بلور بندی و اتحاد در درون هر یک از طبقه منجر خواهد شد.

متعاقب پلاتنرم حسب و احد کارگری - فدا میریالیستی و پلاتنرم حسب و احد کارگری، ما به انتشار ریسرونی طرح برنامهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که توسط کمیسیون ماورا از طرف کمیته مرکزی تهیه شد و از مدتی پیش در جریان بحث آنها و واحدهای سازمانی قرار دارد، مبادرت خواهیم کرد. ما میدوایم که انتشار ریسرونی این طرح مساحتات سارزندها و رادسطح حشش کارگری و کمونیستی ایران سبب شود و با تان به خلاقیست بحث های برنامهای در درون سازمان هر چه بیشتر دا من زند.

قطعنامه درباره ضرورت تشدید مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران

نظریه ای که :

۱) "طبقه کارگر بدون داشتن حزب سیاسی مستقل خود نمی تواند نداشتن را بفرجام برساند. هر مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است. هدف این مبارزه که بنحوی گریزنا پذیر به جنگ داخلی مندل می شود، تسخیر قدرت سیاسی است. قدرت سیاسی را تنها بوسیله یک حزب سیاسی میتوان تسخیر کرد، سازمان داد، و هدایت نمود. تسخیر قدرت سیاسی تنها در صورتی میتواند، نه به یک حادثه صرفا اتفاقی، بلکه نقطه آغاز یک دوره طولانی ساختن کمونیستی باشد، که طبقه کارگر بوسیله یک حزب متشکل و مجرب که دارای هدفهای روشن و برنامه عملی برای اقدامات فوری در زمینه سیاست داخلی و خارجی است، هدایت گردد. مبارزه طبقاتی مستلزم یک سارچگی و سمرکزاشکال گوناگون جنبش پرولتری (اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، شوراهای کارخانه، کارفرهنگی و آموزشی، انتخابات، و غیره) تحت یک رهبری مشترک می باشد. تنها یک حزب سیاسی میتواند چنین مرکز متحد کننده و رهبری کننده باشد، و انکار ضرورت ایجاد و تقویت چنین حزبی و تسعست از آن، بمعنای نفی اصل رهبری و احد برای بخشهای سارزنده گوناگون پرولتاریاست که در عرصه های ناگون مبارزه میکنند. بپارزه طبقاتی تاریک مستلزم کار تبلیغاتی فشرده ایست شنی بخشیدن به خط مشترکی که مرا حبل

گوناگون سارزه را بهم پیوند می دهد و در هر گام معین توجه طبقه کارگر را روی مسائل کلیدی معینی که برای کل طبقه دارای اهمیت است، تمرکز می دهد. چنین وظیفه ای بدون یک دستگاه مرکزی یعنی بدون یک حزب سیاسی نمی تواند انجام یابد."

۲) طبقه کارگران اکنون به بزرگترین نیروی انقلابی جامعه ما تبدیل شده است که هیچیک از احزاب و جریانهای سیاسی نمی توانند آنرا نادیده بگیرند. این طبقه با مبارزات قهرمانانه و تعیین کننده خود - مبارزاتی که در انقلاب بیمن کمر دیکتاتور سلطنتی را در هم شکست - از طبقات دیگر متمایز می گرد و دوه سرحه بیشتر همچون نیروی محوری و تعیین کننده انقلاب ایران بیدار می گردد. سرنوشت انقلاب ایران مستقیما بمیزان سازمان یافتگی، آگاهی سیاسی، و اسحام اراده انقلابی اس طبقه سنگی دارد.

۳) جنبش کمونیستی ایران هر چه بیشتر از آلودگی های بوپولیستی سالاتنی می یابد؛ صفوف خود را حول سازماندهی اراده انقلابی طبقه کارگر فشرده ترمی سازد؛ و با سارزه ایدئولوژیک قاطع علیه فرمیسم خائنانه حزب توده و انواع انحرافات سوسال دموکراتیک ضد لنینی، خود را برای پیکارهای طبقاتی سرنوشت سازی که در پیش رود آرماده میسازد.

از این رو، کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بر آنست که :

۱) تشدید مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران به صورت یک ضرورت میرم درآمد است. این حزب باید بر پایه یک برنامه مبتنی بر آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم، حصول سازماندهی اراده انقلابی طبقه کارگر و در مقابل به سوسیال دموکراتیسم مرتد، رفرمیسم سسزب توده و فرقه گرائی بوپولیستی ایجاد گردد. سازمانها، جریانهای و عناصری می توانند در تشکیل آن شرکت کنند که به سنت انقلابی لنینیسم در مبارزه ملی و بین المللی سسرای ایجا ددیکتاتوری پرولتاریا وفادار باشند؛ برای همبستگی انترناسیونالیستی با جنبش جهانی طبقه کارگر، جنبش جهانی کمونیستی و اردوگساکشورهای سوسالیست بکوشند؛ و برای سازماندهی مبارزات روزمره طبقه کارگر در مقابل به سارزیسم ارتحاعی ولایت فقیه و بیپره کشی سارمایداری در راستای ایجا ده زمونی پرولتاریا بطور موثر تلاش نمایند.

۲) سازمان ما باید پیش نهادن این برنامه حزبی روشن، مبارزه خود را در این جهت شدت بخشد و تمام سازمانها، جریانهای و عناصر کمونیست را به همکاری و اتحاد سرائ تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران دعوت کند.

قطعنامه در بارہ جبهہ واحدگاری

ظرفہ اسکہ :

(۱) رژیم ج.ا. کہ از طریق سرکسوت پوراہای کارگران ، زحمتکشان و دهقانان ، پس گرفتاری تمام دستاوردہای انقلاب ہمیں ، لفظ خود را اعمال نموده است ، با تشدد کلبہ ہادہای اقتصادی و سیاسی جامعہ سرما بہ داری و فرو بردن اشکال مروج وسطانی سمگری مدهمی سیاسی بر آن ، مانع اصلی تکامل مبارزہ طبعمانی بولسار و وسخرت کل جامعہ است . این رژیم بگونه آزاد بیہای سیاسی را برای اکثریت اہالی لعا نموده ، با سلب ہرگونہ حق تشکل و تجمع را مہک کارگرو تودہای زحمتکش آنان را محسور ہ تحمل شدت ترس اشکال بھرہ کشی سرمایہ داری و فروش ارزان نیروی کار خود می نماید .

(۲) و غامت اوضاع اقتصادی و بحران سیاسی رژیم ج.ا. را ناگزیر سیر نموده است تا برای تحقق راست پان اسلامیتی و الحاق طلبانہ خود ، پیروزی جہ سربعد در جہہ ہای جنگ را وعده دہد ، تمامی معہ را مبلستا ریزہ نماید ، تعداد دہرہ مستنری . جوانان ، کارگران و زحمتکشان را اجارہ ہدہا گسل نماید ، سراسر دیباک را زنی و اخراجی ہتحمیمی تودہای کارگرو سرمایہ فزاید ، فقر با قہ و نازل سطح زندگی را سہ کارگران و عموم نمکتشان تحمل نماید . موفقیت این اقدامات شا از ہر زمان دیگر مستلزم تعرض ہمہ جا نہ رژیم بر ما بہ داران بہ درہم شکستن مقامت در جہہ ہا ' پشت جہہ ہا " میباشد . فلکات اقتصادی ، نومیدی رگران و اکثریت اہالی از ہرگونہ سہسود ر رچوب رژیم ، بحرانہای سیاسی ہستت حاکمہ ، بست جنگ ، سہ تکوین عناصر کمرک بحران انقلابی سری نوین شتاب می بخشد ، طبقہ کارگرتنہا سا حا دصوف رزمندہ خود میتوانند در مقابل این رضی مقامت نمادند و بپیسگا م پھر مبارزہ برای خود مکرسی و بان مدتل تود .

(۳) طبقہ کارگرایران کہ در طی دودہہ ۴۵ ، از لحاظ عددی و درجہ تمرکز در کارخانہ ہای رگ رشد قابل توجہی نمود ، و در انقلاب پیشین بکارگرفتن سلاح عتصاب عمومی سرنگونی سیم ناہرا موجب شد ، از لحاظ سیاسی رشد قابل جہی یافت بنحوی کہ خواہان شرکت شوروی " انقلاب " و علنی شدن این را کردید . اس طبقہ پس از انقلاب ہمین سا حا دشوراہا و اعمال کسرل کارگری درواحدہای لند ، ہر جہہ بیشتر بہ قدرت خود وقوف یافت ؛ مرورہ بہ نیروئی در ساست مدتل شدہ است کہ سہ احزاب ارتجاعی ، بیوزواشی و خرده بھریا شی ز محسور سد آن را بہ عنوان یک قدرت طبعمانی بین بہ حساب آورند ، سہ عمومی طبقہ کارگر ، وین حسن مستقل سیاسی این طبقہ را سہہ یرتی عا حل تعدل کردہ است ، این ضرورت تنہا بحدت ارادہ و متکفل شدن پیشگا مان تودہای سہ علسہ سوزوازی و دولت حامی آن مستوانند بق یابد ،

از اسرو :

(۱) سازمان کارگران انقلابی اسران (راہ کارگر) کہ وظیفہ خود را سازماندادن ارادہ طبقہ کارگری برای مبارزہ علسہ سرما بہ داری و انتقال بہ سوسیا لزم می داند ، با توجہ بہ کلبہ تحسارت جنستی بین المللی کارگری و منحلہ تحرسہہ انقلاب ہمین ، سربین سا و راست کہ اگر جہ سدون اتحا دیباہمگان آگاہ بولتار سا در یک حزب واحد کہ بی تزلزل در راہ برقراری دیکتاتوری بولسار با و تحکم آن می رزمند ، استقرار ر سوسیا لزم ممکن نمی باشد ، با آمادہ است تا سا کلبہ احزاب و گروہہای کہ حاضرند در راہ مطالبات انتقالی (نظیر جمہوری نوع شوروی کارگران و زحمتکشان شہروروستا ، کنترول کارگری ، ملی کردن کلبہ سانکچا ، سسہہا ، تجارت خارجی ، منابع اصلی مواد جام ، صنایع نظامی ، کلبہ صنایع و موسسات بزرگ سرمایہ داری) مبارزہ مشترک و متحد کارگران و زحمتکشان را سازمان دہند ، جہہ واحد کارگری برای برقراری جمہوری دمکراتیک خلق تشکل دہد .

(۲) با توجہ بہ اہمیت فوری سازماندادن مقامت طلبانہ کارگری علیہ تعرض سرمایہ داران و رژیم جمہوری اسلامی ، سازمان ما مرتشکیل جہہ واحد کارگری را موکل بہ مبارزہ مشترک در راہ مطالبات انتقالی نموده ، آمادہ است تا سا کلبہ احزاب و گروہہای کہ حاضرند در راہ مطالبات مشخص و فوری طبقہ کارگرو ایجاد تشکل های مستقل کارگری اقدام نمایند ، جہہ واحد کارگری تشکل دہد .

(۳) سازمان ما برای تشکل جہہ واحد کارگری حول یک رشتہ مطالبات مشخص در دورہ کنونی ، بلاتعم زسرا پسنہا می نماید :

(الف) سہا عکا ر در روز ، دوروز تعطیل بی دربی در ہمتہ ، در تمام کارگاہا و بوسرای تمام کارگران و مرخصی سالیا سہ کمما ہہ بوسرای تمام کارگران .

(ب) تعیین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان منتخب کارگران سربا سہ ہزبہ وسائل معشت ورفا ہا نوا دہ ہنری و افزایش سطح دستمزدہا متناسب با بالرفتن سہای معشت و نرخ تورم .

(ج) انحلال انجمن ہا و شوراہای اسلامی و دائرہ حراست و آزادی بی قید و شرط بیسان ، تجمع ، تشکل های اتحادیہ ای و سیاسی ، احزاب و اعتماب .

(د) حق کار سہمہ احتما عی کامل کارگران ، برای تمام اشکال کار مزدبگیری ، برای تمام دوران سکاری ، برای تمام اشکال ازکار افتادگی و از حملہ سہماری ، جراثت ، کپولت سن ، زایمان ، بوسیمہ خانوادہ تحت تکفل کارگرو در مقابل مرگا و . برداخت مخارج سیمہ توسط دولت و سرمایہ داران با دارہ موسسات سیمہ توسط سیمہ سڈگان .

(ه) برابری کامل حقوق زنان با مردان در برابر کار و مساوی ، ممنوعیت کار زنان در شتہ ہا مضر برای سلامت آنان ؛ برخورداری زنان کارگر و عروزی قبل و عروزی بعد از زایمان ، از مرخصی مساوی حقوق کامل و خدمات درمانی و داروئی رایگان . (و) مشارکت سازمانہای کارگری در از شبایی مشاغل و تنظیم یک نظام واحد سفلی در سطح کشور . (ز) تشکیل یک ہیات با زرسی کارگری منتخب سازمانہای کارگری سہ ہزینہ دولت در تمام سنگا ہا شی کہ کارگرمزدبگیر در اختیار دارند .

(ح) سہ رسمیت شناختن اول ماہ سہ بعنوان تعطیل رسمی کارگران ، سادریافت حقوق .

(ط) تنظیم قانون کار را مشارکت سازمانہای کارگری و شمول آن در تمام کارگران بخش های مختلف اقتصاد ملی ؛ بحق اشعقا دقرار دادہای جمعی کار .

(ی) خاتمہ فوری جنگ ، سقراری صلح بدون الحاق طلبی و غرامت .

(ک) آزادی کلبہ زندانہا سیاسی .

تحقیق مطالبات فوق اساسا در گرو سرنگونی رژیم جمہوری اسلامی است و سبنا بر این تسلیخ و مبارزہ در راہ سرنگونی رژیم جمہوری اسلامی در صروظائف مذکور قرار داند .



مبارزہ مشترک حول بلاتعم مذکور کہ در برگیرندہ مطالبات انتقالی و برنا سہ حدا کتسر مانمی باشد ، سہیح وجہ بدان معناست کہ ما از تسلیفات انقلابی خود برای مطالبات انتقالی و سوسیا لزم فروگذارناشیم . شرایط ہمیشگی ما در ہرگونہ اتحاد عمل ، اشتلاف و تشکبل جہہ عسارت خواهد بود ؛ از حق تسلیفات و تشکبل و انتقاد آزا دانہ و مستقلانہ ما از کلبہ احزاسی کہ با آنہا حول مسائل شخصی اتحاد عمل سزاتی می نمائیم ، بعلوہ اقدامات ناشی از ایمن قطعنا سہ سہیح وجہ سبنا یدامکان انحراف از برنامه و تاکتیکہای کمونیستی و پرولتری سازمان سارا بوجود آورد ، بلکہ فقط با بددر خدمت مبارزہ متحد کارگران علیہ تمام سرمایہ داران و رژیم جمہوری اسلامی باشد ●



قطعنامه مربوط به تائید جنبه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی

نظر سه اینک :

۱) رژیم جمیوری اسلامی با سرکوب کلسه دستا وردهای انقلاب بهی، اعمال شدیدترین دیکتاتور و اختناق مذهبی - پلیسی و ستاد و جنگ ارتجاعی با عراق، هرگونه آزادیهای سیاسی را برای اکثریت اهالی الفاناموده، موحیات فقرو فاقه، سیکاری وسیع و تنزل عمومی سطح زندگی کلسه توده های کارگرو زحمتکش را فراهم آورده و شدیدترین اشکال بهره کشی سرما به دارانه را با عقب مانده ترین شیوه های قرون وسطائی ستمگری مذهبی و سیاسی درهم آمیخته است، مانع اصلی تکامل مبارزه طبقاتی پرولتاریا و پیشرفت کل جامعه می باشد؛

۲) پرولتاریا در مبارزه برای سوسالیسم، به دمکراسی سیاسی نواز منداست تا آگاه هی خود را ارتقا دهد، در مقیاسی وسیع و توده ای علیه طبقه بورژوا متشکل شود و مبارزه طبقاتی خود را با بورژوازی هر چه گسترده تر، عمیق تر، شدید تر و وسیع تر و هر چه بیشتری ادا مدهد؛

۳) مبارزه برای سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی و برای دمکراسی، تنها نقطه آغاز یک انقلاب خلقی را تشکیل میدهد که هدف آن نمی تواند نباشد ایجا دیک جمیوری پارلمانی بر آورده شود؛ زیرا جمیوری پارلمانی صرفا نظام سیاسی مناسبتی برای دفاع از سیاست بورژوازی و حفظ ابزارهای کین سرکوب یعنی پلیس، ارتش ثابت و بوروکراسی ممالک در دست این طبقه است؛

از این رو:

۱) سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که هدف خود را استقرار آن چنان نظام سیاسی قرار داده است که شرایط گذار سیاسی وقفه به سوسیالیسم، تا مین حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و پیشرفت همه محانبه کشور را تهییل و تضمین کند؛ برای تحقق جمیوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهر و روستا مبارزه می کند، بیگبار برای سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی و دمکراسی سیاسی نقطه شروع مبارزه برای این جمیوری را تشکیل میدهد، سازمان مابسی آتکه لحظه ای تبلیغ انقلابی به نفع استقرار جمیوری دمکراتیک خلق و سایر مطالبات انسانی را متوقف نماید، آماده است تا به منظور سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی و تامل دمکراسی سیاسی، استقلال، پایان دادن به جنگ ارتجاعی، حق تعیین سرنوشت خلقها و دفاع از سطح زندگی توده ها جنبه واحدی بر پایه مطالبات حداقل پرولتاریا بسا کلسه احزاب دمکرات و انقلابی که این مطالبات را می پذیرند و آماده مبارزه با هرگونه اعمال نظم پلیسی، نظامی و بوروکراتیک بر مردم هستند، تشکیل دهد، این جنبه که تنها بر مبنای بدسترس حق انقلاب برای مردم می تواند از دمکراسی انقلابی دفاع کند، با بیدار انقلاب بهیمن جانبداری نماید، و با طرد هر نوع نظام مصلحتی و حکومت مذهبی، شرکت هر نیروی سیاسی را که با این دور رژیم در گذشته عملا همکاری کرده اند، مشروط به انتقاد علنی از اعمال خیانتبار خود نماید.

۲) پرولتاریای انقلابی تنها در مبارزه سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی و دست یافتن کراسی سیاسی مبتوا ندبا دمکراسی بورژوازی

دارای وحدت اراده یا شدا و از بنر و تائید جنبه واحد، اتحادی موقت و مشروط با دمکراتیک ای بورژواست و نظا طریبا جدا دو تحکیم قدرت سیاسی در جارجوب "انقلاب دمکراتیک ملی" همراه با آنان پس از سرنگونی رژیم نیست.

۳) بلاتخریم سیاسی بهیستنادی سازمان ما برای تشکیل این جنبه در خطوط اصلی به قرار زیر است:

الف خاتمه فوری جنگ ارتجاعی ایران و عراق و سرقراری طحی عادلانه و دمکراتیک بر پایه حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران و عراق و بدون غرامت و الحاق طلبی.

ب سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی و تامل دمکراسی سیاسی:

۱) سرنگونی رژیم جمیوری اسلامی، لنسو قانون اساسی ولایت فقهی، فراخواندن مجلس مؤسسان که بنحوی آزادانه بوسیله مردم انتخاب شود.

۲) حق رای همگانی، برابر، مستقیم و محفی برای همه افرادی که به ۱۸ سالگی رسیده اند، در انتخابات همه ارگانهای دولتی و حق حررای دهنده برای انتخاب شدن در همه این ارگانها؛ نمایندگی نسبی در هرا انتخابات.

۳) آزادی بی سند و شرط عمده، بیان، مطبوعات، احما عاب، اعتصابات و تشکلهای مختلف سیاسی و صنفی؛ آزادی افراد در انتخاب شغل و محل سکونت خود؛ آزادی آنها برای سفر و اقامت در تمام نقاط کشور؛ آزادی افراد صرف نظر از حسستان، در انتخاب لباس و پوشش؛ مصونیت قانونی هر فرد و محل سکونت او؛ ممنوعیت هر نوع دخالت پلیسی در زندگی خصوصی افراد، ممنوعیت هر نوع شکنجه تحت هر عنوان؛ با زری زندانبانان توسط ارگانهای توده ای؛ آزادی زندانبانان سیاسی.

۴) النای کامل هر نوع نابرابری در حقوق قانونی کلسه شهروندان کشور صرف نظر از نژاد، جنسیت، ملیت، مذهب و اعتقادات سیاسی و اجتماعی آنها؛ برابری حقوق قانونی زنان و مردان در تمام زمینه ها و رفع هر نوع تبعیض قانونی، شرعی و اجتماعی که علیه زنان اعمال می شود؛ برابری حقوق قانونی طرفداران همه مذاهب و ادیان و همچنین افرادی که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند و در رفع هر نوع تبعیض قانونی و اجتماعی که علیه اقلیتهای مذهبی و افراد غیر مذهبی اعمال میشود.

۵) انحلال کلیه ارگانهای مسلح و سرکوبگر رژیم، اعم از سپاه پاسداران، ارتش، کمته ها، شپریانی، ژاندارمری و سبج، پلیس و سازمانهای اطلاعاتی و غیره؛ و جایگزینی تسلیح عمومی مردم بحای آنها.

۶) خودحکومتی وسیع مردم در تمام سطوح، از اداره استانی گرفته تا شهرداریها و بخشدارها؛ خودمختاری مناطق ملی؛ النای کامل اشتبا بمقامات محلی و منطقه ای، حق همه افراد برای تعقیب قانونی هرک از مقامات از طریق مجاری عادی قضایی در برابر هیئت منصفه.

۷) انحلال کلسه دادگاههای شش سرع و دادگاههای ویژه (نظامی و غیر نظامی)، انتخاباتی

بودن قضات و همه مقامات نظامی و غیر نظامی بوسیله مردم.

۸) جدائی کامل دین از دولت؛ جدائی کامل دین از نظام آموزشی؛ النای هرگونه کلسه دولتی به موسسات مذهبی و فعالیتهای آن؛ الناء مذهب رسمی؛ آزادی همه افراد در دادگاه یا نداشتن مذهب؛ آزادی آنها در تبلیغات مذهب و صدمدهسی؛ ممنوعیت هر نوع تقشش و پرسیا در باره مذهب افراد و اعتقاد آنها عدم اعتقاد آنها به هر نوع مذهب.

۹) حق همه افراد در استفاده از زبان مادری خود؛ آزادی همه ملیتها و اقوام در کسب گرفتن زبان مادری خود در مدارس، ادارات و مساند جمعی در مناطق خود مختار ملی و در حوزه خود حکومتی های محلی.

۱۰) حق همه ملیتهای ساکن ایران در سرنوشت خود، از جمله در جدائی کامل و تشکیل دستمستقل، اتحاد همه ملیتهای ساکن ایران با بد پایه داد و طلبا به انجام شود، نه از طریق اعمد زور علیه آنها، سازمان ماکه عمیقا همبستگی با مبارزات ملل برای کسب حق تعیین سرنوشت بویژه مبارزات خلق کرد و بلوچ که ساکنان سبار رژیم شاه و جمیوری اسلامی جنگیده اند، اب می دارد، خودمختاری را بعنوان شکل معسنت اتحاد خلقها پیشنها می کند.

۱۱) کنترل کامل و دمکراتیک مردم رادیو و تلویزیون مرکزی کشور و کنترل کامل ارگانهای خود حکومتی محلی و منطقه ای مردم رادیو و تلویزیون محلی و منطقه ای؛ غیر مذهب بودن رادیو و تلویزیون.

ج استقلال از امپریالیسم و نظارتگاه سیاست خارجی

۱) لغو اکید دیپلماتی سری؛

۲) برابری حقوق کلسه ملل و پشتیبان مادی و معنوی از جنبشهای انقلابی کارگران؛

۳) مبارزه بیگیر علیه بان اسلامیت سیاستهای تروریستی آن در سطح منطقه و جهان؛

۴) دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم؛ امیرالیه دول مرشح عرب؛

۵) مبارزه علیه سیاستهای جنگ افروز توسعه طلبانه و نوسمتمراتی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه جهان؛ و حمایت از جنبش کشورهای غیر متعصب؛

۶) افشاء و لغو قراردادها و اسارتب اقتصاد، سیاسی و نظامی امپریالیستی؛

د دفاع از سطح زندگی و معیشت کارگر و عموم زحمتکشان:

۱) کارگران: (الف) ساعت کار در روز، دور و در محل بی سربدی در هغه در تمام کارگاه برای تمام کارگران؛ تعیین حداقل دستم رسمی با تعویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه وسائل معیشت و رفاه خانواده؛ لغو و افزایش سطح دستمزدها متناسب با افزایش سبای وسائل معیشت و نرخ تسور؛ انحلال احمنها و شوراها؛ اس...

زادی تشکل اتحادیه‌ای

قراردادهای جمعی کار؛

(د) بیمه اجتماعی کامل کارگران، برای تمام اشکال کارمزدبگیری، برای تمام دوران بیکاری، برای تمام اشکال ازکارافتادگیی از جمله: بیماری، جراحت، کهولت سن، زایمان؛ بیمه خانواده تحت تکفل کارگردمقابل مرگ و برداخت مخارج بیمه توسط دولت و سرمایه - ازان؛ اداره موسسات بیمه توسط بیمه‌شدگان.

(ه) تامین مشارکت سازمانهای کارگری، رارزشیابی مشاغل وتنظیم یک نظام واحد غلبی در سطح کشور.

(و) برابری کامل حقوق زنان با مردان، برابری کارمندی، ممنوعیت کارزنسنسور شده‌های مضربرای سلامت آنان؛ برخورداری زنان نارگر، عروزیقبل و عروزیبعد از زایمان، از مرخصی با حقوق کامل و خدمات درمانی و داروئی رایگان. (ز) ممنوعیت کار تمام وقت برای افراد کمتر از ۱۸ سال و محدودیت ساعات کار روزانه فراد تا ۱۶ تا ۱۸ ساله به چهار ساعت؛ و ممنوعیت بکارگیری و کارهای سخت وزیان آور برای افراد ترا از ۱۸ سال در شهروستا.

(ج) ممنوعیت اضافه کاری و قطعگیاری، اضافه کاری در مورد کارهای ویژه همچون در محصول، ریا در شرایط اضطراری، فقط بنا به نظر سازمانهای نازگری مجاز خواهد بود.

(ط) تشکیل یک هیات بازرسی کارگری منتخب سازمانهای کارگری به هزینه دولت در تمام بنگاههایی که کارگردبگیری در اختیار دارند. بازرسی کارگری باید خدمتکاران خانگی رانیسز زیر پوشش بگیرد.

(ی) وضع قوانین بهداشتی برای تاملس بهداشت محیط کار و حمایت از زندگی و سلامت کارگران در تمام بنگاههایی که کارگردبگیر در اختیار دارند.

(ک) تدوین قانون کار با مشارکت سازمانهای کارگری و شمول قانون کار، بر تمام کارگران بخش دولتی، خصوصی، صنعتی، کشاورزی، دانشمسی، فنی، خدماتی، جادرنشینی و سایر کارگران خانگی.

۴ **زحمتکشان و کارمندان**؛ (الف) بیمه بیکاری مکفی جریایه جدا قتل دستمزدبگیری زحمتکشان شهری و روستایی، (ب) افزایش حقوق کارمندان کم درآمد متناسب با تورم و افزایش قیمت کالاها (ج) معرفی ج) برقراری کنترل تشبیت قیمتتها به وسیله کمیته تعیین قیمتتها مرکب از نمایندگان مجامع کارگری، اتحادیه های کارگری و کارمندی، تعاونی های محسرف، سازمانهای کشاورزان، زحمتکشان شهری وزنان خانه دار.

۵ **مسکن**؛ (الف) کاهش و تشبیت اجاره های مسکن توسط دولت، بنحوی که اجاره بها سهم نا چیزی از درآمد اکثریت کم درآمد جمعیت را بخود اختصاص دهد و اعمال کنترل بر آن از طریق نمایندگان سندیکا های مستاجرین، اتحادیه های کارگری و ارگانهای خود حکومتی محلی در شهروستا.

(ب) ممنوعیت دریافت هرگونه ودیعه، پیش پرداخت و حق دلالی از مستاجرین و لغو فوری تمامی قوانین دایر بر تخریب منازل زحمتکشان

در خارج از محدوده شهرها.

(ج) افزایش دستمزد و حقوق، متناسب با افزایش هزینه مسکن، برداخت هزینه مسکن بسه بیکاران و کمک هزینه مسکن به خانواده های که اجاره بها میسکن آنان با توجه به جمعیت خانوار و سطح درآمد، فرا ترا زحمتکشان تعیین شده توسط دولت است.

(د) تشکیل هیاتهای بازرسی مسکن، منتخب سازمانهای کارگری بمنظور کنترل شرایط بهداشتی و خدماتی و درجه تراکم جمعیت در منازل مسکونی کارگران شهری و کارگران کشاورزی؛ و کنترل مسکنی که از طرف کارفرمایان در اختیار کارگران شهروستا گذاشته می شود، از لحاظ شرایط اجاره بها، مقررات دروسی این مسکن و عدم مداخله کارفرمایان در زندگی خصوصی و فعالیت ساکنین این منازل بعنوان شهروندان آزاد.

۶ **بهداشت**؛ (الف) ایجاد شبکه های خدمات جامع تندرستی از طریق ادغام و توزیع کلیه امکانات موجود و تربیت کارکنان و تجهیزات، مراکز مورد لزوم که بعنوان تنها نظام و بصورتی یکپارچه و همگن همه اهالی را با اولویت بهداشت و پیشگیری تحت پوشش قرار دهد.

(ب) اجرای قاطع موازین بهداشتی در مقیاس وسیع به نفع کارگران و زحمتکشان و کنترل آن توسط ارگانهای خود حکومتی محلی و منطقه ای تا نظیر: بهداشت مراکز عمومی و مناطق و محلات از حیث خاک، آب و هوا؛ سازماندهی اقدامات درمانی به منظور پیشگیری از بروز، اسهال و شیوع بیماریهای مری.

(ج) مبارزه با بیماریهای اجتماعی (اعتیاد، امراض مقاربتی، الکلیسم، سل و غیره).

(د) تعرفه گذاری دقیق حق ویزیت پزشکان توسط دولت در سراسر کشور، متناسب با سطح تخصص و محل و شرایط کار پزشکان و اعمال کنترل بر آن از طریق هیاتهای بازرسی مرکب از سازمانهای کارگران و زحمتکشان و نمایندگان منتخب بیمه شدگان و با مشارکت پزشکان.

(ه) تعمیم امکانات و تسهیلات ورزشی عنوان جزئی از حق تندرستی مردم از طریق ارائه خدمات رایگان در تمام سطوح. الف) هرگونه ممنوعیت و تبعیض جنسی و مذهبی در ورزش و آزادی انواع ورزشهایی که برای سلامت افراد زیان آور نباشد.

۷ **تعلیم و تربیت**؛

الف) آموزش و پرورش رایگان و اجباری عمومی کودکان و نوجوانان هر دو جنس تا ۱۶ سالگی. آموزش فنی کودکان به موازات آموزش مسواد نظری و آشنا ساختن دقیق آنها با کارهای مولد مورد نیاز جامعه.

(ب) تامین هزینه غذا، سواک و وسائل تحصیل محملات از طرف دولت.

(ج) اداره دمکراتیک آموزش عمومی سوسبله ارگانهای خود حکومتی محلی و منطقه ای مردم؛ عدم مداخله حکومت مرکزی در اداره آموزش عمومی با انتخاب معلمان، انتخابی بودن معلمان مستقیما از طرف مردم و حق مردم در تعویض معلمان نامطلوب.

(د) لغو شهریه دانشگاهها، انتخابی بودن مقامات دانشگاهی و اداره دموکراتیک دانشگاهها

توسط دانشجویان، آزادی اتحادیه های دانشجویی، لغو هرگونه تبعیض جنسی و مذهبی و تفتیش عقیدتی برای ورود به دانشگاهها و انتخاب رشته های تحصیلی.

۳ **دهقانان**؛ (الف) ماده کلیه زمینهای زرت مالکان، توسط دهقانان و واگذاری آنها به کمیته های دهقانی برای بهره برداری از راضی.

(ب) لغو کلیه دیون دهقانان بابت اقساط زمینها، وامها، رهن و بهره آنها به دولت، بانکها، موسسات مالی، ملاکین و ربا خواران.

(ج) لغو بقایای نظام سهم بری و نصف کاری، لغو اجاره بها مالکانه برای دهقانان بسی زمین، فقیر و میان حال.

(د) ملی کردن رهن، برداخت وامهای با بهره فوق العاده نازل، بازاریابی رایگان محصولات دهقانان توسط دولت.

(ه) رایگان کردن امر دعای حقوقی و قضایی برای دهقانان.

(و) برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری با توجه به ویژگیهای کار کشاورزی.

۸ **اقداماتی به منظور دمکراتیزاسیون اقتصاد و تامین منابع لازم برای دفاع از سطح زندگی توده ها**؛

(۱) کلیه صنایع، موسسات و معادنی که تاکنون دولتی شده اند، در اختیار دولت باقی خواهد ماند و علاوه بر آنها کلیه موسسات اقتصادی که تحت پوشش سنا دهی اسلامی دولت قرار دارند و با متعلق به دستگاه مذهبی و روحانی می باشند، ماده شده در اختیار دولت قرار خواهند گرفت.

(۲) انقای تمامی مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی سردرآمد، امسوال، وارث.

(۳) اجرای تدا سرفوری برای ترمیم و باسازی خراسنها و سراسهای سانی ارجح.

برای سرکونی رژیم جمهوری اسلامی دست یافتن به اهداف فوق سنا ز همه انگال مبارزه استفا ده شود، در عین حال لازم است که سرنگونی این رژیم بدون مبارزه مسلحانه توده ای امکان نابد راست.

★

مبارزه مشترک حول سلاتفرم مذکور که در برگیرنده مطالبات انتقالی و سرنامه حداکثر ماسی باشد، سبجوجه بدان معناست که ما از تبلیغات انقلابی خود برای مطالبات انتقالی و سوسیا لیسف فروگذار نمائیم. شرط همنگی مادر هرگونه ائتلاف وجهه ای عبارت خواهد بود از حیو تبلیغات و تشکلات و ائتفا دزادانه و مستفلاسه ما از کلیه احزاب دمکراتی که با آنها حول مسائل مشخص موقتا ائتلاف مسما شیم.

بعلاوه اقدامات سانی از این فطنانه سبجج وجهه سنا پیدا مکان احراف از سرنامه و تاکتیکهای کمونیستی و پرولتری سازمان ما را بوجود آورد، بلکه فقط با یدر خدمت مبارزه متحد و همزمان علیه رژیم جمهوری اسلامی توده سنج دمکراسی سیاسی سنا ت

برای رفع فلاکت و قحطی، باید مسبب آنرا از میان برداشت

فلاکت سدا دمی کید و معروف میسکت سا و ح خودمی رسد. نوده های زمکنس وحنی اقتسار مساسی حاصه برای نامین حدافل مفاں ندسدا در مضغه اند. دامنه کمسود و ناسی روز سرور گسترده نرمی سود و در سال جاری به صدها کسالای ضروری رسیده، سا جاشکه دامسکرا طمسال شرخوا روکودگان دبستانن نده به سر حنک و نوشت اهرار هم سزایت کرده است. تورم مزمن که یکسبی از عوارض سرما بیداری است بدلیل استشاری رسیروسیه ویی بشتوانه اسکاس هر سال از سال پیش بدتر شده، سرعتی از کنترل خارج گردیده و گوشیی نه پایانی بر آن متصور است و نه چشم اسدازی برای مهارش!

رژیم که در سال های اول جنگ با حیره - سندی اقلامی از کالاهای ضروری مدعی بود تورم را مهار کرده، طی سال جاری که بیابان خسود نزدیک می شود نتوانسته است بیش از سی درصد از کالاهای حیره بندی شده را تحویل دهد. کسره دربار زار به کبلوئی با نمدتومان، گوشت دو بیست و پنجاه تومان، سرنج ۹ تومان، تخم مرغ صد تومان، پنیر ایرانی صد و چهل تومان رسیده و با این قیمت ها با زهم دربار زار اکسیرند و حکم کیمیا دارند! و دولت هر روز وعده تازه تری برای وارد کردن شیر خشک، کره با پنیر می دهد. کیهان (۶۵/۱۰/۷) کودکسان دبستانی محصورند ماها سا یک دفتر چهل برگسی به قیمت ۲۵ تومان سرکنند و یکی از نما بندگان مجلس از معلمان می خواهد به دانش آموزان مشق شب ندهند تا نیازی بدفتر و خودکا ریبشتر نیفتد. لاند کودگان شرخوا هم هر کدام باید دوسه سالی سرکنند تا سهمیه شیر خشک بدانان هم برسد! دفر و شوگاههای دولتی سعوض تحویل کالاهای کوپینی اجناس به نرخ آزاد عرضه می شود تا از ما بهتران خرید کنند. (کیهان ۶۵/۱۰/۲)

گذشته از اینکه درباریان قرن بیستم هتیر میلیون ها هموطن ما باید در کشوری که روی درباری نفت و گوار قرار دارد - سوخت زمسانی و طبخشان را از مدفوع حیوانات تا مین کنند، سردم شهرهای بزرگی چون تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و کرمان نشاء که دارای بالاشگاه هستند حدافل سهمیه سوخت را سیر نمی دهند تا هر سده حدافل مصرف! بطوریکه نفت دربار زار سیاه لستری ده تا سیست تومان خرید و فروش می شود. حاموشی سرق در شان نه روز از ۱۲ ساعت تحا وزمی کید و سرما بطور حدی جان کودگان و حتی سزرگسالان را نهدند می کسد. با وجود همه این بدختی ها و مشکلاتی که گریبا تکبیر همگان است دست ها و حیب ها خالی است و این هم مزید سرعلت می شود و اسنگ برای توده ها این مساله مطرح است که موجبات این همه مشکلات چیست و فلاکت عمومی کی بیابان می رسد؟

ظا هر رژیم بمنظور مسازنه با تورم اما در واقع برای تا مین هزینه جنگ ارتحای به حقوق ها مهار زده و طی هفت سال گذشته ضریب

حقوق ها ثابت مانده! و طی همن مدت قدرت خرید پول بر اساس نرخ رسمی (بانک مرکسزی) حدود شصت درصد بر اساس نرخ واقعی تورم بیش از بار صد درصد بایش آمده است. انحصادی سابقه در آمد حقوق بگیران (کارگران و کادرمندان) را دو مساله دیگر تهدید می کند، یکی اخراج و سکار شدن صدها هزار کارگر و کادرمندان بدلیل سیاسی - ایدئولوژیک و یا سودمندان و اولسه که مرتسبا به میلیون ها بیکار حاصه ملحق می شوند و مساله دوم سرکسه کردن نوده ها است که به بیانه های مختلف شندرغا زدر آمدکارگران و زحمکنشان مورد دستبرد و تحا و زقراری گیرد و این در حالی است که رژیم برای نهادهای ارتحای سرکوسگر و کارگزاران مزدور مثل ریگ پول می ریزد و افسار تورم را رها می سازد!

کسب سودهای سرتا و سرما بیهای با آورده سنبوه خود بیانگرو اقعیت فلاکت توده ها است، سوز و آوری تحاره فراوان دارد حد اکثر استفاده را از موقعیت موجود سعمل آورده، در این آشفتنه با زار سودهای کلان به حسب می زند، غارتگری های این بخش سندی چشمگیر است که سرمداران رژیم برای عوام فرسسی لازم می بینند، برای ترسسه خودسه آن حمله کنند: "در شرایط کنونی حاصه و کمبودهای سانی از جنگ عدهای با در آمد های سرتا ربه غارت و ثروت اندوزی مشغولند." (ماتنی - کیهان ۶۵/۱۰/۶). کیهه گنا دبا زاربان طمساع و سرمداران حکومتی پرشدنی نیست و هر روز گنا دترمی شود. در شرایطی که انواع و اقسام مالیات های مسقیم و غیر مسقیم بر حمتکنسان و حقوق بگیران سحمل می شود با زاربان سنا پرداخت سهم امام به خصسی و دیگر سرمداران حکومتی ارباب سچا و ل و سعامگری های بی حد و حصر خود مالیاتی نمی سزاندند. این مساله آنقدر مهم است که وزیر سرما به بودجه تر مکنسان سه بدون آنکه از زاربان نام سردرم مالیات اخذ نشده بحث خدمات را در طول چند سال جنگ ۵۰۰۰/۵۰۰۰ میلیارد دربار سز آورد می کند. (کیهان ۶۵/۱۰/۹). با در نظر گرفتن حتی پنجاه درصد ضریب مالیات زمان جنگ معلوم می شود آقا بان چرتکه انداز با زاری طی شش سال حدافل یکپهزار ملیبارد تومان سودخالصی به جیب زده اند!

اما کمبود ارز و تداوم جنگ ارتحای بیش از سایر عوامل، فقر و فلاکت توده ها را تشدید می کند. در یکسال گذشته که هشت قسمت نفت از بسک سووشا رهواشی عراق بر روی نفتکش ها و ترمینال های نفتی از سوی دیگر، کمبود ارز را بشکل جدی مطرح ساخته است. رژیم که در چند سال اخیر با زدن حوب حراج بر نفت علاوه بر ارز لازم برای خرید های کلان نظا می و برکردن زرا د خا نه جنگی و سوز و کراسی دولتی و نظا می، می توانست بخشی از کالاهای مصرفی مورد نیاز (مواد غذایی، دارو، بوشاک، نوشت افزا رومواد نسجه ساخته

منابع مونتاز) را هم وارد کند، امروزه برای تا مین حتی نیازمندی های جنگ ارتحای - مسابا لیسیم پناه می برد. روی آوردن رژیم به مسابا سح داخلی برای تا مین سلاح و مهمات نشاندن بارزگان هزارزی است. نه فقط رژیم نمی تواند از زکافی برای تا مین حدافل نیازمندی ها عمومی اختصا ص بدهد بلکه با شکل گوناگون سنا رهای جنگ ارتحای را هم بر توده ها تحمیل می سازد. این تحمیل با کمک های سز دوستا سز مردم به هموطنان سبل زده گسترش یافته و قسم اعظم این کمک ها بسوض مناطق سبل زده از جبهه سردر آورده است. روزنا مکیهان از قسوم حاصه ای می گوید: "امام حصه تهران در مسور سبل اخسرضی شکرار کمک های مردم، خاطرنا ساخت که این کمک ها البته حصه و جنگ راجعت اشعا فرار سدا در مردم در کمک ها سنان و هجسب سبل رنگان سار هم سنان دادند که حگ را هم سنا در اولوست می سسند." بران بی سانی سسب ما کمک های مردمی را بس سبل رنگان و حصه سسب سسب کردم! (کیهان ۶۵/۱۰/۶). کاه سسب از سرای کالاهای مصرفی حسانی در طی سال جاری که سسرتس سنا را بر توده ها منتقل ساخته است از پنجاه درصد تا ۹۰ درصد سوده مثلاً در مسور سزخانه که سخت مسور سنا زاست از رقم با چیر ۱۵۵ میلیون دلار سال ۴۰ پنجاه و پنج درصد گاهن به رفس ۷۰ میلیون دلار رسیده! (کیهان ۶۵/۱۰/۷). نقل از سخنانی نخست وزیر). حال آنکه کلیف سنا ب کالاهار روشن است!

رژیم ارتحای جمهوری اسلامی همچنا بر طبل جنگ می کوید و عرصه را بر توده ها تنگ می سازد. جنگ ارتحای به جنگی فرسایشی مند شده و علاوه بر اینکه با خون صدها هزار رنفس می چر خد تمام منابع اقتصادی، صنعتی و حیات کشور را به نابودی می کشد. چرخ اقتصاد دروز سبرو کند و تر و انهدام منابع سستر، دامنه فقر سنا سودی گسترده تر و تنگدستی و درماندگی افزون ت می شود. رژیم خونخوا رنفسا برای چرخش آسنا، جنگ جزتجا و زوغارت با زهم بیشتر کارگر و زحمکنشان سرتا مه ای ندارد. هر روز بر شسد، سرکوب و اختناق می افزاید تا بتواند به حیا، نتگینش ادا مه دهد. برای غلبه بر این همه نابسا مانی و برای پایان دادن به فقر و فلاکت موجود و برای ایجاد حاصه ای مترقی و دموکراتی و برای برقراری آزادی و سوسبا لیسیم و مقدم به هر چیز برای برقراری صلح عادلانه باید حیا، سسکنین جمهوری اسلامی پایان داد.



"بند ۲۰۹" شکنجه گاه اندرونی اوپن!

انقلابی، یک شعبه مخصوص مجاهدین و تعدادی با رجاو زبا که بآهرد و شعبه کاردی کردند در این بنا مستقر شدند. مزدوری بنا م "مالک" سمت سر با زوجی و ریاست زندان را دارا بود. مالک که قبلاً در دادستانی مرکز سمت "شاتی" داشت در ادیت و آزار زندان نیان دست با زوها را از دست بسته بود. و بیچین دلیل ارتقاء مقام بافت. علاوه بر مالک شریترین باساران و با زوها ی اوپن در این بندبکا رگماشته شدند و چینی ساختند کم نظیر!

با وجود اینکه تمام مزدوران رژیم در سرکوب انقلابیون و شدت عمل وحدت نظر داشتند اما "سند ۲۰۹" شاهد درگیری و تضاد مستمر دادستانی و سپاه بود و بالاخره سپاه از "سند ۲۰۹" رفت. با خروج سپاه در سال ۶۲ و سپاه کردن طرح جدایی ایدئولوژیک زندان ها، "سند ۲۰۹" به کمیونست ها اختصاص یافت و شعبه دادستانی با تجدید سازمان در کناره شعبه ۶ قرار گرفت. در داخل شعبه ها تقسیمات دقیق تر انجام گرفته در شعبه ۶ احسان سرا زوجی مخصوص "راه کارگر"، "میسدی ویژه" "قلیت" و یکسردیگر مخصوص سایر کمیونست ها است. این تقسیم بندی در مورد شعبه ۵ هم وجود دارد و برای هر کدام از هر دو جرسا "اکسرت" و حزب توده یک سرا زوجی مخصوص وجود دارد. وزیر نظر هر کدام تعدادی بازجو و شکنجه گرا می کنند.

سند ۲۰۹ و شکنجه گاه تاریخی آن در پنج سال گذشته شاهد مقاومت درختان صدها تن از رمقای ما و دیگر نیروهای چنانقلابی و مجاهد بوده است. رفیق "سربین نقاشی" راهفته ها با دستبند قفسی در شکنجه گاه نگه داری شدند و تا هشت ماه شکنجه می کردند. شاداراده استوارش را بشکنند! اما هرگز موفق نشدند. رفیق یوسف آل ناری که سعادت فشار دستبند مح های او آسیب دیده بود و چند بار رگوش اضافی کف پاهایش را (که سعادت شکنجه بالآمده بود) ناچار جراحی کرده بودند هم سلولی هایش می گفته حالاً لاهسا کاردا رسم ما کمیونست ها باید تا بت کنیم برخلاف ادعای خائنین و تسلیم طلبان ما رکبیم در ایران به "بن بست" نرسیده و مارکسیست های واقعی همچنان می رزمند! رفیق نورالدین ریاحی را پس از هفت ماه شکنجه بر روی برانک وارد بدادگاه می برند. رفیق هنگام عسور از راهرو دادسرا و سله های دادگاه شعاری دهد. مزدوران دادستانی به پاسداران همراه رفیق می گویند چرا "صدای اینوخفه نمی کنید!"؟ پاسداران می گویند بند ۲۰۹ نتوانسته حالامی توانیم؟! آری شکنجه گاه که آخرین تیرتیر کش دشمن است اینگونه توسط فرزندان شایسته انقلاب فتح می شود. در فریاد بیروزی که سایر دگرزندان با راه انقلابی کارگزاران و زحمتکاران کشوده خوانده مقامت درختان انقلابیون آفتابی ترمی شود! ما درود بر تمام آنان که ایستاده اند! دشمن را بستوه آورده اند!

می گیرد!

در هر یک از سلول های این بند از پنج تا هشت نفر بر می برند. هر سلول تنها بوسیله پنجره کوچکی که در سقف نصب شده و از پشت با ما زوسته می شوبه فضای خارج راه دارد. پاسداران رژیم بمیل خود پنجره ها را با زوبسته می کنند و بسیار آن داخل سلول ها را دیدمی زنند که چندین مورد اعتراف شدیدی از زندانی را موجب گردیده! در هر سلول توالی و دستبندی کوچکی احداث شده که باعث آلودگی شدید هوای سلول می شود. از طریق شکاف کوچکی در درب آهنی سلول ظرف غذا رد و بدل می نمایند و در نتیجه جز در موارد محدود (حاضر) به ما زجوئی و سردن به حمام یا هوا خوری (درب سلول بسته می ماند، و بدین ترتیب در بهترین حالت که پنج نفر در سلول باشند هر نفر در نود سانتی متر مربع و در هنگام میکه در هر سلول هشت نفر باشند، در پنجاه سانتی متر مربع با دیروزها هفته ها سرکنند. این مقدار رفعا برای نستن یا جماسه تمسه زدن کافی نیست چه رسد بخوابیدن و استراحت کردن! تازه باید در نظر داشت در سلول زندان کودگانی هم اضافه می شوند!

وضعیت جسمی و روحی کودگانی که به ما در این سلول در سلول زندگی می کنند غم انگیز است. کمبود مواد غذایی، دشواری تنفس و عفونت هوا، نبود وسایل بازی و سرگرمی و نبود فضای برای بازی و جست و خیز کودگان را بر سر چند چشون می رساند و دیوانه کننده تر از آن، اینکه مادران از کودگان را دور نگه می دارند. کودگانی که در سلول سنگ و بار یک ارسر بوت مادری اطلاع می ما سد و حکما که آرزوی و مال مادریه بحسب می نبودند کودگانی با سفاک بکیده و با های ورم کرده و آساده وی روسومی شود، مادری که قادر است بر روی باها را برنگرد. کودگان در سلول گاه دحارساماری شده و یک نفس جمع می کنند تا با در سلول رهایی نمانند. مادرا نکه هر گرا صر نیستند لحظه از مرز سدانشان جدا شوند بچریک و ناگسی موسل می شوبند تا شرب حداثی فرزند دلسدسان را از سلول تنگ و نارنگ بدهند. بسیاری از این کودگان پس از رهایی از بند هر گرا ضرر سازگشت به اوس برای ملاقات پدر، مادر و سایر سگان نزدیک در زندان نیستند. سند ۲۰۹ یک زندان محدود با سلول اسفرادی تلقی می شود. با زجوئی آن طولانی است و دژطی اس مدت زندانی ارحق ملاقات و مکاتبت با ستگان محروم می ماند مگر در موارد استثنائی!

سیستم اداره "بند ۲۰۹" طی سال های (۶۲ تا ۶۵) الکوئی از "کمیته توحید" با "کمیته مشترک" بوده و با زوها ی ساه در کناره زوها ی دادستانی مرکز وظیفه سرکوب، با زجوئی و شکنجه عناصر خصه کمیونست ها و مجاهدین را مشترک انجام می دادند. شعبه دادستانی ویژه کمیونست های

در حرمان انقلاب بیچی که زندان های آهه همت توده های انقلابی گسوده شد و قتل زده های تودر توبرداشته شد و زندان مخوف اوپن در وزی در معرض دید هموطنان آزادخواه قرار رفت، یکی از شکنجه گاه های متعددی که سشترین نجکای را سرا تکمخت همس زندانی سود که آموز بند ۲۰۹ "نامده می شود.

این شکنجه گاه در کناره های چهارگانه زمین واقع گردیده و به بیداری و بند مح های ۲۰ متعل است. ساختمان بند در دامنه تبه های زمین بنا شده در دل کوه فرورفته و ارتفاع آن سا یوطه بیرونی "جهل پله" است. سند مستقی قعی یک شکنجه گاه استثنائی و فوق العاده رن صهیونستی است و بنای بجمده آن دستاورد بندسین اسرائیلی بوده، در نوع خود مجهزترین بنجه گاه موجود می باشد. ساختمان در دو طبقه اگردیده. طبقه زیرین فقط یک شکنجه گاه است و در طبقه دوم چندین اتاق مخصوص با زجوئی، کچپانی و تهر دیدف سلول ده تائی با بعداد ۲/۱ در ۱/۸ وجود دارد. در هر ردیف یک سلول به ام و ساندازه یک سلول در انتهای هر راهرو سه اخوری اختصاص یافته است. روی هوا خوری را با برانیت "پوشاننده اندام اطراف آن تا ودی با زاست و هنگام با رندگی در معرض برف ارا ن قرار می گیرد. مزدوران رژیم اغلسب قات این هوا خوری ها را سه زندانی استثنائی اختصاص دهند که از سندهای دیگر اوپن برای با زجوئی اخوانده می شوند. توقف چند سانه روز در هوای دیدون بی تو و یوناک مناسب بیماری وضعیف می بدنال می آورد و این عمل بصورت شکنجه آدی در آمده! زیرا سرما سبب ترا زهر چند بگری دانی را زیای در می آورد.

هر چند در تمام اتاق های با زجوئی وسایل سزار شکنجه گاه مل است و سروصدای شکنجه رهای سیمانی و درهای فولادی را شکا فته تمام سلول ها انعکاس می یابد، اما شکنجه گاه سی وسیاه جال واقعی در عمق زمین و زیر بند ن دارد. شکنجه گاه بی بدون منفذ که تنها سله بله های چندی ساه اروپا لامنته سی شود، ازار و آلات اس شکنجه گاه مستدرن بیعیست مزدوران اسلامی سرمایه و شکنجه گران باللیی تکمیل می ساید. تمام ازارهای سده "سوک الکریکی"، "ساتون برقی"، "تولوی" بوبا نیمکت برقی"، "ازارهای ویژه آبخن" اراخواهی دادن در کناره تحت و شلاق مجموعا در ابسی حه گاه کار برد دارد. سنانه رور تعدادی مرتسا بسته می شوبند و گوشت باها ستان در زسرای قی س می شود و با ازار دستبند سانی در کف انی، لوله شده، بخود می بیچند و با از سوزنی هها و بسن نه های سوخته در فنانند و گاه سی ات زندانی ما هیا حاتم بسته در ابسین حه گاه مسترا تحت انواع شکنجه ها قرار

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات زندانیان سیاسی بیا خرید!

شرکت ایرانا

اس کارخانه در حادۀ مخصوص کرج واقع شده است و در حدود دو هزار کارگر دارد. تولیدات عمده اس شرکت، کاشی می باشد. مبرماه امسال، اس کارخانه به ۸۵۰ نفر از کارگران خود یعنی ۲۷ تا ۵۷ هزار رومان سود پرداخت نمود. این ساله منحصره اعراضی سایر کارگران گردیدند. حربان از این قرار بود که در سال ۵۴ تعدادی سهام که تقریباً ۳۳ درصد سهام شرکت سودیسی کارگران تقسیم گردید و تنها ۸۵۰ تن از کارگران، این مقدار سهام را خریدند. البته خرید اس سهام بصورت نقدی نبود و خریداران سهام فقط اعلام کردند که حاضرند سهم بخردند و ما حساب اصلی کارخانه نیز به حساب کارگران شریک شده در سهام، و به نسبت سهامشان، از باسک کسرتش آن زمان پول دریافت نمودند و بدین طریق پول هنگفتی نصیب سرما به دار شد و توانست سرمایه کلانی دست آورد. اقساط این وامها نیز از طریق سود کارخانه پرداخت گردید و در سال ۶۳ اقساط این وامها بیا این رسید و امسال نیز فقط سود سال ۶۳ را بین کارگران تقسیم کردند و بقیه کارگرانی که در طی این مدت از کارخانه اخراج یا مستعفی شده بودند و ولی در سهام شریک بودند نیز اطلاع دادند که برای گرفتن سودها مثلاً، به کارخانه مراجعه نمایند. سایر کارگران اعتراض کرده و گفتند که اگر چه ما سهم خریدیم، ولی در تولید نقش داشته ایم، چرا به ما پولی تعلق نمیگیرد. اعتراضات این کارگران رشد یافت تا اینکه از طرف بنیاد مستضعفین کمیته کارخانه به آن تعلق دارد، سا کارگران معترض صحبت شد و به آنها گفته شد در صورتیکه خواستیم سهم بنیاد و یا سرمایه دار اصلی شرکت را بفروشیم، شما اولین خریداران خواهید بود. فعلاً ما لسه تا تقسیم بقیه سهام کارخانه مکوت مانده است.

افشای شورای اسلامی

سهریاریکی از بحهای شهرسان کسرح می باشد. اهالی یکی از روستاهای این بحس نام کبوتین از شورای اسلامی محل خود خواستند تا گزارش اربعالبت و کارکرد خود ارائه دهند، ولی اعضای شورا از دادن گزارش کارکرد خود، خودداری کردند و به مردم گفتند این ساله ربطی به شما ندارم ما بده مقامات بالاتر گزارش بدهیم. مردم روستا پس از شنیدن حرفهای اعضای شورا، دست به تهیه طوماری زدند و آنرا به ستاد هماهنگی شورا های اسلامی محلات ارسال داشتند. مسئول ستاد، از نمایندگان مردم و اعضای شورا دعوت بعمل آوردند و در حله ای بدین منظور، مردم روستا به امشای عملکرد شورا ایردا چند نویسی از بصحت ها شای قرار شد که در تاریخ ۲۴/۸/۶۵، شورا گزارش از عملکرد خود به مردم ارائه دهد. امسال در تاریخ تعیین شده گزارشی داده شد و مردم تصمیم گرفتند تا روشن شدن قضایا، ساله را بگیری نمایند. مردم معنقدند که شورا ایستگی هر چند وقت بکبار مجمع عمومی بگذارد تا در آن مجمع مردم از کارکرد شورا با خبر شوند و در حین آن چگونگی فعالیت شورا قرار بگیرد.

ایران یاسا: گزارشی از انتخابات شورای اسلامی کار

حربان انتخابات شورای اسلامی کار در اس کارخانه از او احر سال ۶۴ شروع کردند. ابتدا یک هیئت موسس پنج نفره توسط مدیریت انتخاب گردید و سپس از کارگران خواسته شد که هر کس مایل است، برای شرکت در هیئت شخص صلاحیت، کاندید شود. پس از آنکه تعدادی از کارگران خود را کاندید نمودند، اسباب بکسرا زمان کاندیدها سرگرا گردید و هیئت شخص صلاحیت که مکنیل اربک بفرار و راب کار، بک بفرار طرف مدیریت و یک نماینده اربان کارگران بود، مکنیل شد و سپس از کارگرانی که مایل بودند در اسباب اعمای سورا کاندید شوند خواهسه دادا می خود راه هیئت شخص صلاحیت ارائه دهد. در مجموع پنجاه نفر خود را کاندید نمودند و پس از سرری شدن ۸ ماه و گذراندن امتحان اندشولوری کسسی و شفاهی و مصاحبه، صلاحیت ۲۳ نفر از آنها ثابت گردید و بعد از ظهر ۵/۸/۶۵، تعداد ۱۳ نفر بعنوان اعضای اصلی و علی السدل اسباب شدند. تا روز انتخابات، تبلیغات زیادی توسط کارگران و بحمی ها صورت گرفت و هر یک با معرفی تعدادی از کاندیدها تبلیغ می نمودند. بحس اسلامی تلاش زیادی نمود تا رای لازم را بدست بیاورد. در مقابل، بحمی از کارگران هم در برابر بحس اسلامی، کاندیدهای خود را معرفی می نمودند. تمام سعی مدیریت قذکا رگران بود که همه کارگران بصورت احاری ذرا اسباب شرنسنت نمایند. وی در یک ماه محرمانه از سرپرستان خواسته بود که تمامی کارگران به شیفت در انتخابات شرکت کنند و هر کس در انتخابات شرکت ننماید، با او شدیداً برخورد خواهد شد. در روز انتخابات، سرویسها دوساعت رودتر، کارگران شیفت دوم راه کارخانه آوردند، اکثریت کارگران در کارخانه حضور داشتند و ولی شیفت سه صبری بود. ابتدا از کلیه کارگران خواسته شد که کارت ساعت کار خود را در دست داشته باشند و سپس در صفوف قرار بگیرند. کارگران پس از شنیدن نام خود و دادن امضاء و مهر خوردن روی کارت ساعت کار، وارد مسجدی شدند. پس از اجتماع کارگران در مسجد، یک بفرار اداره کار کرج برای کارگران خبریانی نمود و پس از تسکیر، صدونهای رای راه کارگران شان داد که خالی ار رای می باشد. پس رای گیری شروع شد. از آنجا بکه انتخابات شورا اسکل

کفش بلا

تحمیلی و احاری بود. کارگران برای ارحسندن از خود موجود، ساعتی و سروصدا بطرف صدوقها: رای حمله و رسندن و بحی سه منحدر اسکنندگ با بحالت مدرسه برای گیری نظم بحسند شد. در مجموع ۱۱۲۸ نفر شرکت کردند و ۵۰ رای ناظ داده شده بود. بفر اول که در اسنهای ۵۹ - ۵۸ عضو شورای کارخانه بود، ۲۶۸ رای آورد. بعد از سرری فقط ده رای بدست آورد. در مجموع هفت نفر حدسبات رای را که ۱/۳ مجموع آرا بود، بدست آوردند. بحه ناسی در اسبابات دور دوم سرگردید. در زمان اس ۷ بفرکه اسباب شده اند. فقط یک بفرمان عضو بحس اسلامی می باشد که ۱۹۹ رای آورد و بحه انادی احمد سواسسدرا ی سا و رید. اس رای گیری سنا سی اعشاری و کسب بحس اسلامی، سرد کارگرا بود. بفر سرد کارگرا بحه اناسلامی نمی باشد، ولی سسه رزم موبم می باشد کارگران معنقدند که امردادی که خود را کاندید نمودند، هر یک مقام و مسئولیت در کارخانه دارند. اگر می خواستند برای کارگرا کاری کسند، می توانستند در همان مشون که دارند، فدمی بدارند، ولی ما تا حالا بح عمل آرا سنا بدیده ام که سفع کارگران باشد. می داسم که اسبا (معنقد کاندیدها) سنا کارگران کاری نمی کنند، ولی محور سس را بدهم، بحون سنا بحی بیامده برای کارگرا کار بکند، رای گیری احاری بود و اگر احسار بود، کسی رای نمی داد. کارگران در صص می گفتند: موب ساخ بحمی ها را کس. کارگرا کارگران می گفتند که وقتی بحمی ها می دیدند که رای نمی آورد، بحود می لرزیدند.

دور دوم اسبابات در روز ۲۱/۸/۶۵ بفر انتخابات بکسرا زاعمای اصلی و پنج بفر ازاعما علی السدل سرگرا گردید. روال رای گیری بشکل سابق بود و کارگرا احارادر رای گیری شرکت کردند. ما سنیحه رای گیری می دهده اسنا کارگرا توانستند بفر خود را اسورا های فرمایشی شان دهند. کس شرکت کنندگان در رای گیری ۱۵۹۹ نفر بودند. تعداد ۱۱۱۱ رای ناظ داده شد، بحمی که بشرب رای را آورد و بعنوان آرحس عواملی اسنا گردید تعداد ۴۴۵ رای را بحودا بحمی داد. اسبابها بفر سرد کارگرا عمای علی السدل سعت بقدان حدسبات مجدداً به دور بعد موبکول شد نگردد.

مدتهاست که شرکت های دولتی بعلت نداشتن ارز، دچار کمبود مواد اولیه می باشند. شرکت کفش بلانیز یکی از این شرکتها می باشد که از طرفی به بانک صنعت بدهکار می باشد و از طرف دیگر دچار کمبود ارز و ترسیدن مواد اولیه شده است. این ساله باعث گردیده که همواره از حقوق و مزایای کارگران کسرت شود و با پرداخت آن به تعویق بیفتد. برای مثال هنوز سود نیمه اول سال جاری ایرداخت نگردیده است. کارگران ابتدا با مراجعه به شورا خواهسته های خود را مطرح کردند، ولی

روزه ۱۰۰۰ دلار برای ریس از یژواک مریسا د و انانی که فریاد می زدند "دیگر این مبادکمه نیس بروی ماتین کشد... دیگر این مبادکمه ق تحصیل از ماسلب شود" نه لوزه در آمد مده بود . پس با این پیرومند جنسی بود که سه هفته پیش زان آغا زنده بود. صدها هزار تن از دانشجویان، انش آموزان ، معلمان و کارگران با ایرافراستن رامی داشته و با مشت های سرافراشته پیروزی زرگ جنبش دانشجویی فرانسه علیه دولست و رزوای را جشن گرفتند. جنبشی که فضای سیاسی رانسه را بکلی دگرگون ساخت .

جرقه این حریق با طرح "اصلاحات دانشگاهی" ، توسط وزیر آموزش عالی ، آلن دوواکه ، و نیز رج اصلاحات نظام آموزش متوسطه ، تهیه شده . وسط وزیر آموزش و پرورش ، رنه مونوری ، زده شد. جوهر ساسی این طرحها دگرگون کردن کل نظام آموزشی رانسه در جهت کاهش هزینه ای که آموزش عمومی رای دولت در بر دارد و دگرگون کردن نظام گزینش آموزش برای تطابق هر چه بیشتر با تشکلهای ماسا استه های سرمایه داران بود. طبق این طرحها مکان کسب تحصیلات عالی به برای همه ، امری که ثورثشوریک و بعنوان یک اصل در نظام تا کنونی ، رسمیت شناخته شده است . از بین می رفت و ذوه بر آن بستن شهریه های متغیر و بسیار رسالا ملا مکان کسب تحصیلات دانشگاهی توسط فرزندان ارگران و سایر اقشار کم درآمد را از بین می برد . بین طرح در حقیقت پاسخ مرتجع ترین جناح و رزوای فرانسه برای "پاسخ" به بحرانی است ، کل نظام آموزشی بورژوازی را در می نوردد . و رزوای می خواست با این طرح با هزینه سوزش عمومی را بردوش توده مردم انداخته در همان حال تنها و تنها به آن رشته هایی توجه ندکه بطور مستقیم نیازهای سازارکار را برآورده می سازند .

در حقیقت تا ثیر انقلاب صنعتی سوم در حیطه تشکله و بطور کلی آموزش ، منتج از تغییر نقش مبه یک عامل مستقیم تولید ، منجر به "بی فایده دن برخی رشته های علوم انسانی و زائد شدن برخی رشته های فنی ، عمدتاً مکانیک و مشتقات آن ، رای تولید بورژوازی شده است . اتوماسیون و سترش صنایع الکترونیک و ماشین های حسابگر ، اعث کم رنگ تر شدن هر چه بیشتر مرز بین کار فکری بدی و یکنواخت تر شدن کار تولیدی شده اند . بین بدان معنی است که امروزه دانشگاهها هر چه بیشتر در خدمت پرورش کارگرفنی و متخصص قرار رفته اند و به همین دلیل یک فارغ التحصیل استگاهی که در دهه ۵۰ و ۶۰ به مثابه عضو یزیک قشر ممتاز و پردرآمد ، با تضمین نسبتاً الاشی از امنیت شغلی ناشی از دوران رونق بین سالها ، پایه عرصه کار و تولید می گذاشت . امروز به مثابه یک جوینده کار با امید ناچیزی ه پیدا کردن کار متناسب با رشته تحصیلی مد رک خود به با سازارکار می گذارد . به لحاظ اریخی می توان گفت که با رشد تکنولوژی امروزه ک فارغ التحصیل دانشگاه در اروپا همان شانس امکانات شغلی را پیش روی دارد که یک دیپلمه بیرستانی در سالهای ۵۰ و ۶۰ داشت . بدین ترتیب به راحتی می توان موقعیت یک دیپلمه اقدردرک عالی به رسا ، ارکار امروز را دریافت .

بورژوازی در بحران قدر نیست برای انسه جوانان دانش آموزان دانشجویی که در آستانه ورود به زندگی اجتماعی مستقل هستند کار فرام کند و از طرف دیگر حاضر نیست برای چیزی که به "در تولید" ، یعنی سود ، نمی خورد پولی بپردازد . پس از یک طرف قمد آن رامی کند که تنها رشته های مورد نظر و از امکانات لازم برخوردار باشند و از طرف دیگر با لایردن شهریه و دادن حق گزینش به رؤسای دانشگاهها تنها به برجسته ترین و با استعدادترین جوانان حق کسب مدرک دانشگاهی را میدهد . نتیجه این امر پس رفت نظام دانشگاهی اروپایی به یک "مدل جهان سومی" است . نظامی

«دیگر این مباد...!»

که تنها فرزندان اقشار مرفه جامعه حق تحصیلات عالی به رادارند و تازه سهم نه همه آنها بلکه درصدی از آنها . نمونه ایران و کشورهای دیگر دانشگاهها و تفاوت درآمد رشته های مختلف فنی و غیر فنی ، الگوی خوبی برای درک این مدل قرن نوزدهمی دانشگاه می باشد . حال آنکه یکی از بزرگترین دستاوردهای جنبش کارگری و توده ای کشورهای صنعتی اروپا همانا کسب حق تحصیلات (تقریباً رایگان و بسیار ارزان) برای فرزندان اقشار محروم جامعه بوده است . بورژوازی فرانسه سرمست از پیروزی انتخاباتی خود و شادان از وضعیت نابامان جنبش اتحادیه ای کارگران و عقب نشینی های احبار کارگران در مبارزات خود برای افزایش دستمزدها و حفظ اشتغال ، تصمیم آن کرده بود که به این دستاوردها حتماً جنبشی کارگران حمله برد . آنها فکری کردند که ۲ سال پس از جنبش مه ۶۸ و رکود دهه اخیر در جنبش دانشجویی زمین به برای این تهاجم "ایدئولوژی لیبرال" آماده است . اما پاسخ خشم آکی جوانان تمام این معادلات را برهم زد . جنبش اعتراضی ، در روز ۱۷ نوامبر از "کان" و "ویل تانیز" (در حومه پاریس) آغا زد و در روزهای بعد به سرعت گسترش یافت . در آخر ماه نوامبر در تمام شهرهای اصلی فرانسه دانشجویان و دانش آموزان علیه این طرحها اعتصاب کرده و کلاسها را تحریم نموده بودند . نمایندگان دولتی اعتناء به گسترش این موج مخالفت لویج مربوطه را به مجلس بردند . این نشان میداد که دولت میخواهد کار را با سرعت "یکسره کند" و مانع از اوج گیری جنبش نشود . پاسخ دانشجویان و دانش آموزان تقریباً بلا درنگ بود . کمیته های اعتصاب که در همه جا شکل گرفته بودند نمایندگان سی به پای رس فرستادند . مجامع عمومی در تمام دانشگاهها و مدارس بزرگ تشکیل شدند و دانشجویان و دانش آموزان در آنها به اظهار نظر و انتخاب نمایندگان خود پرداختند . شکل گیری "کمیته هماهنگی دانشجویان و دانش آموزان" که با رای مستقیم نمایندگان بخش ها و مناطق مختلف انتخاب شده بود و این سازماندهی بود . اعضای این کمیته بطور منظم گزارشات را دریافت کرده و تصمیمات اتخاذ شده را ابلاغ می کردند . دانشجویان و دانش آموزان حق داشتند تا نمایندگان خود را فراخوانند و با آنها را عوض کنند . چیزی که عملاً به

تعویض هر دو روزیک با رباره ای از نمایندگان منتخب منجر شد بی آنکه کوچکترین وقفه ای در امر هدایت جنبش پیش آید . بدین ترتیب دانشجویان و دانش آموزان یک نوع دمکراسی شورائی را به اجرا درآوردند و بطور دائمی نمایندگان خود را کنترل کردند . این بهترین و متکا ملترین نمونه اجرای دمکراسی مستقیم ، پس از جنبش مه ۶۸ ، در فرانسه بود و بدین ترتیب جنبش دانشجویی فرانسه با سنتهای انقلابی سازماندهی خود تجدید عهد کرد .

روز پنجشنبه ۲۴ دسامبر دعوت کمیته هماهنگی قریب یک میلیون تن در سراسر فرانسه تظاهرات کردند . این بزرگترین تظاهرات دانشجویی در دانش آموزی تاریخ فرانسه بود . در این تظاهرات علاوه بر خود دانشجویان و دانش آموزان ، شاگردان "مدارس حرفه ای" که هیچ وجه مشمول این قانون جدید نمیشدند نیز وسیعاً شرکت کردند . این محصلین ، که عمدتاً فرزندان کارگران و مهاجرین هستند اصولاً حق آنها به تحصیل دانشگاهی را ندارند و مدرکشان تنها یک تأییدیه در داشتن فلان یا بهممان توانائی تکنیکی است . شرکت آنان ، آنهم بطور گسترده ، نشان از درجه بالائی از همبستگی جوانان و نیز غیر صنفی بودن ماهیت جنبش داشت . این اعتراض کل جوانان علیه بحران ، علیه توطئه های بورژوازی در مقابل جوانان بود . فرانسوی یا عرب ، سیاه یا سفید ، همه دست در دست هم به خیابانها آمدند . در میان سدیگهای کارگری نقش "کنفدراسیون عمومی کارگران" (ث - ژ - ت) بسیار برجسته بود . سدیگای فوق بانرزی هر چه تمامتر از خواسته های دانشجویان حمایت کرد و از کارگران دعوت کرده تا دست به اعتصاب بزنند . در مقابل دیگ سدیگها ، بخصوص "ت . ا . ف . د . ت" (نزدیک به حزب سوسیالیست) و "ا . ف . او" ("نیروی کارگری" که به "غیر صنفی بودن خود" افتخار می کند) (لنگ لنگان و با تأکیدات مکرر که " این امری صنفی و مختص دانشجویان" است و ما "تنها اعلام همبستگی می کنیم" و غیره) بدشبال جنبش دانشجویی راه رفتند و تازه ایسن هم زیر فشار شدید پایه های خود بود که بطور مستقیم خود را درگیر در این مبارزه احساس می کردند . توقف یکساعته کار در این روز ، که وسیعاً از جانب کارگران استقبال شد ، اعلان همبستگی کارگران با جنبش دانشجویان و دانش آموزان بود . در همین حال اگر معلمان فعالان در این مبارزه شرکت کردند استادان منفعل بودند . آنها در کنار این جنبش راه رفتند ، عملاً ، به جز در دانشگاه و ن سن که فعالیت استادان چشمگیرتر از جاهای دیگر بود و این خود ناشی از سنتهای کارگری - کمونیستی دیرین این دانشگاه است . در هیچ کجا استادان در کمیته ها اعتصاب شرکت نکردند و در تحریم کلاسها پیشقدم نشدند . این امر خود نشانهای غیر صنفی بودن مضمون اصلی درگیری بود : استادان به مثابه یک قشر پردرآمد خود را شریک در دانشجویان احساس نمی کردند و بیشتر به فکر حقوق از دست رفته روزهای اعتصاب بودند .

دولت شیرا که که با دعا عظیم تظاهرات پنجشنبه ،

گینش کرده بود، اعلام کرد که دانشجویان و دانش آموزان طرح را "درست نفهمیده اند" و بنا بر این سه سند مورد اعتراض را "ناانجام بحسب و گفتگوی لازم حول آنها" پس گرفت! پاسخ جوانان به این ماسور ادامه اعتصاب و اشغال دانشگاهها بود، آنها خواستار ریس گرفتن کامل بدون قید و شرط این طرح بودند.

تا اینها شعارهای دانشجویان و دانش - آموزان بطور غالب صنعتی بود و در مقابل برخی خشونت های پلیس که مدام روبه افزایش بود، تنها به شعار "پلیسها فرزندان شما هم دانش آموزید" اکتفا میشد. جنبش به اعتراض علیه یک قانون و یک وزیر محدود و مبتدا مهم این، یعنی اعتراض عمومی علیه یک قانون بورژوازی، ماهیست سفته سیاسی جنبش را، علی رغم شکل منفسی آن، بر ملامی کرد. چیزی که مایبوستن اقتشار دیگر مردم به این نهضت تقویت میشد، درگیری پلیس با تظاهرکنندگان در مقابل ساختمان مجلس، که به رخمی شدن دهها تن از آنان منجر شد و سبزه حمله روز بعد (جمعه ۱۵ دسامبر) پلیس ضدشورش به دانشجویان متحصن در دانشگاه سوربن، حورا کلی تغییر داد. در ادامه درگیریهای سوربن یک دانشجویه نام "مالک اوسکین" زبسر ضرات پلیس موتورسوار ضدشورش به شهادت رسید و با این واقعه جنبش پایه ناز جدیدی گذاشت. شعارهای مداراکننده و مسالمت جویانه شعار، "ت-ا-ر-اس-، قاتل"، "پاسکوا، قاتل" در حیا باهای پاریس طنین انداختند، نه فقط شارل پاسکوا (وزیر کشور) بلکه شرکاء بحسب و بربر هم آماج شعارهای تظاهرکنندگان قرار گرفتند. تظاهرات گسترده حیاباسی در سراسر پاریس و شهرهای اصلی فرانسه در شسه عمدنا سا شعارهای ضدپلیس، ضدوزارت کشور و بطور کلی صدولت مشمی منهدد، این با رتظاهرات علیه دولت، علیه دستگاهای سرکوب بود، توده شرک کسده در تظاهرات که با خوش خیالی فراوان و سه اعتراف تسی چند از خودشان، "با اعتما دسه سی طرمی پلیس" قدم در میدان مبارزه گذاشته بود، با واقعیت نقش سرکوب گرنشادهای دولتی و سبزه پلیس روبرو شد و هر نوع خام خیالی سی را دور انداخت، پاسخ آنها اما فرار از میدان نبود، ادامه مبارزه بود. جوانان فرانسه بهیچ وجه حاضر به خالی کردن میدان نبودند و حواب خشونت فاشیستی پلیس را با گسترش اعتصاب و یکرا رتظاهرات حیاباسی دادند، سلاان دهها دستگیری و صدها زخمی بود. شهادت "مالک" آنان را در ادامه مبارزه مهم تر کرده بود: رورهنسای بعد رورهای تظاهرات حیاباسی، تشکیل مجدد محام عمومی و رأی به ادامه اعتصاب بود. این در حالی بود که تمام احزاب بورژوازی، از جمله حزب سوسالیست، با شدت تمام روی "غیرسیاسی بودن" این جنبش و لزوم محدودمانسدن دانشجویان در چهار چوب خواسته های صنفی خود تاکید می کردند. اگر احزاب "اوب-د-اف" و "ا-ر-ب-ا-ر" که کابینه را تشکیل میدهند در مقام دفاع از دولت و "ایدئولوژی لیبرال" فسد دمکراتیک خود علیه جنبش موضع گرفته و از ایس زاویه حدا کثرتلاش و تبلیغات خود را برای محدود

کردن و عقب راندن دانشجویان و دانش آموزان بکار می بستند، حزب سوسیالیست در مقام دفاع از صلح اجتماعی و هراس از یک "مه ۶۸ دیگر" سعی در خاموش کردن شورا انقلابی جوانان و کانالیزه کردن آن در جهت اهداف انتخاباتی و پارلمانسی خود داشت. این حزب که خود در سال های ۸۳ و ۸۴ با طرح های آلن ساواری و چون مان اصلاحات مشابهی را تدارک دیده بود نمی توانست خواسته های اصلی این جنبش موافق و همدل باشد. سکوت میتران تا پایان تظاهرات و سیز محسود بودن اعتراضات نمایندگان حزب به "خشونت پلیس" از یک طرف و در عین حال محکوم کردن مؤکد "هر نوع قهر و خشونت" از طرف دیگر گویای این موضع دفاعی و فرصت طلبانه حزب سوسالیست بود. در مقابل حزب کمونیست فرانسه و سازمانهای وابسته بدان از آغاز تا پایان با جنبش جوانان همدلی کردید. سبزه نقش کارگران کمونیست در اس مان بر حسته بود. سازمان انقلابی حزب سبز فعالانه در جنبش شرکت کرد و سعی فراوانی در برقراری اتحاد عمل کارگری - دانشجویی بکار بستند. دولت شرکاء در سراسر اس "حظر" یعنی اشاعه جنبش به سایر بخشهای جمعیت، سبزه کارگران که جنبش اربیش در حنس حیاباسی شرکت می کردند و فشار زیادی بر رهبری سدیگا های خود وارد می کردند تا از سبونه "ت-ز-ت-ت" پیروی کنند، "حظری" که با پاساری جوانان و عزم آنان در ادامه مبارزه تا سه آخر بسیار حدی بود، تصمیم به عقب نشینی گرفتند. در حالیکه دانشجویان و دانش آموزان فرا حوان یک تظاهرات عمومی برای روز ۱۵ دسامبر را داده بودند و برای اولین بار بطور رسمی خطاب به سازمانهای توده ای دمکراتیک و کارگری دعوت به پیوستن کلیه اهالی به این تظاهرات را کرده بودند، دولت لایحه رایس گرفت. این یک عقب نشینی تمام و کمال و شکست بزرگ برای دولت دست راستی شرکاء بود. بدین ترتیب جوانان را دیگال یکا ردیگر، پس از مه ۶۸، سبلی محکمی به گوش "گلسنتها" نتواختند. "کمیتها هنگی" علی رغم دست یابی به هدف اعلام شده یعنی پس گرفتن بدون قید و شرط طرح فوق، اعلام داشت که بعنوان بزرگداشت رفیق شهیدشان مالک، بعنوان اعتراض به خشونت پلیس علیه دانشجویان و دانش آموزان، برای اعتراض به سایر طرهای ضد مردمی و سبزه ضد مباحری (نظیر طرح جدید کسب ملیت فرانسوی)، سرگزاری تظاهرات ۱۵ دسامبر را کمکان لازم می داند. کمیته بار دیگر از همه سدیگاها و احزاب دعوت کرد تا به این تظاهرات بپیوندند، بحر حزب کمونیست، "ت-ز-ت" و احزاب انقلابی حب دیگر، سایر سدیگاها و احزاب، در آغاز اعلام امتناع رسمی کردند. آنها گفتند که به نظرشان این حرکت "سی-مورد" و بالازم "است، چون هدف اصلی بر آورده شده است. ولی وقتی با واقعیت سبج بزرگ دانشجویان و دانش آموزان در سراسر فرانسه برای شرکت در تظاهرات ۱۵ دسامبر روبرو شدند، وقتی کارگران و بیدران و مادران فوج فوج اعلام هواداری و شرکت در تظاهرات را کردند، آنگاه همه ایس دسناات فرصت طلبانه و در روز تظاهرات اعلام همستگی و شرکت در تظاهرات را کردند. چیزی که سبج روی از چشم تظاهرکنندگان پیمان نماسد.

تظاهرات عظیم ۱۵ دسامبر سه قدرت سترک جنبش دانشجویان و دانش آموزان بود. در صبه ۲۰ کلسو منری تظاهرکنندگان که با صوح علمه دولسب علمه پلیس و نظور سبزه علمه پلیس صدورسی (ت-ا-ر-اس) و وزیر کشور شعار میدادند، به فظ دانشجویان و دانش آموزان بلکه دهها هزارا رگر و حقوق نگران دیگر حضور داشتند. ساسدیگان دانشجویان کشورهای مختلف اروپا نظیر انگلستان ایتالیا، آلمان و اسپانیا سردر تظاهرات حضور داشتند و علاوه بر آن در کشورهای مختلف تظاهرات همستگی با دانشجویان فرانسه برگزار شد که سبزه در ایتالیا و بلژیک بزرگ و چشمگیر بود. این همستگی بین المللی و این حس فوی همدردی توده دانشجویان و دانش آموزان نشان از حهران عمومی نظام آموزشی بورژوازی و دسبسه های سرمایه داران در تمام اس کشورهای علمه تحصلاات عالیه اران برای همه دارد. جوانان فرانسه بشگام اس مبارزه عمومی و بین المللی شدند پس گرفتن طرح فوق و اعلام "توقف کلیه رفرمها" از جانب دولت شرکاء بطور قطعی سه پیروزی جنبش جوانان خلط سیاسی داد. آنها سوزواری را واداره عقب سبسی سزگی کردند. این جنبش فضای سیاسی فرانسه را کلی دگرگون کرد. پس از نزدیک سه سال تهاحم ایدئولوژیک گسترده و سراسر آوروبورژوازی فرانسه در صوب جوانان، تبلیغ ایدئولوژی "هر که بکار خویش" تحت عنوان "آزادی عقیده و عمل"، تحقیر اتحاد و همستگی و خصوص تبلیغات سرتا از دروغ ضد کمونیستی، این نرضی دحار شکست حدی شد. سل جدیدی از حوان، نسلی که املاحا طرهای ارجنس کارگری - دانشجویی مه ۶۸ داشت، با سه عرصه سیاست گذاشت و درس نفرت و بی اعتمادی سه سوزواری، دولت و سبزه دستگا سرکوب آموخت. درس اتحاد، درس برادری، درس قدرت عظیم جنبش اعتماسی، درس دمکراسی مستقیم، اینها همه در مکتب نهضت بزرگ نوا سمر - دسامبر آموخته شدند. جوانان با کار بستن شوه های اصیل انتحاشاتی و دمکراتیک تفاوت میان دمکراسی مردمی و مسعم دموکراسی حرامان یا رلام - را آموختند و این نکته ای بود که "مدافعان سه خاک دمکراسی" راه و حش اسداح: "می-چ" خواهد دمکراسی را در حیا سا انحر اکسد. سها ده جمهوری سبج را زب سوال برده اند" (بطریق پاسکوا و سرکنور در مراسم دهم سالگرد حرب ا-ر-ب-ا-ر) آری حوان فهمیدند که دموکراسی را میشود می ساد در حیا سا انحر اکسد. آنها با محام عمومی و استناات دوره ای ساسدیگان خود و سبزه ساحل سنی جدار آنان که جنبش ارانکه در جهت اهداف سبج کارکنند ضد تبلیغات تلویزیونی برای خود را داشتند، معای دموکراسی مستقیم و راستس را آموختند، تعاوت مسان مانورهای پارلمانی و حق بیان و عمل مستقل و مستقیم را این سل همجسب اتحاد دستجات فاشست و نهاد سه های سرکوب را سبج دید. در روزهای ۱۵ دسامبر نقش فعالان حرب فاشست "حسه ملی" در ایچا د آشوب، آتش زدن سی مورد مغنازه ها و اتوموسلها برای تحریک و هراساندن حبع و سبج حمله سه اشغال کنندگان و متحصصن در دانشگاهها سبج را زاسود، آنها سنا سه متحد و سبج زوی "غیر حرفه ای" بقیه در نتیجه ۲۵

رکدام سقف؟

د نباله از صفحه ۱۰

جا ددرگیری فیزیکی را دنبال کنند ما حاضر سز
سزیرش آنان نخواهیم شد، مفکر "سقف" دیگری،
تا دندتا مگر به وسوسه آن ما را به قرار گرفتن
گنا رخود مجاب کنند. نشریه "اکثریت" (ارگان
رج از کشور) در شماره ۱۲۵ خود در رابطه
سؤال بالانوش: "با سخ ما چنین است: شما
نتا رو آزادید، ما در عین حال متعیدید. سه
رکسیم - لنینیم متعیدید، به جنبش چپانی
مونیستی متعیدید، به انقلاب متعیدید.
برپسای این تعید خود ایستاده ایید،
نا برایسن آن قدرها هم آزاد نیستید...
میریا لیم قاتل همه "ندر" هاست و در آنسو
وسالیم ایستاده است. آیا هنوز تریدیدها سز
ست؟ پس ما در زیر یک سقف ایستاده ایم، سقفی
ه پایه آثرا ما رکسیم - لنینیم وستونیای
ستوار آنها را کشورهای سوسالیستی واحزاب
مونیستی تشکیل می دهند." (تا کدا از ما)

بالخره ما آزاد هستیم یا نیستیم گسه
رما رزه دمکراتیک ما "اکثریتی" ها وهمجنسن
ه، ای هائی که به دمکراسی خیانت کرده اند و به
بانت خود میاهات هم می کنند، در زیر یک سقف نایستیم؟
اسخ می دهند: هم آزاد هستیم و هم نیستیم! "هستید"
یعنی "نستید" چرا؟ چون به ما رکسیم - لنینیم،
ه جنبش جهانی کمونیستی و به انقلاب متعیدیم!
اولاد تعیده ما رکسیم - لنینیم و تعید
سبت به کشورهای سوسالیستی واحزاب کمونیست،
عیار اتحاد عملها و ائتلافهای ما در سسار رزه
مکراتیک نست، جنس "سقفی"، سقف سکتا رسم
رما رزه دمکراتیک را مخس می کند. رهبران
اکثریت "اریکسوا غلام می کنند که "انجاسا حص
سای فعالیت دمکراتیک است" و "هر دلسایی"
ا در ا متاع از انجاسا دیگران نایدکنا رکدا ست
ا اصل ضرورت کسرس ما رزه دمکراتیک زرسا
ماید؛ و از سوی دیگر موقع سروها در فسال
ارکسیم - لنینیم وارد و گاه کشورهای
وسالیستی را اسخاسای قرار می دهند!
ه ران میناست که آنها ما را مدام سخطر آسکه
نجا د عمل همکاری در حارحوب مبارزه دمکراتیک
اسروهائی که موضع دوسا ه ای سس سس
رد و گاه سوسالیستی ندارند خود داری نمی کنیم،
رزی می کنند). شما ما در انقلاب و اتحاد عمل
مکراتیک، تعیدتروها به دمکراسی و به سه
ارکسیم - لنینیم یا ارد و گاه سوسالیستی،
حزب بوده و "اکثریت" را سخطر آنکه حیانت
و در ا به دمکراسی، کاری درست و لازم تلسی
ی کنند، متعیده دمکراسی نمی داسم و آسها
برک سقف نمی اسنیم.

ثانیاً - اگر فرار بود "سقف" مورد سطر
خرات، توجه کننده اتحاد عمل همکاری ما سا
اکثریت" و حزب توده باشد، مسایست ما نیز در
نکرفدا انقلاب فقا هتی، جز و پیروان راستن
طامام" بوده اسیم، ولی ما به نیانه اسن
قف حاضر به اتحاد عمل همکاری با آسسان
سدیم و امروز هم به نیانه اسن "سقف" آت
طیسرحمانت هایشان نخواهیم ریخت. نشریه
کار را "اکثریت" در اوچ "ضربات سال ۶"
یعنی در تاریخ اول مهر ماه ۱۳۶۵ در مطلبی
با عنوان "سه گروه های حبرو" نوشت: "گروه های

چون اقلیت و راه کارگر وضائم آن... در اساسی -
ترین ساله یعنی در سر خورد ما حاکمت جمعیوری
اسلامی ایران و خط رهبری آن یعنی خط امام بسا
رهبران مجاهدین توافق کامل دارند و ایسن
حکومت را یک حکومت فدا نقلابی و فدا خلقی و انمید
می کنند و همونو با آمریکا در راه سرنگونی آن تلات
می کنند." (تا کیدات از ما)

"سقف" ما در مبارزه دمکراتیک، نه سه
تعید نسبت به ارد و گاه سوسالیستی، بلکه ه ما نا
"اساسی ترین ساله"، یعنی بر خورد با حاکمت
جمعیوری اسلامی ایران و خط رهبری آن یعنی
خط امام" بوده و رهبران حزب توده و "اکثریت"
برای آنکه در مبارزه علیه رژیم با ما زبر بسک
سقف قرار گیرند، باید حای آنکه از مبارزه خود
با ما زما نیائی که تحلیل نوق را از رژیم سس
داشتند، "با عمارت سروز سکتا رسم" پیاد
کنند، و بجای آنکه حسین سا زمان هائی را سخطر
آنکه رژیم جمعیوری اسلامی و خط رهبری آن راشد
انقلابی و فدا خلقی ارزبایی می کردند، "حبرو"
بنامند (اسناد بلنوم وسع "اکثریت")، سه
فدا نقلابی و فدا خلقی بودن اسن حکومت از نخستین
روز، صریحا اعتراف کرده و در رابطه با "اساسی -
ترین ساله یعنی بر خورد به حاکمت جمعیوری
اسلامی ایران و خط رهبری آن یعنی خط امام" سه
اسنفا دی رسنه ای از اسات گذشته خود دس
نزند.

ثالثاً - اگر از حقیقت که امیرالیم
در آن سو سوسالیسم در اسوسوت و راه دمکراتیک
وجود دارد، سچوحه اسن رژیم آسکه: "س
ما در زیر یک سقف ایستاده ایم". حضرات مسی -
سوسد: "با سسدی به ما انقلاب، با سسدی سه
ما رکسیم - لنینیم و بدرنسن انترناسو -
نا لیم بیولتری، قسود سندهائی سا خود می آورد،
تجره کردن و عمل کردن، حفت وست این قسود
وسندها را محکتر می کنند." ("اکثریت" ۱۲۵). ما
نا ما در زیر یک سقف ایستاده ایم، زبر ا در
"تجره و عمل" ثابت کرده اند که شما با سسدی
به ما انقلاب، با سسدی به ما رکسیم - لنینیم
و انترناسو نا لیم بیولتری ناید. در "تجره
و عمل"، حاصل "با سسدی" شما به ما انقلاب
همکاری و همسستی سا فدا نقلاب و تبدیل شدن
خودتان به فدا نقلاب بوده است. حاصل "با سسدی"
سما به "ما رکسیم - لنینیم"، انکار تفتا و ت
ننادن میان سوسالیسم علمی و "اسلام امام
خمینی"؛ دعوت طبقه کارگر به "تعیدت از
رهبری امام خمینی"؛ سخطل مبارزه طبقاتی
و محکوم کردن مبارزه دمکراتیک به بیانه سه
اولوست مبارزه فدا مریالیستی، و سرائحمام
تحکیم نایه های حکومتی رژیم فدا رگری و فدا
کمونیستی و فدا دمکراتیک ولایت فقه بوده است.
حاصل "تعیدت" شما به انترناسو نا لیم بیولتری
وارد و گاه کشورهای سوسالیستی، تعیدت شما سه
تعیدت از تحلیل آنان از رژیم جمعیوری اسلامی،
تعیدت شما به زندانی کردن خود در دسبلا سس
دول سوسالیستی با دول سرمایه داری و در سسحه،
تعیدت شما به حمایت از رژیم جمعیوری اسلامی و تقوسوت
آن بوده است. با سسدی به ما انقلاب، با سسدی
به ما رکسیم - لنینیم و به انترناسو نا لیم
بیولتری اگر برای ما قسود و

بندهائی سا خود می آورد و تخره و عمل نیز حفت
وست های این قسود سندها را محکتر می کنند،
یکی از مهم ترین این قسود سندها آنست که خود
را با شما در زیر یک سقف نایسیم و حفت وست های
مراهی خود را با شما محکتر با رسم، شما سه
می گوئید: "از مرزتراسی حرکت نکسد، در حیسان
حای کوچکی برایسان می ماید!" ("اکثریت" ۱۲۵)
شما که سا رمان حرکتهای فدائی خلق، سز کسرس
سا رمان حاسفلائی ایران را منلانی کردید و به
خط خیانت گسندید، شما که سچمکس سس
صربا را بر دمکراسی و انقلاب وارد کردید، شما که
سیمی سس و سلسدر سس نظام سسای را با این
استدلال که چون ارد و گاه از آن حمایت می کنند
س ما هم با سسکنیم، سر طبقه کارگر و مردم
ایران ملت کردید، شما که اینک هرا برانسی
به حم نفرت به شما می نگرد و از خود می رانند،
شمائی که هسکس حاسر نیست سا شما حتی در مبارزه
علیه رژیم ولایت فقه زیر یک سقف با سسند، شما
حدهای سزگی را در حیسان فتح کرده اید؟ دلخوتی
تان به این است که در "حسنا و ما نیته" حاسداری
به شما می دهند که حای و کتاب بفروشید؟ با
دلخوتی تان به این است که در کنگره بیسست
و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی بکربع وقت
صحت به شما دادند ولی اجازه صحت در باره رژیم
ایران را به شما ندادند؟ شما مرزتراسی نکردید
چه حای در حیسان به شما دادند که اگر ما مرزتراسی
کنیم، حای کوچکی در حیسان را بر ما نمانند؟!

مادر راه کارگر شماره ۳۵ خطاب به این
حضرات گفتیم که دفاع ما از ارد و گاه سوسالیستی،
نمی تواند لولای اتصال ما با شما و حزب توده
باشد. نشریه "اکثریت" شماره ۱۲۵ با اشاره
به اسن مطلب و خطاب به ما می سوسد: "طبیعتا نحوه
دفاع امروزیتان از سوسالیسم عملامو سسود،
ستتر از آن است که نتواند طبقه اتصالی
ستحکمی بین ما باشد."
حقیقت این است که دو نحوه دفاع
از سوسالیسم عملامو وجود دارد: ر دو ما نمی توانیم
از مرز زمان اسد و صرف نظر کنیم نا حای سزگتری
در حیسان به ما بدهند. یک نحوه دفاع، دفاع
توده ای ها و "اکثریتی" هاست. در اسن نحوه،
حون نحوه "ست" دفاع سست، با سسده سز
سز سوسالیسم عملامو وجود دفاع کرد. سوسالیسم
عملامو وجود را مرشگان و معصومی می سازد که
سری اهر کوبه خطا و اسحرا باشد، هر چه گفتند
و هر چه کردند، سی عب و ابراد اسوسی سسار ر
اسناد، گسائی گدخواهند دفا سسسان
از سوسالیسم عملامو وجود "ست" ساید، و طبقه
دا رند حفظ مداح و سه گوسسد. دیروز گفته
می سسبست سس است، اسان می گفتند:
"صحیح است". امروز می گوئید مبارزه سس
سور و کراسی فسادا داری و روه حواری و الگسیم
و عب ما سدی اقتصادی وسی تفتا و تی سسای
کارگران و غیره و غیره آغا زنده است، اسنان
می گوئید "حسنا"! دیروز گفته می سسند
در لیسان ما له ای نست و هر چه هست سوطنه های
سا و امیرالیم است، اسنان می گفتند در ست
است. امروز گفته می شود مشکل لیسان زاده
خط های حزب کمونیست آن کسور است، اسنان



می گویند این هم درست است! دیروز گفتند
می شد سیاست حفیظ الله، درست است، اینها
هم می گفتند درست است؛ وقتی گفتند حفیظ الله
امین نعل وارونه امپریالیسم است، اینها هم
گفتند نعل وارونه امپریالیسم است. دیروزی
گفتند جمهوری اسلامی "نوعی راه رشد غیر سرمایه
داری" می رود، اینها می گفتند پیروز با دمبارزه
خلق در راه شکوفایی جمهوری اسلامی؛ امروز
می گویند در راه رشد سرمایه داری به پیش می رود،
اینها می گویند پیروز با دمبارزه خلق در راه
سرنوشتی جمهوری اسلامی. اینها می گویند که امروز
می گویند: "امپریالیسم در آنسوی سوسیالیسم
در این سوست، آیا بازم تردید جایز است؟" دیروز
هم همین را بما می گفتند. می گفتند امپریالیسم
خواهان سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است حال
آنکه تمام کشورهای سوسیالیستی از این رژیم
حمایت می کنند، آیا بازم تردید جایز است؟ اما
ما از تردید نکردن در صحت هر کاری که کشورهای
سوسیالیستی بکنند حرکت نکردیم. اگر اینکار
در قبال اشتراک سبنا لیستی توده ای مسلکان،
بمعنی دفاع "ست" از سوسیالیسم موجود است،
ما از دفاع استوار، محکم و بی تردید از دمکراسی
و انقلاب، از طبقه کارگر و توده های زحمتکش
و مارکسیسم - لنینیسم حرکت کردیم و تا رنج
ناایت کرد که حق ما مایوده با آنها می که شماره
استرا سبنا لیسم شان، نه حکم ولایت فقیه بود.
انترناسیونالیسمی که ما به آن تعهد داریم،
انترناسیونالیسم مبارزه برای سرنوشتی
دولت های بورژوازی است، نه انترناسیونالیسم
سازش با بورژوازی خودی و حمایت از دولت های
ارتجاعی و تقویت آنها. ما از پایبندی به
انترناسیونالیسم پرولتری در وهله اول، سر-
نگونی حکومت های بورژوازی خودی و استقرار
دیکتاتوری پرولتاریا را می فهمیم و همبستگی،
حمایت و پشتیبانی همه جانبه طبقه کارگر همه
کشورها را از سرنوشتی که در این نبرد

"مشارکت" کارگران در

تعریف بازاری از سرمایه - و نه بعنوان یک رابطه
اجتماعی که کارگر و سرمایه دار را ضرورتاً در
مقابل هم قرار می دهد - و مخدوش کردن سر-
سرمایه دار و کارگر، با عنوان کردن مالکیت
"مشارکت" می گویند:

"امروز مسئله مشارکت کارگر در مالکیت
ابزار تولید، کم کم به مساله حل شده ای در دنیا
تبدیل می شود... با یستی بین کارگر و ابزار
حداقل یک رابطه ابتدائی برقرار کرد، و مشارکت
کارگر در مالکیت ابزار تولیدی، تا من آنست..."
این مآشین و ابزار نیست که به کارگر بستم می کند
و یا او را مورد استثمار قرار می دهد، بلکه صاحبان
همین مآشین و ابزار هستند که او را مورد استثمار
قرار می دهند، و فقط روزی خصلت سرمایه ای خود
را از دست خواهند داد که نظام سرمایه داری برچیده
شود. از اینرو، طبقه کارگر در مناسبات خود-ساز
سرمایه داران، رابطه ای حریصانه و جدال بی-
وقفه علیه آنان و نظام شان ندارد، و هرگونه
کنند کردن این بیگانه کاری جز خدمت به سرمایه -
داران نیست. سراب "مشارکت" کارگر در نظام

طبقاتی درگیر است. دفاع ما از سوسیالیسم عملاً
موجود نیازی به مناسبات ما از آنها دفاع
می کنیم، چون بورژوازی خودی را سرنگون
کرده و دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر ساخته اند.
ما از آنها دفاع می کنیم، چون مالکیت خصوصی
بر ابزار تولید را از میان برده و بساط بهره کشی
و استثمار را برچیده اند. ما از آنها دفاع می کنیم،
زیرا نفس موجودیت و اقتدار آنها بزرگترین
حائل و مانع امپریالیسم ها در تعرضی نظامی
به انقلابات است و اگر آنها وجود نمی داشتند و
قدرت مند نمی بودند، روشن است که ویتنام ها
و کوبا ها و نیگارا گواها و موزامبیک ها در برابر
تهاجمات امپریالیسم ها، چه سرنوشتی
می یافتند. ما از آنها دفاع می کنیم، چون
در تمام انقلابات پرولتری جهان، با زکشت
ناپذیری و پیروزی قطعی را شمره دفاع،
پشتیبانی و کمک های همه جانبه آنان می دانیم.
ما از آنان دفاع می کنیم، زیرا در برابر جنگ
افروزی امپریالیسم ایستاده اند. ما از دستاورد
های آنان در ساختمان سوسیالیسم، از رفاهان -
های آنان برای بشریت دفاع می کنیم؛ و همه
این دفاع ها را اعلامی کنیم، اما این بدان
معنا نیست که آنان هر چه گفتند و هر چه کردند،
چشم بسته مورد دفاع ما باشد. ما نه آنان را
را خطا ناپذیری دانیم و نه ساختمان
سوسیالیسم را بدون افت و خیز و تناقضات و مشکلات.
مانمی توانیم حاکمیت طبقه کارگر را تنها به
حاکمیت حزب خلاصه کنیم و از عوارض سیاسی
و اجتماعی آن دفاع کنیم. نمی توانیم عقبت
مادگی های اقتصادی و فنی آنان را، غلبه
اقتصادی کشورهای سوسیالیستی بر کشورهای
امپریالیستی نام دهیم. مانمی توانیم
از تهاژی چون سمت گیری سوسیالیستی به رهبری
خرده بورژوازی یا به رهبری "حیبه خلق" یا از معمم
همزستی مسالمت آمیز میان دول سوسیالیستی
و دول سرمایه داری به همزیستی احزاب پرولتری
با دول سرمایه داری یا از تمسیر شنج زدن
به معالجه روی انقلابات با اعطای دکترینی

استثمار سرمایه داری، کیفی جز فقر و فلاکت
و استثمار و مردوم کارگران ندارد، و ما مسته
ولایت فقیه در خانه کارگر، خود اعتراف می کند
که "این بیشتر بنفع صاحب سرمایه است تا کارگر".
و ما با پدا ضافه کنیم، که این فقط و مطلقاً در
جهت منافع سرمایه داری است و بی!

و آخرین کلام اینکه، این قانون نیز،
همانند قوانین سابق کار با قوانین ارضی، بر
روی کاغذ متولد شده و در لایه ای کاغذ نیز خواهد
مرد!



افتخاری ما تریالیسم دیالکتیک به شهاب نوفر
از حمایت از شاه تا آخرین لحظه ای که سقوط ستر
قطعی شود؛ از سفر هوا کوفنگ و از حمایت سیاسی
بشاه در آستانه سقوط وی؛ از حمایت سیاسی
اقتصادی و نظامی از رژیم خمینی بنام "حمایت
از انقلاب مردم ایران"؛ از تعیین تاریخ
سرکوب حزب توده توسط رژیم، بعنوان "آغاز
نقض دمکراسی در ایران؛ از بی خبری نندن میلیونها
کارگر در کشورهای سوسیالیستی از وضعیت رفقا و
کارگر خود در ایران؛ از حمایت از مارکوس و
دادن به همسروی و مائیلی از این قبیل دفاع
کنیم. هر چند که این گونه موارد به نسبت آنها
که مورد دفاع ما است، اندک است، اما بهر حال ما
چون به انقلاب متعهدیم، چون به مارکسیسم
- لنینیسم متعهدیم، و چون به اشتراک سبنا لیسم
در کردار پایبندیم، نمی توانیم دفاع
از انحرافات و گزیها را پایبندی به اشتراک -
سبنا لیسم قلمداد کنیم و به این ترتیب
مارکسیسم - لنینیسم را زیر پا بگذاریم، به انقلاب
خیانت کنیم و اشتراک سبنا لیسم
پرولتری را نیز مفتوح سازیم. ای
است نحوه دیگر دفاع از سوسیالیسم عملاً موجود
یعنی نحوه دفاع ما. و تا از این دونه دفاع
به خودی خود روشن می کند که ما با "اکثریت"
و حزب توده در زیر یک سقف نایستاده ایم. روشن
می کند که دفاع ما از اردوگاه سوسیالیستی نمی
تواند لولای اتصال ما با آنها باشد و روشن می کند
که ما با آنها مرزهای عبورناپذیری داریم؛ مرز -
هایی که "جفت و بست" های آن بقدر کافی
محکم اند و با هیچ "سقف" سازی و هیچ توصیه ای
سرای "مرز تراشیدن"، "ست" نخواهند شد.

تصحیح و پوزش

در شماره ۳۴ راه کارگر، متأسفانه قسمت زیرا
مقاله "تحولات نوین در فیلیپین" جا افتاده بر
حاشین انریله، ژنرال بازنشسته را قائل ایلت
(ILTO) یکی دیگر از همان پنداره ها
وست بیونت است. او در ده پنجاه میسلاهی ا
سازمان دهندگان اصلی "تیپ رنجرز" ارتش
بود که در جریان سرکوب "جنبش هوک
به کشتار وحشیانه ای زده قنان و کمونیستها
انقلابی دست زد. بدین ترتیب برکنار
انریله مترا دفا با کاشن نفوذ طرفداران مارکو
و در عین حال تحکیم قدرت طرفداران آمریک
می باشد و به همین دلیل نیز با رضایت آنان روبر
شد. جنبش "افسران اصلاح طلب" نیز پس از کمی مک
به سلک طرفداران را موس بیوست.

از جانب دیگر جنبش توده ای پس از وقای
فوریه و روی کار آمدن آکینو همچنان ادا
داشته است، قانونی شدن اعتصاب به گسترش
اعتصابات مسالمت آمیزی را رسانده است
تعداداً اعتبارات کارگری و کارگران شرکت کنند
در اعتبار نسبت به سالهای قبل افزایش
چشمگیری نشان میدهد. این افزایش نسبت
سال ۸۵ که خود سال پر رونق جنبش کارگری سوسی
بیش از ۱/۵ برابر می رسد.

دنباله از صفحه ۸

که سازماندهی تبلیغات انقلابی و کمونیستی و پیشبرد برنامه کمونیستی در میان کارگران و زحمتکشان پیدا کرده است می باید نیروی ویژه ای را برای جبران این عقب ماندگی اختصاصی بدهیم. فطرت و برنامه ما هر قدر هم بدستی تنظیم شده باشد تا زمانی که نیروهای وسیعی از توده ها را برای تحقق آن حول خود گردنیاورد جنبه عملی و مادی نخواهد یافت. این امر بدون اشاعه و گسترش هر چه بیشتر شعرا و برنامه ها میان درمیان توده های کارگران و زحمتکشان بدون سازماندهی تبلیغات و پخش وسیع نشریات و اعلامیه ها که از طریق آنها شعرا و برنامه ها به توده ها ارائه میشود، غیر ممکن خواهد بود. علاوه بر تبلیغات و پخش وسیع نشریات و اعلامیه ها از طریق سازماندهی پست سرخ، رهنمودها و مطالب عمومی سیاسی و اخباری که از طریق رادیوی سازمان در یافت میشود می باید سط و پیاپی شده و وسیع با تکثیر آن از این طریق توزیع شود.

سازماندهی پست سرخ می باید کارهای اصلی خود را بر روی کارگران و زحمتکشان و محلات نارگری متمرکز نماید. توجه به این نکته لازم است که انتخاب مطالب و ارسال آنها می باید با در نظر گرفتن سطوح مختلف آگاهی و مسائل گوناگون در یافت کنندگان مطالب ارسال صورت گیرد و بنحوی که اهدافی را که در سازماندهی تبلیغات وسیع دنبال میشود تا مین نماید از اینرو بر حسب آنکه چه نیروها و چه مسائلی هدف تبلیغ قرار بگیرند می باید انتخاب مطالب و ارسال آنها توسط پست متنوع باشد. از اینجهت در صفحه بندی مطالب نشریه این مسئله در نظر گرفته شده و بنحوی است که مطالب مختلف آن در صفحات جداگانه قابل فیک و ارسال است. بطور مثال اخبار نشریه، صفحات مشخص درج شده و مطالب ترویجی آن صفحات چاپ شده اند که بتوان بدون نیاز به ارسال تمام نشریه آنها را در حجم کم توسط پست ارسال نمود. انتخاب درست مطالب جهت ارسال توسط پست سرخ در سال بردن اثرات تبلیغ در میان کارگران و زحمتکشان اهمیت فوق العاده دارد. مثلا اگر مطالب رهنمودها و مسائل خاص کارگری نظیر سازماندهی اتحادیه ها، صندوق ها و مقالات بول قانون کاروبیمه سیکاری و غیره (به مناطقی که ساکنان اصلی آن را کارگران تشکیل نمیدهند) ارسال شود، طبیعی است که تا شیرگذری آن پائین نواهدود. علاوه بر این انتخاب درست مطالب انتخاب مان مناسب برای تبلیغات معین حاضران همیشه است. بطور نمونه در زمانی که همه اذهان متوجه مسائل آنها و جنگ و یا مسئله سیاسی خاصی شده است تمرکز بر روی تبلیغات عمومی سیاسی برای همه شرط موفقیت سازماندهی تبلیغ خواهد بود. جهت آماده دگی ذهنی برای کسانی که نشریات اعلامیه ها و مطالب مختلف ما را از طریق ارسال یعنی پستی دریافت خواهند نمود، در کنار ارسال نشریه یا مطالب دیگری می باید یک متن توضیحی بزرگ هدف ارسال را برای آنها روشن کند فرستاده بود. در این متن از عدم آشنائی شخصی و اینکه بر مقاس وسیعی به آدرس های دیگران نیگز شریه و اعلامیه پست میگردد، توضیح داده شود. در این متن هم چنین رهنمودها را برای مکاتبه بسا

نشریه از طریق آدرسهای مندرجه در نشریه و طول موج وساعات پخش برنامه رادیو و نحوه ارتباط گیری با سازمان رهنمودها می در مورد نحوه پخش و تکثیر نشریه یا مقالاتی از آن و ضرورت این امر و رهنمودها می برای ایجاد رابطه مکاتباتی جهت ارسال اخبار و رعایت ضوابط امنیتی برای اینکار گنجانده شود.

یکی از اهداف سازماندهی پست سرخ و تبلیغات وسیع تا مین حضور سیاسی سازمان و معرفی آن در میان کارگران و زحمتکشان است از اینرو رفقای ارسال کننده نشریات (هسته های تبلیغی، گروه های هواداری مستقل، کمیته ها و واحدهای سازمان) با انتخاب نامی برای خود تبلیغات وسیع را نام سازمان هر چه وسیعتر گسترش دهند.

پایه اساسی سازماندهی ارسال اعلامیه ها و سازماندهی پست سرخ را سازماندهی آدرس یابی وسیع تشکیل میدهد. مسئله مهم در این مورد دقت و هوشیاری در نحوه آدرس یابی و سازماندهی است. چرا که اگر این آدرس یابی با دقت و حساسیت سازماندهی نشود، هر چند رژیم قادر است کنترل پستی وسیع در جهت جلوگیری کامل از ارسال اعلامیه و پخش وسیع توسط پست نیست و این نزدلیل وجودی استفاده از این شیوه است، علاوه بر کاهش راندمان رسیدن نشریات حتی نمیتواند موجب بروز مسائل امنیتی برای کمیته ها و واحدهای سازمان گردد. بنابراین این امر می باید بنحوی توسط کمیته ها و واحدها و تمام می رفق و دوستان سازمان، سازماندهی شود که در کنار رهدمی که سازماندهی ارسال اعلامیه و پخش وسیع نشریه تعقیب میکند وضعیت امنیتی آنان را با خطر نیا نندازد و در عین حال با پوشش توده ای ارسال اعلامیه، امکان دریافت نشریه از جانب محافل کارگری و انقلابیون کمونیست را فراهم نماید.

نکات امنیتی در سازماندهی آدرس یابی

- ۱- آدرس ها از محل کار یا سکونت اعضاء و هواداران سازمان نشاء و بطور کلی سر نخسبی به آنها نداشتند.
- ۲- آدرس ها از مناطق و محلات گوناگون (عمدتا کارگری و زحمتکش نشین) تهیه شود. برای آدرس یابی علاوه بر جمع آوری آدرسها توسط اعضاء و هواداران سازمان میتوان از کتا بهای، اهنمای تلفن، اطلاعات عمومی و غیره برای برخی مناطق استفاده نمود.
- ۳- از هر منطقه و محله، از نقاط مختلف آن آدرسها جمع آوری شوند. مثلا اگر از یک محله که دویا سه خیابان فرعی و چندین کوچه دارد، از خانه های چند کوچه در این محله و همینطور از چند محله در یک منطقه آدرسها جمع آوری شوند تا امکان تمرکز رژیم بر روی آدرسها بعد از چند دوره ارسال وجود نداشتند.
- ۴- در جمع آوری آدرسها تا آنجا که امکان دارد باید تلاش شود که آدرسها متعلق به عوام مسل رژیم نباشد. چرا که با ارسال نشریه به اینسازمان آدرسها پلیس رژیم سرستدر جریان قرار گرفته و بر روی این محلات حساس خواهد شد و کنترل خود را افزایش خواهد داد. بنابراین شناسائی عوام مسل

رژیم می باید مورد توجه رفق قرار گیرد.
۵- آدرسها می باید بر اساس اولویت - ها شیکه در سازماندهی تبلیغات کمونیستی به آن اشاره شد، تفکیک گردند. به نحوی که بیشترین پوشش توده ای را برای دریافت کنندگان نشریات و اعلامیه ها و... تا مین نماید.
۶- در تفکیک آدرسها به این نکته تیگز توجه شود که این آدرسها بر حسب موقعیتشان از نظر منطقه و محله، اجتماعی و مسائل امنیتی تفکیک شود.

۷- در هنگام جمع آوری آدرسها و نگهداری آنها مسائل امنیتی بدقت مورد توجه قرار گیرد.
۸- نکات امنیتی در رابطه با نحوه ارسال علاوه بر موارد امنیتی در رابطه با سازماندهی آدرس یابی، رفقای فرستنده مطالب باید به این موضوع توجه کنند که هر چند رژیم قادر به کنترل پستی در جهت ممنوعیت ارسال آن نیست ولی دقت در نحوه ارسال و پست باعث میشود که عوامل رژیم قادر شوند بر روی مناطقی که نشریات و اعلامیه ها و یا مطالب رادیو و همچنین رهنمودهای کمیته ها و واحدها در ارتباط با منطقه فعالیتشان از آنجا پست میشود متمرکز شده و در نتیجه با کنترل این مناطق علاوه بر تلاش در بدست آوردن سرخ های از رفقای فرستنده و پیاپی دریافت کنندگان، با جلوگیری از ارسال بخشی از آنها راندمان ارسال را پائین بیاورد.

۱- از آنجا که هدف از سازماندهی پستی سرخ ارسال وسیع مطالب تبلیغی است، در نگهداری آدرسها، مطالب ارسال و نشریات، پاکت ها و تمبرها باید دقت ویژه ای مبذول شود و جاسازی مطمئن برای نگهداری آنها آماده شود.
۲- در حمل پاکت های حامل نشریات و مطالب تبلیغی تا صندوقهای پست احتیاط کنترل و بازرسی توسط مزدوران رژیم در نظر گرفته شده و بنا بر این فاصله خانه از صندوق بگونه ای انتخاب شود که احتمال کنترل پلیسی به حداقل کاهش یابد و از صندوقهای نزدیک محل زندگی نباید هیچ وجه استفاده شود و به ایسن نکته توجه شود که تعداد پاکت در هر نوبت پستی نباید از چند عدد (تعداد بر حسب موارد امنیتی و موقعیت محل و صندوق تعیین میشود) بیشتر باشد و پاکت ها در جاسازی طبیعی حمل شود.

۳- در هنگام پست باید از صندوقهای پستی متفاوتی استفاده شود و در هر صندوق تعداد معدودی انداخته شود. در ضمن علاوه بر استفاده از صندوقهای متفاوت در یک روز، همچنین می باید از صندوقهای متفاوت در دوره های مختلف استفاده شود تا امکان تمرکز عوامل رژیم بر روی صندوقها کاهش یابد.

۴- ارسال در طول ماه و از صندوقهای محلات مختلف باید غیر متمرکز باشد. با این معنی که نباید استفاده از صندوقها به روزهای معینی از ماه محدود شود.

۵- در ارسال و پست پاکت ها باید فاصله مبدا، ارسال تا مقصد در نظر گرفته شده و ارسال از یک محل به آدرسهای محلات مجاور و یا به همان محل انجام نگیرد.

۶- برای رعایت عادی بودن پاکت حاوی نشریه باید در هر پاکت جمعی از اعلامیه، نشریه

سازماندهی ...

با رهنمودها قرار داده شود که شکل ظاهری آن عادی باشد.

۲- از پاکت های گوناگون استفاده شود.
زیرا یکسان بودن پاکت ها میتواند مبادا احساسیت باشد. بهتر است نوع پاکت ها نیز طوری باشد که در زیر نور، نشیبه یا مطالب دیگر دیده نشود.

۸- پاکت های حاوی نشیبه ویا مطالب تبلیغی باید کاملاً ملاحظه شده شود. با بستن از چسب ها شئی استفاده نموده که بی هوویی رنگ باشد. اگر چسب پاکت کافی باشد نیازی به استفاده از چسب اضافی نیست. در ضمن نباید بستن از چسب های نواری یا رنگی استفاده شود زیرا این مسئله ظاهراً پاکت را مشکوک میکند.

۹- دستخط نویسنده آدرسها روی پاکت برای تعداد زیادی پاکت نباید یکسان باشد. مثلاً یک رفیق نباید آدرس ۲۰ نفره را نوشته و در ۲-۳ روز متوالی آنها را پست نماید. این مسئله توجه عوامل رژیم را بر خواهد انگیزد. بنا بر این باید تلاش شود خط نوشتن آدرسها یکسان نباشد.

۱۰- اسم و آدرس فرستنده (شامل شهر، خیابان، کوچه و پلاک) بطور کامل ولی بصورت جملی نوشته شود.

انتخاب اسمی و آدرسها بنحوی باشد که سرخی از فرستنده به دست رژیم نهد. جملی بودن آدرس نباید معنی غیر واقعی بودن آن تلقسی

شود چرا که بستگی ها معمولاً به این موضوع توجه دارند و آدرسهای اشتباه توجه آنها را جلب میکند.
۱۱- از خودکار و خودنویس یک رنگ و ثابت برای نوشتن آدرس تعداد زیادی پاکت استفاده نشود.

۱۲- تمبر روی پاکت ها در محل مناسب جبا نه شده و پاکت ها کسر تمبر نداشته باشند. بایستی برای پاکت های مختلف حتی المقدور از تمبرهای گوناگون استفاده شود.

۱۳- در موارد فوق امکانات استفاده ای و خانوادگی برای پست کردن و غیره مورد توجه قرار گیرد.

موارد امنیتی در رابطه با دریافت کنندگان نشیبه هما نظر که در سازماندهی پست سرخ یادآور شدیم هدف از سازماندهی آن، سازماندهی وسیع تبلیغات و رساندن نشیبه و مطالب تبلیغی بدست عده هر چه بیشتری از کارگران و زحمتکشان است. علاوه بر آن با فراهم نمودن پوشش توده ای، این نشیبات با بدبست کارگران پیشرو، روشنفکران انقلابی و محافل کارگری و روشنفکری رسانده شود. از این نظر در رابطه با طبقه بندی آدرسها به موارد امنیتی زیر به دقت توجه شود:

۱- هر چه بیشتر به پوشش توده ای آدرسها توجه شود؛ باین معنی که در ارسال به این آدرسها علاوه بر عدم تمرکز در طول دوره معین، به تعداد آدرسهای بیشتری از محل زندگی آنها (کوچه - محله - منطقه) ارسال صورت گیرد.

و باید دقت شود از کدام منطقه به این آدرسها ارسال انجام میشود.

۲- ارسال به آدرسهای یک منطقه و یک محله متمرکز نبوده و بطور دوره ای تغییر یابد از طرف دیگر نباید بایستی به تمامی آدرسهای یک منطقه یکبار ارسال صورت گیرد بلکه میبایست از آدرسها در دوره های مختلف استفاده شود تا تمرکز روی آدرس های یک منطقه بوجود نیاید. ارسال منظم و مداوم به آدرس های یک منطقه (یک کوچ معین و یا محله مشخص و همینطور یک منطقه) توجه عوامل رژیم را به آن منطقه جلب خواهد نمود در حالیکه ارسال نامنظم و دورهای به مناطق گوناگون از تمرکز رژیم بر روی یک منطقه جلوگیری میکند.

۳- بطور کلی ارسال باید در طول سال انجام شود و به روزهای معینی در طول سال محدود نشود. چرا که تمرکز در روزهای معین این امکان را به عوامل رژیم میدهد تا نیروی خود را برای روزهای معینی بسیج کرده و کنترل را بر آن ببرد. درغیر اینصورت علاوه بر اینکه عوامل رژیم محسور خواهند شد تا صرفاً انرژی بساری در طول ماه کنترل بستی را اعمال نمایند، بعفت شدن تعداد کمی از نامه های حاوی نشیبه در تعداد دکتیری پاکت های نامه های معمولاً امکان عبور نشیبه از موانع ایجاد شده بلیست افزایش خواهد یافت.

دنباله از صفحه ۱۲

پاسخ به ...

پوپولیسیم و فرمیسم تمثیلی حساب نگیرده است. هنوز هم داوریهایی مفرقه گرایانسه و پوپولیسیتی و ناسیونالیستی گذشته در میان فعالین چپ ماکم نیست. بنا بر این نه مانده هیچ سازمان سیاسی حدی نمی تواند بخاطر وجه المله شدن از موضوع گیریهای قاطع و روشن سرباز زند. جنش ما اکنون بیش از هر زمان دیگر رسه روشنائی و حسارت انقلابی نیاز مند است و گرنه نخواهد توانست وظایف عظمی را که پیش روی خود دارد انجام رساند. ثالثاً ما تصمیم اخیر خودمان تصدگستن از سازمانها و جریانهای چپ انقلابی را نداریم. ما اختلافها هیچ کس و هیچ جریانسی را موکول و مشروط به اختلاف با جریان دیگری نمی کنیم. ما از جریانهای چپ انقلابی نمی خواهیم برای اختلاف ما احتمالاً فدا نشانیان خلق هم اختلاف کنند و در همین حال از آنها انتظار داریم که اختلاف ما را موکول و مشروط به ادامه سیکوت سیاسی فدا نشانیان خلق از طرف ما نمایند. ما بلا تفرم اختلاف خود را پیش می نهیم و سرمبانی منطق آن اختلافات مان را سازمان می دهیم و از اولیتهایمان سبب زبیهیج وجه درسی گذریم. اگر کسی نحاضر این اولیتهای اختلاف و اتحاد عمل ما را ناممکن می داند این دیگر خود او و مشروط است و ما نیستیم که اختلاف را گسته ایم.

و - عده ای سوال کرده اند که آیا العای سیکوت سیاسی فدا نشانیان خلق از طرف ما، مقدمه

ورمیسه جیبی برای وحدت و همگرایی حزبی

سأنها نیست؟

پاسخ - اولاً ما ندانیم که از نظر شما اتحاد عمل و اختلاف حول مسأله برای دموکراسی با سازماندهی مشارکت حاری کارگران، سهیج وجه ربطی به وحدت و همگرایی در سطح حزبی ندارد. ما در دو حوزه فوق حاصریم تا حریایهایی که اصلاً ما را کسبم را اصول ندارد. اختلاف و اتحاد عمل داشته ایم. زیرا اتحاد عمل و اختلاف در ابس حوزه ها را اشتراک منافع در مقابل دشمن مشترک ناشی می گردد. و ما که برای گستن از سنت و تفکر فرقه گرایانه پوپولیسیتی - که سانیروئیسسی را بعنوان متحد حزبی می سگرد و سبابا اود شمی می - کند - تلاش می کنیم، نمی توانیم وحدت های حزبی را با اشتراک منافع در حوزه های دموکراسی و سازماندهی توده ای کارگران درهم آمیزیم. ثالثاً ما با سازمان فدا نشانیان خلق هیچگونه وحدت حزبی نداریم و حرکات اخیر آنها نشان می دهد که متاسفانه در جهت همگرایی با یکدیگر نرسیده ایم. همگرایی ما با آنها در راستای وحدت های حزبی تنها در صورتی امکان دارد که آنها خط و سراسمه اپورتونیستی خود را کنار بگذارند. و این در افتقهای فعلی معیاد است زیرا اپورتونیسم و پراگماتیسم ریشه دار آنها محال حسن حانسه تکانی فکری مهمی راه آنها نمی دهد. بنا بر این خط و سراسمه حزبی ما در مقابل خط و سراسمه حزبی آنها قرار دارد و مسأله ایدئولوژیک علنی و روشن تنها سلاح ما در این مقابله است.

مدتسه

ادامه خانه و آشپزخانه

فصحاء کارزان معلم را، جبری حرادامه خانه داری نمیدانند و بلاش دارند، زسار استخبات شعل، حتی الامکان فرا تر از دایره معلم نروند. در منطق ارتعاعی فقیه، رن برای حیس حرخانه و حسداری خلق نشده اسد و از حاشی ک فقیسه، کارآموزی و سرورش را، سوسزه در دو دبستان، سخنی از همان کار حسداری تلقی می نماید. بهمین جهت میخواهد، فعالیت حرف زنان را که الزامات حوامع حدید بیره حکومت تحمیل می کند، در همان چهار چوبی محدود نکند که فقیه حزان نقش دیگری برای زن قاشد نیست: خانه داری. رقتحاشی این نیست قرو وسطاشی فقیه؛ را چنین بیان می کند: "اگر خان این نقش را در مدرسه هم دادا می بدهند، مثل نق آنها در خانه است" (کیهان، ۲۴ دیماه ۶۵)، و "نب عمده ما در مورد حاسمه همین سخن تعلیم و ترب است". آخوسدها اگر محسور شده اسد، خواسته پ نا خواسته حضور زنان را سبذیرند، سعی دارند آ دایره خانه و آشپزخانه را فقط کمی بزرگس نکنند. این تنها نقشی است که ولایت فقیه حاه است به زنان بدهد و نه بیشتر. از ایرو، در مس حرفه حساس و مهمی نظیر آموزش نیز، فقیه فقط خودیا رآن شده است. حالاکه نمیتوان حضور زن در حاسمه را کاملاً از بین برد، بس تا آنجا که ممکن است سبذیرند، خانه و آشپزخانه، وزن در حاشی که هستند، رابطه ای برقرار کرد تا، خدای نا کرده یادشان نرود که برای چه خلص شده اند!

کارخانه‌ای در جهنم



اسکه در سرف مرصی
 به ما سدگوشی آس
 که رنگ حوس را آتما را کسری بی بحد
 ما عه به سدا رطیر ،
 ادسا اور
 که بوثر اب نسنده دست خوا هرا نث درکا رجا به حیم است
 کما راجل
 نسوی دریا
 که خورسد
 لحظه سحر را به حرقه مکشد .
 یک می اساریم
 ما هی ها وکل های اس سرزمین
 برای بویش زیباست
 مگان باس ما ورد
 که ما کستی
 از سرو آمده است
 ما بررسل
 ما مکزیگ
 به از سرزمین فسرو حاسوز ما .

ما حرات نداریم
 خواب سسبم
 خواب کوه کودکی ما را
 که ما جنگل و رنگ نگاه بوستنده بود
 اما اکنون تلی است قبهوهای
 از ناخدهای نیمسوز
 ما جرأت نداریم
 بیادسا و رسم
 بیاد آن دریا چه بر حباب را
 در دوران "کودکی"
 دورانی که هرگز آنرا نیا فتیم
 ما تیکه درازمکتیم
 و سه
 آوای جیرجیرک ها گوش میدهم
 این سوت داشمی

– همچون صدای فیش فیش ما شبن –
 روز دیگری را سادمان می آورد
 با هزاران پوشش
 برای خواهانمان
 در آنسوی دریا
 قتل از آنکه خورشید
 شفق را روشن کند .

نکه آسمان سه خمازه می افتد
 ما بحرا سپا
 در اسرها تله لوه می زند
 ی تودراین تندی سناره می رقتی
 بیادسا اور
 که خوا هرا نث
 بویش تورا زسا سماندگل آتی دوخته اند .



MARRA PI LANOT

سرگردان از سوئدی به فارسی توسط بهرام مزدک نیا

رام می خواهم
 فلح از خستگی
 در اطاقک های قوطی ساردینی ما
 ون یک نخ سردنمان
 که بتواند عرق گرما را از نانه های برهنه قبهوهای ما بکشد
 ما در داندگستانمان را نگاهد
 چا زوی عزیزی نس
 که بر آن سرنیم

حرا که آنجا ما را از مردانمان جدا کردند
 تا آنجا در جهنم خویش تنیا ما تند .

شعر "کارخانه‌ای در جهنم" اثر نویسنده و شاعر برجسته فیلیپینی ، خانم
 MARRA PI LANOT است که توسط رفیق بهرام مزدک نیا از ترجمه سوئدی به
 فارسی سرگردانده شده و برای صفحه هنرا رسال شده است . ساره ای از دفترهای
 شعر خانم لانوت که بزبان انگلیسی منتشر شده اند ، عنوانهای زیر را دارند :

1967: SHEAVES OF THINGS BURNING

1970: PASSION AND COMPASSION

1981: FLOWERS OF THE SUN

ما پدزنان مقدسی ما نس
 هدایت شده
 کنترل شده
 سوسله ما حسابن کوره عظم در این سرزمین
 که در بر خور سبد
 آه مکشد

انقلاب بهمن ... دنباله از صفحه ۵

و اهداف دمکراتیک و سوسیالیستی جنبش، ضعیف اصلی انقلاب خلقی همین بود. یک انقلاب خلقی در جامعه سرمایه داری علی‌رغم سما می رتادنیها، تلاشها و اسکناراب نوده‌ای اکثریت پرولسارای صاحب‌آگاهی طبقه‌ی رهبری نبود، محکوم به سکت و انحطاط است. بهمانسان، یک فساد توده‌ای اکثریت پرولساربا و ملس کارگری رهبری نکرد و اکثریت‌های اصلی این فساد توسط پرولساربا در میان وسعیرین نوده‌ها اشاعه نیابد، نمی تواند از پیش امکان تسلط ارتجاع و بویژه ارتجاع بنا پارتیستی را مستقی میابد. این مهمترس درسی است که انقلاب بهمن به ما می آموزد. و این درس ما ته نیست نخریبه انقلاب بهمن و تسلط رژیم جمهوری اسلامی در ذهن وسعیرین توده‌ها سخنویژه رسوخ یافته است؛ بدین معنا که مردم علی‌رغم انزجار از رژیم حاکم از خود می پرسند، پس از این رژیم، چه حکومتی برقرار خواهد شد؟ از اینجاست که اشتراک نظر اقشار و طبقات اجتماعی، متفاوت و متفاوت در لزوم نابودی رژیم فقها موحشات اتحاد و اختلاف آنان را فراهم نمی آورد بلکه تما بزات طغفانی بنا وضوح و صراحت هر چه بیشتر گسرا مون ما هستند طغفانی و نوع قدرت آتی سوزمی باید. انقلاب آتی نمیتواند همان خامی سیاسی که خصیبه اصلی جنبش همگانی ضد دکتا توری تا ه بود و بنا شعار "وحدت کلمه" منحص می شد، تکرار نشود. رژیم جمهوری اسلامی که بر مبنای تعادل نسوی طبقات متخاصم، بورژوازی و پرولساربا برقرار شد، در عین حال فرصتی را فراهم آورد تا هر دو طبقه متخاصم به سرعت خود را برای تصادم آتی

از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی نخریبه ما بند. طبعه کارگرنمی‌توانند احزاب سوزوزا و رهبران فرصت طلب خرده سوزوزا اجازه دهد تا تحت عنوان "وحدت کلمه" علیه رژیم جمهوری اسلامی او را بفرسند و سه زاننده سانسهای طغفانی خود منسدل نمایند؛ انقلاب با بدسرای طبقه کارگر با سوسه نکلیف اصلی انقلاب آتی و نوع قدرت دولتی معتاد آن، سوره ناحدناسی دم اسروون نهادهای اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه داری ما بحر رژیم عنیفا را اهمیت مرمیری سرجوزاد می سود.

اکنون که در آسانه همین سالگسیب انقلاب بهمن فرارداریم. و ما ما اقتصادی و بحران سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را ناگزیر نموده‌است تا در وضعیت سیاست با نالاستی و اهداف نوسعه طلبانه خود، وعده فتح نزدیک رادر جنگ ارضایی سا عرای بدهد، تعداد هر چه بسری از جوانان، کارگران و رجمینگان را اخبارا سه حسیه‌ها گسیب نماید، به سیکل سازی و اخراج دستمعی کارگران مسادرت نمایند و سدر تریبی اشکال سپرده کسی سرمایه دارانه، مقروفا فسه واختناق را به کارگران در "بیت حسیه‌ها" تحمیل کند. فلاکت اقتصادی، بحران سیاسی درهشت حاکمه، سن ست جنگ و سومی اکثریت اهالی از امکان سبب و در حروب رژیم جمهوری اسلامی موحشات تکوین عناصریک بحران انقلابی سراسری نویز را فراهم می آورد. تحت حسن شرایطی است که جناح مسلط روحانست حاکم برای تحقق مقاصد بان اعلامستی خود، سیاست بقراری روابط و دیپلماسی فعال با امریالسم اروپای ساحتی، ژان و آمریکا را در بیسی می گردویه شکسار

سما سندگان مرتجع و " فدا میرالست " امه حزب الله مسادرت می نماید و در حالیکه سما سندگان سیاسی سوزوزا می متازه بیست حامان روزنامه رسالت را می گوید، رساله سیاسی و اقتصادی آنان را به سیوه‌ای سا پارتیستی سبت می سدرنا آنجا که رسگان تحت عنوان سوزوزا توجه به جناح "سانسرو" درهشت حاکمه ایران و تحکیم موقعیت آمریکا در خاور میانه ارددسرس و افست تاریخی " انقلاب اسلامی " می کند. موضع دول معظم امریالسنس (از آلمان و فرانسه گرفته تا انگلیس و آمریکا و ژاپن) سسی بر تصدیق واقعیت تاریخی " انقلاب اسلامی " به معنای آن است که با دول در سیاست خصمانه خود نسبت به انقلاب خلقی نحدید نظری سعل آورده اند و نه سدا معاست که رژیم جمهوری اسلامی از لحاظ سیاسی سساده است، بلکه سنیاسی ای امه است که آنان با سخصا و ساع بکسده و وسعت سنیات سیاسی در ایران آماده اند با سسرا حلوسگری ار سوزوزک انقلاب سوسا رژیم حساب سما سدوزعس حال اسرارهای سار را سسرا اسنخاله ندریحی رژیم و با اسنغال سسدر، ارددسی به دست سدر در اختیار داده است.

طبقه کارگر ایران که خود را برای موح انقلاب آتی آماده می کند، کلیه زحمکشان سوزوزوزا راه اسناد حول مطالبات اسنغالی و سساره سسرا سسرارای جمهوری دمکراسک خلقی فرامی خواهد با تسلیع وسبع سفارهای اسنغالی و سدارک سسا کارگری و سوده‌ای آتی خود را به سسگام ورهت انقلاب خلقی سمدل خواهد کرد.

سالگرد شهادت رهبران انقلابی خلق
تذکرمین را گرامی می داریم

بهمن امسال مصادف است با همنمب سالگرد شهادت رهبران جنبش انقلابی خلقی ترکمن، رفقای فدائی: توماج، حرجانی، واحمدی و مخنوم.

پس از انقلاب شکوهمند ۵۷ هنگامی که مبارزه انقلابی شهرها هنوز بقدر کافی در روستاها گسترش نیافته بود و تنها حرفه‌های از مسارزه در روستا های خوزستان، گیلان، مازندران و ... زده میشد، حریق دیرترکمن صحرادر گرفته زحمکشان ترکمن صحرادر، تحت رهبری فدائیان خلق توماج و بارانش مشعل مبارزه انقلابی دهقانی را در دست گرفتند و بر سرته ترین و انقلابی ترین جنبش دهقانی دوران اخیر کشورمان را شکل دادند.

در این جنبش زحمکشان ترکمن جهت تحقق مطالباتشان به اقدام مستقیم و انقلابی دست زدند. در مدتی کوتاه ۸۵ شورای متکامل در ۲۵ اتحادیه روستایی را تکل دادند (که ۱۴ مورد آن شوراهای دهقانی بود). ۱۲ مورد زمینهای مالکین و زمینداران سوزوزا را سسره نمودند، سناد مرکزای شوراهای ترکمن صحرادر را سوزوزا آوردند که این سناد، رساله خود را توزیع ارضی مسادره شده میان شوراهای

چهل و یکمین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار مهاباد
گرامی باد

چهل و یکسال است جمهوری خودمختار مهاباد در رهبری حزب دمکرات کردستان و سسهدافص محمد رهبر ملی خلق کرد میگذرد. در اس چهل و یکسال سزخلق فیرمان کردستان بدون اسکه در مسارزه با رژیمهای خودکامه پهلوی و سسسی لحظه‌ای دست از مسارزه و تلاش سدر داشته باشد، برای دست آوردن خودمختاری در کردستان و دمکراسی در ایران دلبرانه سسکده‌است.

خودمختاری در کردستان حق مسلم خلق کرد است. اما آنچه تا کنون باعث شده است خلق کرد علی‌رغم مسارزات فیرما با سساش سواننده اس حق خود دست نا بدین سوده کسسه، دمکراسی در ایران سسوانه است حاکم سوده و همواره حکومتی فسد مکررات سواسته اند با سرکوب دمکراسی در سسرا بران حق سسعیب سرونست خلفها را سز لگد مال سسانند. نحق دمکراسی در ایران و ارحمله خودمختاری برای کردستان بدون یک حکومت دمکراسک انقلابی و سسست دمکراسی بدون گذار از سرمایه داری به سوسالسم ناممکن است؛ چرا که طبقه کارگر و کمونیست‌ها بیگسرنسین مدافعان دمکراسی و ارحمله حق خلق‌ها برای سسین سرونست خوشی می ساسند. ما در سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار مهاباد خا طره شیدای خلق کرد را گرامی میداریم، به خلق فیرمان کرد که ما مداومت و رسادت مسارزه در راه حقوق حق خود را همحنان ادامه داده‌ومی دهد و در سس فرستیم و همواره در راه‌های از سس ملی در کنارت خلق کرد خواهم سوس.

انقلابی دست زد. نه سسناکما و سزوزا و دسگوزحمکشان سزوزا صحرادر، که سسما می کارگران و زحمکشان ای سسره سسگاه آموزش حشش شوراای خلق ترکمن و تلاش فداکارانه رهبران این جنبش از زماندهی اقتدار توده‌ها از پاشین را فرامس نخواهند کرد. با دشان گرامی باد.

محلی برای بهره‌برداری به سسوه شوراای و حاکمیت شوراها در منطقه اعلام کرد و سسب سسوسله سرفصل تازه‌ای را در مسارزات انقلابی دهقانان کشورمان گشود. چنین رشدی در تشکل‌های انقلابی خلقی ترکمن آنجنان وحشی در میان سسمداران بدمش رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورد که در همسان ابتدای حکومت و علی‌رغم شعارهای عوا مفریانه‌اش به سرکوب خونین آن و کشتار روحیانه رهبران

همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

فیلیپین

دوم بهمن ماه ۶۵ فیلیپین در پی ترسناک‌ترین و فراموش‌ناشدنی در تاریخ معاصر فیلیپین باقی خواهد ماند. در این روز برای اول بار پس از روی کار آمدن دولت آکسوارتنش بیرونی دهقانان تظاهرات گسترده‌ای گسودند و نزدیک به ۲۰۰ هزار تن از آنان راه پهنای راه را بستند. خواسته تظاهرات‌کنندگان، اصلاحات ارضی واقعی و سریع بود و اساس حزبی است که سه گون سرمایه‌داران و ارتش آنان اصلاحی نمی‌آید. شرکت‌سازان از دوست‌های ارتش هرگز نمانده‌اند. مراسم اعتراض به این حمایت، از جانب دیگر نشان داد که سروهای انقلابی و توده‌ساز نیز حاضر نیستند تا به امثال دولت و ارتش باشند. واکنش دولت آکینو تشکیل یک "کمیسیون بررسی" برای رسیدگی به "حادثه" تیراندازی و کشتار بود. عظمت تظاهرات اعتراضی، دولت‌مداران را به وحشت انداخته بود و آنها ناگزیر به "انحدام کاری" شدند. در همین حال این کشور به روشنی ماهست سرگورگوارتنش و روحه عدم تحمل نظامیان نسبت به هر چه که بوئی از تغییر بنیادین نظام راداشته باشند نشان می‌دهد. و این نقش مهمی در آموزش توده‌های کارگرودهقان بازی می‌کند. محبوسیتی که آکینو در میان آسیا، سوزده‌آنها که اسیر خرافات مذهبی نیز هستند، دارد، در اثر این اقدام جنایت‌کارانه ارتش، لطمه مهمی خورد. اقدام کودتاگران به بخشی از ارتشبان، هر روز بعد از واقعه کشتار دهقانان، علیه دولت آکینو، و روش ملاطفت با رومالمت‌جویان نه سران ارتش نسبت به کودتاگران، که قصد بازگرداندن مارکوس را داشتند، در افکار عمومی تا شریک می‌درافشان شدن نقشش ارتش داشت. وقتی توده مردم حرکت کند جواب، گلوله‌بلادرنگ است، اما وقتی فاشیست‌های طرفدار مارکوس کودتا می‌کنند راه مذاکره و مصالحت در بین گرفته می‌شود. این درسی است که کارگران و زحمتکشان فیلیپین از مشاهده دو واقعه فوق می‌گیرند. وقایع مهمی که عمق استیصال دولت آکینو در برابر ارتش را آشکار می‌کند. آکینو علیرغم سرخورداری از توهم عمومی نسبت به سوارهای دولتش در برابر اقدامات ارتش عملی در مانده است. با توجه به اس وضعیت و یاد در نظر گرفتن این واقعیت که ارتش عملاً استفاده از آتش‌بس خود را برای تعرض بزرگی به سروهای انقلابی مسلح آماده می‌کند. نمایندگان "جبهه دموکراتیک ملی" و ارتش نوین خلق، از حرکت در مذاکرات با نمایندگان دولت خودداری جنسند. آنها در ساندنهای اعلام داشتند که سیاست دولت، دفع وقت و بیخ برای تهاجم است. بکه دولست آکینو حاضر وقت در دست تا سرشرا بط لازم برای یک آتش‌بس دائمی، یعنی آغاز اصلاحات را دیگال احتمالی و پیش از همه اصلاحات ارضی، تصفیه ارتش از عناصر و فرماندهان سرسپرده امپریالیسم آمریکا، رعایت دموکراسی و حق بیان برای همه

آفریقای جنوبی

ملاقات اولورنا مو، رهبر ANC و جورج شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا در روز ۸ بهمن ماه گذشته، عملی نقطه‌یابی بی‌سابقه است. سابقاً امریالیسم آمریکا در آفریقای جنوبی بود. تاکنون امریالیست‌های آمریکا کسی و انگلیسی می‌گوشتند با علم کردن این سیاست شخصیت یا سازمان بعنوان "نماینده" خلق سباه و با خودداری از ملاقات با نمایندگان کنگره ملی آفریقا، وجود و حقانیت این سازمان که پس سال و قدرتمند خلق آفریقای جنوبی را نادیده بگیرند. در همان حال جنرال تسلیمان گسترده‌ای درباره "تروریستی" بودن این سازمان و "تفویذ" کمونیست‌ها در آن در مطبوعات غربی برافراشته بود. حال آنکه تا کنون این سازمان در اهمیت سازمان مسلحانه برای براندازی آپارتاید و نیز عضویت حزب کمونیست آفریقای جنوبی در این سازمان، که ساخت جبهه‌ای دارد، امری آشکار و کاملاً شناخته‌شده بود. بهر رو گسترش نفوذ توده‌های کنگره ملی آفریقا و روشن شدن نقش

انگلستان

سازمان کمیسر اتحادیه‌های انگلستان دچار یک شکست مهم شد. پس از نزدیک به ۱۳ ماه مبارزه با حاکمان دولتی کارگران حزب "سوکات ۸۲" و "انجمن مثلی گرامسک"، از اعضای خود دعوت کرد تا به تظاهرات و اعتصاب خود علیه تصمیمات گروه مطبوعاتی روبرت موردوم دانشگاه ساجی مرکز حاکمان شراب و استحصالی‌ها در لندن بشارت. آن‌ها به تظاهرات اصلی اپر تصمیم را تمام شدن دهمه مالی و حطرمما دره اموال اتحادیه‌ها در امریکاست موردوم علیه این دو اتحادیه دگر کردند. توحه‌های "غلب" جوهر فضا را روشن می‌کند. طبق فوایس مصوبه در طول سالهای ۸۲ و ۸۳ توسط دولت ناخر، هرگونه اندام اعضای کارگران در مساعت از تولید حاصل کارها فاسور شکستی قابل تعهد خواهد بود. در هر حال اعتصاب معدنچیان اس فایس مدکارگری که عملی اعتبار را زیر سوال می‌برد با موفقیت ارجاس مدیریت معادن مورد استفاده فرار گرفت و در اثر آن تمام دارایی اتحادیه معدنچیان فسط شد. امری که محرکه‌گرسی وسیع‌مانی بخش بزرگی از اعضای اتحادیه اتحادیه معدنچیان فوایس هرگونه "خط اعتصاب" ("تک‌لاس")، جلوگیری از سرکار رفتن اعتصاب‌کنان، جلوگیری از "کارعادی" تولید، فایس شکستی محسوب می‌شود و مدیریت به تهاحق شکایت از اتحادیه مربوطه را در لکه حق اخراج کارگران اتحادیه "حاطی" بدون پرداخت دره‌ای خسارت را دارد. موردوم با استفاده از فایس، معرود ظهور اولس "خط اعتصاب" سرسراه کامیوسهای حامل روزنامه‌هاش، کلیه اعتصاب‌ها را، سعی سرانجام ۵۵۰۰۰ تن از کارگران مؤسسات چاپ خود را اخراج کرد. عدم حمایت رهبری TUC از اپر اعتصاب، درست‌مانند اعتصاب معدنچیان، که به "دلیل" خود همان فوایس گذاشتی صورت گرفت. معرود اعتصاب‌سئون سمدت اعتصاب سونی که در اثر "مدرسزه کردن" ماشین‌های چاپ برای همه‌سبک‌ها مشخص مگر آنکه شرایط برده‌داران‌های از دست‌مزد و کارمندان موردوم، تن می‌دادند. زد و خورد‌ها حوسین کارگران و سروهای حیی هواداران بایلس و بایسردی دلاوره‌آنها، علیرغم خیانت رهبر TUC، بعد از ۱۳ ماه نتوانست مسیر را تغییر دهد. تجربه‌های سکن دادگاه‌های "سی طرف" منحربه‌ای دست‌رفتن بیش از ۲/۵ میلیون لیره استرلینگ دارایی اتحادیه‌هاست. آپارتاید در سوندن‌ها بیاری صدوقتهای اعتصاب نشانند. تهدید موردوم به بی‌گیری شکایت جدید، باعث عقب‌نشینی قطعاً سبک‌ها شد.

در حقیقت کارگران حاب مبارزه را در میدان دیگری، پس از آغاز اعتصاب خود، باخته بودند. آنها همانند برادران قبرمان معدنچی خود، تاوان سلطه اشرافت‌کارگری برج TUC و عقب‌نشینی جمعی عمومی کارگری در برابر تهاجم بی‌رحمانه سوزواری انگلیس را می‌یادازند. نکت‌آنها وقتی بود که فوایس فدکا رگری ۸۳-۸۲ بدون مبارزه اتحادیه‌ها از تصویب پارلمان گذشتند و بدین ترتیب دست‌یاب و دادگاه‌ها برای سرکوب اعتصابات سازند. چنین وضعیتی از تهاجم سوزواری و قوانین فدکارگری او یک طرف و عقب‌نشینی و انفعال جنبش کارگری از جانب دیگر در ۲۵ سال اخیر تاریخ انگلستان می‌سازد. اگر جناح سب‌سبک‌ها موفق به درهم‌تگستن سلطه اشرافت‌کارگری سراین اتحادیه‌ها نشود، سلسله نکت‌های کارگران انگلیس همچنان ادامه خواهد داشت.

تعیین‌کننده آن در مبارزات روزمره کارگران و جوانان سیاه‌پوست آفریقای جنوبی، انکسار موجودیت و نفوذ آن در میان خلق سیاه‌پوست‌ها نمایش سبک مسخره‌ای می‌ماند که گردها سبک‌گانه چون ریگان و تاچران را رهبری می‌کردند. ابتدا دولت انگلیس (در زمستان سال گذشته) و حال دولت آمریکا مجبور به شناسایی دوفاکتوی نقش رهبری‌کننده کنگره ملی آفریقا در مبارزات خلق سیاه‌پوست شده‌اند. این یک پیروزی مهم برای مبارزان فدآپارتاید بشما رمی آید و بی تردید دست‌آنها را در پیشبرد مبارزات فدآپارتاید در خا از آفریقا جنوبی بازتر کرده و به جلب همبستگی افکار عمومی در این دو کشور جیش مهمی می‌دهد. آنها قادر خواهند بود فشار بر مراتب موثرتری در جهت اعمال تحریم اقتصادی و نظامی رژیم آپارتاید از جانب کشورهای امپریالیستی، وارد بیاورند و از این امر برای گسترش مبارزات در داخل کشور سودجویند.

"دیگر این معاد...!" دنباله از صفحه ۲۶

پلیس فذشورش عمل کردند، بویژه همکاری آنان با گروه‌های دا و طلب موتور سواری پلیس، که خود فاشیستی ترین بخش پلیس فرانسه را تشکیل می‌دهد و اما سراسری مقابله با تظاهرات "نوع مه ۶۸" و پس از آن پایه‌گذاری شده است، چشمگیر بود. شرکت کنندگان در تظاهرات تا دیدن این اتحاد نزدیک به سرعت خوش باوری به نتایج این حزب دست راستی را کنار گذاشتند و در عین حال فهمیدند که "بی تفاوتی سیاسی" معنایی جز میدان دادن به این ابزار سلطه بورژوازی ندارد. جنبش اعتراضی دانشجویان و دانش‌آموزان شاقوی مرگ بی تفاوتی سیاسی برای یک نسل تمام و کمال از جوانان فرانسه، و بطور نسبی اروپا را به صدا درآورد. اگر در آغاز بخش بزرگی از تظاهرات کنندگان بر غیر سیاسی بودن خود و اهدافشان تاکید داشتند، تا کیدی که قبل از هر چیز خط کشی با "سیاست بازی" بورژوازی بود، در تظاهرات هادسا مبردیگری اثری از آن نبود.

این جنبش وجوه اشتراک کل جوانان بوده کارگران و اوقات کم درآمد فرانسه را نشان داد. این نسل از دانشجویان و دانش‌آموزان در متن بحران بزرگ شده است. آنان مزه بیکساری

پدران و ماداران خود را چشیده اند. آنها از روزهای خوش "دهه ۵۰ و ۶۰ هیچ تصویری ندارند. این نسل، نسل بحران دهه هفتاد و هشتاد است. نسلی است که "مزایای" سرمایه داری را از همان دوران تحصیل می‌چند و با حتم انداز بیکاری و بی‌خانمانی و آینده‌ای بکلی ناروشن روبروست. دفاع آنان از حق تحصیل و دانشگاهی در واقع دفاع از کسب "حوازیاریایی" بود. تازه حوازیاری بدون تضمین! به همین دلیل همدردی کارگران و جوانان در این جنبش بر پایه‌های محکمی استوار بود، آنها در مبارزه علیه سرمایه و نظام سرمایه داری بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده‌اند. اکثریت عظیم این جوانان فردا به صفوف کارگران، شاغل یا بیکار، خواهند پیوست و آنها بتدریج از این واقعیت آگاه می‌شوند و متناسب با آن میزان اتحاد و همدلی میان آنان بیشتر می‌شود. از میان رفتن روز افزون تمایزات حقوقی و شرایط کار میان اکثریت حقوق بگیران کشورهای صنعتی پیشرفته و بی‌بختی بخشهای بزرگتری از آنان به صفوف کارگران، این نتیجه و تاثیر انقلاب صنعتی سوم در سازمان کار و تولید بورژوازی، نتیجه‌ای جز افزایش ایس آگاهی و مستحکم تر شدن پیوندهای میان اکثریت اهالی مردم نخواهد داشت. جنبش احرو همستگي وسیع توده‌های، در مقابل دولت و پلیس و در دفاع

همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

می‌آنکه برنامه‌های برای اصلاحات پیشنهاد شود. خط مشی آکستواستفاده حداکثر از توهّم عمومی و سی اثر کردن تا شیرات کشنده‌ها نشان، شکست مذاکرات با ارتش نوین خلق و کودتا های پیاپی ارتشبان طرفدار مارکوس بود. نتیجه رفتار اندوم، بیروزی آکینوسود. محسوسیت آکینوس و شرس مردم، بویژه شهرنشنان از بازگشت دیکتاتوری مارکوس، که باعث اتخا ذروش "هر چه باشد وضع بهتر از دوران مارکوس است" از جانب بخش بزرگی از رأی دهندگان شده بود، ایس بیروزی را تضمین می‌کرد. اما رأی "نه" نزدیک به ۲۵ درصد از شرکت کنندگان در رفتار اندوم و نیز با بکوت بخش قابل توجهی از رأی دهندگان، سه روشنی نشانه‌های رشدی اعتمادی به دولت آکینوس و روی گردانی بخش قابل توجهی از طرفداران اولیه خانم آکینوسهتند. در عین حال سببش از ۲۵ درصد رأی مثبت حاکی از آنست که کار و تلاش افشاگران برای آگاهی توده‌ها و مبارزه با سوه توده‌ای خرده بورژوازی نسبت به دولت آکینوس می‌بایست باشد هر چه تمامتر از جانب انقلابیون چه دنبال شود. وجود سازمانهای توده‌ای چپ نظیر اتحادیه کارگری اول ماه مه، با

فیلمین

حزب و سازمانها و عقب نشینی ارتش از مناططبق روستایی به پایگاههای خود، گامی بردار دستاثر این آنها تنها سیاست استخفا ده تبلیغات جنبش از مذاکرات با نیروهای انقلابی را دنبال می‌کنند. اعلام عدم قبول کاندیدای های احتمالی حزب جدید لتأسیس خلق، به بیانه اینکه آنها مخالفت رسمی خود با مبارزه مسلحانه را اعلام نکرده اند، تضعیفی که ماه پیش توسط کمیسیون رل انتخابت دولت اعلام شده، تأثیدی برای عدم رعایت واقعی دموکراسی از جانب دولت آکینوس و سیاست ما نور آن بود.

در این میان دولت آکینوس سیاست "بسر و بدوز" را اتخا ذکر دو با تبلیغات فراوان که گاه با شیوه‌های حقیقتا مارکوسی یعنی بخش قبول در میان مردم حاشیه شهرها، بخصوص مانیل، توام بود (گزارش روزنامه لوموند، در سوم فوریه، از انتخابات در این مورد بسیار گویاست) بسر لزوم رأی "آری" در رفتار اندوم، "برای تشبیت دموکراسی" تاکید کرد. هدف فقط و فقط بردن رفتار اندوم بودی آنکه قولی به مردم داده شود و

آفریقای جنوبی

نکته مهمی که با ید مورد تاکید قرار بگیرد، عدم کوچکترین گذشت از اصول از جانب رهبری ANC برای تحمیل این "شناسائی" به دول امپریالیستی بود. آنها صرفا با اتکاء به واقعیت حضور رهبری کننده خود در مبارزات ضد نژاد پرستی

از این حق تحصیل نمونه‌بارزی از این واقعیت نوین و پنهان، را نشان میدهد.

کمونیستهای و انقلابیون سا پرکشورها نباید نسبت به چنین تحولاتی بی تفاوت بمانند. وظیفه همستگي بین المللی و دفاع از حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان، حکم می‌کند که ما فعالان در این جنبش‌های دمکراتیک شرکت حوشیم و در عین حال نیروهای خودمان را در جریان همین جنبش‌ها سازمان دهیم. این گونه جنبش‌ها فرصت مناسبی برای عقدا تحاد میان دمکراتیک و کمونیستهای کشورهای مختلف فراهم می‌کنند و امکان مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی را می‌دهند. بویژه امروزه که تعداد ایرانیمان مقیم خارج قابل توجه است آنها می‌بایست فعالانه در جنبش‌های دمکراتیک کشورهای محل سکونت خود شرکت جویند. ما نمی‌توانیم و نباید از این وطنه سرخی کم. گذشته از آن در متی همس مبارزات فرم‌های مراوا سی برای افشای حایات رژیم صحنی و اتاعه احسار حس کارگری و توده‌ای ایران وجود دارد. اما تنها با شرکت در آنها و برای رساندن مسئولانه به پیشبرد این سمت هاست که می‌توانیم همستگي بین المللی علیه رژیم صحنی را واقعاً تحقق محسم.

سبش از هه هزارتن عضوینز" اتحادیه دهقانان فیلیپین"، سازمانده تظاهرات خونین دوم بهمن، و آگاهی نسبتا بالی اعضای این اتحادیه‌ها کار را سهل ترمی کند. اما نمایان را از نظر درور داشت که حبا انقلابی، بویژه در قالب دولت آکینوس رقیب قدرتمندی در جلب توده‌های دهقان و ساکنان روستاها دارد. بخصوص که کلیسای کاتولیک فیلیپین، بطور جدی سیاست حمایت از آکینوس را دنبال می‌کند و آخرین نمونه آن، سخنرانی دعوت به دادن رأی "آری" در سراسر کلیسای فیلیپین، این حمایت فعال را نشان میدهد.

با قطع مذاکرات آتش بس و سر فرارای رفتار اندوم، مبارزات طبقاتی در فیلیپین وارد مرحله جدیدی شده‌اند. مرحله‌ای که هتیساری فراوانی در ترکیب شیوه‌های مسلحانه و غیرمسلحانه، محفی و علنی از جانب نیروهای انقلابی را می‌طلبد. هر تا کتیک غلط می‌شوند خر به مهمی به دستبرد استراتژی انقلاب در فیلیپین وارد کنند، خر سه‌ای که با توجه به سیاست عوام فریبانه دولت آکینوس با دوازی جبران بذیرخواهد بود. هنر رهبری انقلابیون چپ فیلیپین به سوت آزمائش مهمی گذاشته شده است.

ما مسروعت خود را به از این و آن بلکه در مبارزات خود می‌گیریم. تا مسود رخا تمه محدود و آرمای نهایی سازمان خود را شرح کرد. ایس خود سرخورده مناسبات میان سازمانهای مبارز و دول امپریالیستی درس حوی برای آشنائی است که هر نوع اصل و آرمای را هدای "ملاقات سپای دیلما شک" می‌کنند!

و کارگری آفریقای جنوبی و بدون کوچکترین "قمار دیلما تیک" و وارد شدن در بندوبست‌های پشت پرده این عقب نشینی را به امپریالیستها تحمیل کردند. تا مسودر ما حبه مطبوعاتی خودس از این ملاقات این نکته را مجدداً خاطرنشان ساخت که گنگره ملی آفریقا "فرنیست هیچگونه تفبیری در استراتژی ویا متحدین خود میدهد. او گفت که

